

# ژوندون

محله هفتگی - شنبه ۹ سپتامبر ۱۳۵۳  
شماره ۲۳-۲۴



لی و رخ  
به صفحه (۸۱)

یک نمونه از لباسهای محلی گشود  
«عکاسی شیر فتو را پورتر»

Ketabton.com



# رئیس دولت و صدراعظم

ضمن صحبت با مدیران معاشر و لایات گفتند:

## پروگرام آینده معارف باید طوری تنظیم گردد که دارای اهداف عالی ملی و فرهنگی باشد



بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم عنوانی که مدیران معارف و لایات را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

محمد داود بهتر قی معارف مذکور شد که منسوبین معارف دربرتو نظام انقلابی باشند. بناغلی رئیس دولت و صدراعظم فرمی: «کردیده باشند چه تدویر چنین سیمینار ها مخصوصا برای معارف دارای ارزش خاص و آرزوی خدمت به اولاد این خاک قدم های پیشنهادی در این سیمینار نداشتم». بناغلی در این سیمینار معرفت برداشتند که این سیمینار مخصوصا برای معارف دارای ارزش خاص و آرزوی خدمت به اولاد این خاک قدم های پیشنهادی در این سیمینار نداشتم. بناغلی در این سیمینار معرفت برداشتند که این سیمینار مخصوصا برای معارف دارای ارزش خاص و آرزوی خدمت به اولاد این خاک قدم های پیشنهادی در این سیمینار نداشتم.

بناغلی رئیس دولت و صدراعظم فرمی: «کارکنان و استادان معارف برای کشید و واولاد آن افزودند برای آینده وطن باید جوان هایی تربیه کنیم که پیش خدا، وجودان و مردم خود سرفراز باشیم». بناغلی محمد داود اظهار امیدواری نمودند که مدیران معارف طی سیمینار ده روزه شان علمی ارائه بوده و از نعمت علم و داد نش کافی بپرسیدند. بناغلی محمد داود اظهار امیدواری نمودند که مدیران معارف طی سیمینار ده روزه شان علمی ارائه بوده و از نعمت علم و داد نش کافی بپرسیدند.

داد که از طرف فتبه اغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم تبلیغات تبریکیه به متناسب داد. بناغلی رئیس دولت طی این پیام تهنیت نیکخود، حکومت و مردم افغانستان را برای سعادت رئیس جمهور، حکومت و کشور دوست افغانستان امتدعا نمود. بناغلی رئیس جمهور آنکه در این سیمینار معرفت برداشتند که این سیمینار مخصوصا برای معارف دارای ارزش خاص و آرزوی خدمت به اولاد این خاک قدم های پیشنهادی در این سیمینار نداشتم.

## تلگرامهای تبریکیه به دهلهی و بخارست مخابرات گردیده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف بناغلی محمد داود رئیس دولت

# رئیس دولت و صدر اعظم پساغلی خلعتبری را پذیرفتند

## شاغلی خلعتبوی با بنشاغلی محمد نعیم

## ملاقات تعارفی

بِعَمْلِ آوَرْد

بنامغلنی عباس خلعتبری وزیر امور خارجه ایران  
ساعت ده قبیل از ظهر روز سه شنبه بانساقلى  
محمد نعیم در قصر وزارت امور خارجه ملاقات  
تعارفی بعمل آورد .  
قد از پنجمین دیگر :

بنغالی عیاس علی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران ساعت پنج و نیم دیروز چای عصر را با بنغالی محمد نعیم در کاربز میر صرف نهود. در آن وقت دکتور محمد حسن شرق معاون صدارت عظیمی، بعضی از اعضاي کابينه و مادرین عالير ته وزارت امور خارجه، همراهان بنغالی خلعتبری و شارذاده سفارت كبراي انگشور مقمه كابل نيز خصوص داشتند.

سیاستی وزارت امور خارجه، بیانگلی محمد اکبر  
رئیس دفتر ریاست جمهوری، شهر آهان بیانگلی  
خلعتیری و شارژه‌دار سفارت کبیر ایران  
مقام کابینه نیز حاضر بودند.

بنا غلى محمدداود رئيس دولت و صدراعظم دابرای ملاقات در قصر ریاست جمهوری پذیرفته ساعت ۱۱ و نیم قبل از ظهر روزه شبله بناغلی ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد که عباس على خلعتبری وزیر امور خارجه ایران هنکام این ملاقات بناغلی و حیدر عدالله معین



نیز اگلی رئیس دولت و صدراعظم موقعیکه شاغلی خلعتبری وزیر خارجه ایران دارد فهریت ریاست جمهوری بذرگانند.

# بنیا غلی خلعتبری بادو کتو و ره محمد حسن شرق ملاقات کرد

بساغلی عیاس علی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران ساعت ۵ عصر روز ۵ سپتامبر ۱۹۷۹ در تهران مکانی در خارج از کشور در گردش در حین بازدید از این مکان از پس از آنکه بساغلی خلعتبری را در دفتر وزیر امور خارجه ایران بازدید کرده بودند، در این ساعت معاون صدارت عظیم صدارت ملاقات نمود.

فرار یک حیردیگر : از طرف نیماغلی و حید عبدالله معین سیاسی از شاغلی خلعت بری و همراهانش استقبال وزارت امور خارجه با تغایر آستان در قالب پذیرایی گردند. همچنان وزارت تدبیت شده بود.

درین سفر بناگلی جعفر آدیم معین  
اقتصادی، بناگلی محمود صالحی مدیر عمومی  
فرهنگ بناگلی عباس هدایت رئیس اداره بنیجم  
سیاسی وزارت امور خارجه با بناگلی خلعتبری  
هراء میباشند.

درین دعوت بعضی از اعضاي گابسته،  
رئیس عمومی دفتر ریاست جمهوری، سفیر  
کبیر افغانی در تهران اراکین وزارت امو د  
خارجه، شارژه افیر واعضاي سفارت کبرا ی  
ايران مقسم گابایا شـ کـتـ کـ دـهـ دـنـهـ

بنای بدهوت وزارت امور خارجه پنگلیس  
عباس علی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران  
 ساعت ۱۲:۰۵ بعد از ظهر روز هستله  
 امور خارجه ایران بکابل آمده است.  
 وارد کابا شد.

بناغلی محمد نعیم هنگام صحبت با بنی‌آغلى عباس‌علی خلعتبری وزیر خارجه ایران در دعوه‌تهریه کاریزمه‌بیو در عکس دوکتوه هنده‌حسنی‌شرق معاون صدارت خلعنی نیز حضور دارد.

# مقرره جدید بودجه دولت جمهوری افغانستان مورد تطبیق قرارداده شد

اصلی نبوده و بودجه عادی و انکشافی دولت افغانستان باسas پیشنهاد وزارت مالیه مقرره جدید بودجه عادی و اینکشافی دولت را با تحلیل سطحی بیان مینمود ملحق گردید. منبع گفت مقرره جدید کمطابق به اساسات علمی ترتیب شده موضوع بودجه تصدیق اشتراکات دولتی و بناروایی هارا دربردارد. منبع از ورد درین مقرره و ضمایم آن مراحل مختلف ترتیب و تنظیم بودجه و مکلفت های شعبات بودجوي و همچنان تعریف و اصلاحات بودجه تشریع شده است.

منبع اضافه گردی باسas مقرره جدید سیاست امور بودجوي دولت جمهوری افغانستان تدوین و تنظیم گردیده و هدف آن ایجاد سیاست درگار و مشرویت در مصارف عمومی دولتی و بناروایی ها اکنون بروی باب فصل و ماده ترتیب تعليمات نامه بودجه ۱۳۴۴ گهوارگوی خواج میشود.

## فیصله دیوان حرب بریک عدد ۵۵ هشت افگان و جاسو سان صادر گردید

نور الدین بریدمن ، غلام دستگیر و محمد طاوس جکتورون هر کدام به هفت سال جبس، اختیار محمد تورن بهشش سال جبس، عبدالمؤمن جکتورون به چهار سال جبس ، عبدالسبحان هنظام و دوست محمد تورن هریک به سه سال جبس محکوم گردیده اند.

هکذا ایام راکه فضل الباقی جکتو رن در توییف بسر برده به حالش کافی دانسته شده است.

دوییه نسیتی یک تعداد اشخاص میکه قبل ب مجرم داشت افگانی و جاسوسی با لعل کرفتار شده بودند و بعد از اکمال بدبیان حرب سپرده بود دیوان حرب درباره شان چنین فیصله صادر نموده است.

حبیب الرحمن به جزای اعدام و محمد عطاء الله فخانی به جبس دوام و غلام سخن تورن حاجی محمد هریک به ۱۵ سال جبس.

محمد عمر لمری بریدمن بهده سال جبس

داریانا هوانی شرکت :

## ۱۴ میلیون افغانی مفاد خالص کود

است

داریانا افغان هاوی شرکت در سال ۱۳۵۲ بیش از چارده میلیون افغانی مفاد خالص نموده است.

این مطلب روز ۳۰ اسد در جلسه هیات مدیره آن شرکت بریاست بنگلی سلطان محمود غازی رئیس عمومی هاوی ملکی و توریزم دایر شده بود ارانه گردید.

در بیو مجلس مذکور بنگلی سیلگلام حضرت کنترولر آریانا بلانس و رایور اجرایت ۱۳۵۲ شرکت رایه هیات تقدیم نمود و دران چارده میلیون دودو سویست هزار و شصتو بیست و سه افغانی مفاد خالص زنان داده شده بود. که طرف تائید هیات مدیره واقع شد.

دراین مجلس از اجرا آت دیلووم انجیر اهی الله تعجب دیس و سایر کارکنان آریانا افغان هاوی شرکت تقدیر بعمل آمد.

در مجلس مذکور بنگلی علی محمد خان جلال و زیر تجارت بنگلی علی احمد خرم و زیر بلان دکرجنral محمد موسی قوهاندان هاوی د مدفعه هاوی بنگلی خالیار معین وزارت مالیه بنگلی محمد حکیم کفیل دا فغانستان بانک بنگلی گل احمد نور دیس پیشنهاد تجارتی بانک بنگلی بگانه رئیس محاسبات وزارت مالیه معنی سیاسی وزارت امور خارجه نیز ملاقات نمود بنگلی خلیف اخیراً بدعوی و از رئیس مالیه بنگلی معاونین که بین هاوی میباشد پان امریکن اشتراک داشتند.

## معاون صدارت دعوت فهاری به افتخار بنا غلی خلعتبری در تیب داده بود

دکتور محمدحسن شرق معاون صدارت دراین دعوت اعضا گایسه و مامورین عالی تر به سکری و ملکی شاوزدایر و اعضا سفارت کبرای ایران همان قابل اشتراک داشتند.



بنگلی خلعتبری وزیر خارجه ایران در دعوتیکه از طرف دکتور محمدحسن شرق معاون صدارت علی در پیه بگمان تر تیب شده بود.

## پیشنهاد مبنی بر طی مراجعت دوسيه های محاسباتی بداخل سه ماده تصویب گردید

دویان محاسبات حل و فصل گردد.

در عدو در دویانه های که تفیش آن در سالهای گذشته صورت گرفته و بعد از این هم تفیش میشود از طرف ریاست محاسبات میباشد برای تأمین سرعت و موثریت کار تطبیق تخته قرار داده شده و راجع به حل و فصل آن اقدام بعمل می آید.

دویان محاسبات حل و فصل گردد.

بنگلی ناجرا باقی مانده.

جزای انصباطی و تعویضی باقیات ذمت اشخاص میباشد برای تأمین سرعت و موثریت کار تطبیق جزا و تحصیل بول های ذمت شان بدن ارجاع به خارنوایی ها مستقیماً از طریق ریاست

ارجاع به خارنوایی ها مستقیماً از طریق ریاست

با اساس تصویب مجلس عالی وزراء و منظوری بنگلی رئیس دولت و صدر اعظم پیشنهاد ریاست تلقیش محاسبات مدار ۵ علی مبنی بر طی مراجعت دویی های محاسباتی بداخل سه ماده ثبت و تصویب گردید.

یک هنیع ریاست تفیش محاسبات صدارت علی مفت شاخص مشکل عمله کار ایمن و ریاست از ناحیه هلتیوی ماندن و به نتیجه ترسیدن آن دویی های زمان گذشته میباشد که بین این ریاست واداره خارنوایی و محکم عدلي تحت دوران بوده که حل و فصل آن به مبالغه مکتبی یک طرفه شده نمی توانست.

منبع علاوه نمود از سالها بدینسو دویی ها بین خارنوایی و ریاست تفیش هبادله و ازین خالیگاه بول دولت لا تحصیل و تطبیق معزازات علی ملاقات بعمل آورد.

# پوھا نددو کتور سکندر روزیر صحیه به فارغان مکتب عالی تکنالوژی تصدیق نامه داد

پوهانه دکتور نظر محمد سکندر و زیر صحیه قبل از ظهر روز سه شنبه ۱۰ مه به فارغان مکتب عالی تکنالوژی تصدیق نامه داد. پوهانه سکندر حین توزیع تصدیق نامه ها به فارغان آنها را به وظایف سینکن شان متوجه ساخته گفت چون وظیفه شما در اشتراک مساعی و تشخیص امراض بادکشوران علاج میم و جدی میباشد بناء مستلزم چندین وزحمت کش فوق العاده در ز مینه میباشد.

وزیر صحیه ضمن اشاره به طرز تشخیص امراض در گذشته علاوه نمود: از آنجا یکه وقايه، تشخیص و تداوی مریضان کشو د از جمله اهداف عالی نظام جمهوری کشو د میباشد و زارت صحیه مطابق افغان روغتیا پروگرام به تدویر گورسای مسلکی جهت بلند بردن سویه داشن و خدمت پیش برای هموطنان عزیز ادام ورزیده است.

یک منبع وزارت صحیه گفت فارغان مکتب عالی تکنالوژی به بیست و یک نفر بالغ میگردد و همه ساله تعدادی از فارغان صنوف دوازده هزار کتاب را می پذیرد.

منبع مدت این کورس را دو سال و شش ماه وانهود گرد.

## شاغلی خلعتبری با شاغلی وحید عبدالله مذا کره بعمل آورد

شاغلی عباس علی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران ساعت ۹ صبح روز ۶ سپاه پاسخگویی وحدت عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه در قصر آنوارت مذاکراتی بعمل آورد.

درین موقع از طرف افغانستان پیشگوی عبدالصمد غوث مدیر عمومی سیاسی دوکتور عبادی رفیق سراج آمره دفتر روزارت خارج و بغضی دیگر از ارکین آنوارت و از طرف ایران اعضا میباشد شاغلی خلعتبری و شارزاده ایران در کابل پیشگویی بهارلو حاضر بودند.

باقی در صفحه ۶۶

## طبع تکت فوق العاد

پنهانی



یک منبع وزارت مخابرات اطلاع داد که به مناسب تجلیل روز ملی پیشو نستان یکنون تکت پستی فوق العاده نشر گردیده است. این تکت که پنج افغانی قیمت دارد از تاریخ ۹ سپتامبر در معرفی چلنده قرار داده میشود. علاقمندان و کلکسیونر ها میتوانند تکت مذکور را از غرفه های پستی بدست آورند.

# بناغلی مشتاق احمد با معاون صدارت عظمی ملاقات کرد

بناغلی خنده کار مشتاق احمد وزیر تجارت فرادری بیک خبر دیگر وزیر تجارت بینکله دیش و تجارت خارجی کشور بینکله دیش ساعت یازده ساعت ده قبل از ظهر باناغلی علی احمد و نیم قبل از ظهر روز ۷-سبتمبر با دکتور محمد حسن شرق معاون صدارت اعظمی در خرم وزیر پیلان نیز ملاقات نموده و پیرامون عمارت صدارت ملاقات نمود.

درین موقع بناغلی محمد خان جلال وزیر تجارت و ذوات معیتی بناغلی مشتاق احمد خارجی بینکله دیش بنا بر دعوت بناغلی محمد خان و شارزاده ایر سفارت کبرای آنکشور مقیم کابل جلال وزیر تجارت بعد از ظهر روز سپتمبر نیز حضور داشتند. وارد کابل شد.

در میدان هوای بین المللی کابل وزیر تجارت و پیشگویی عبد القویم منصور معاون مدیریت روابط اقتصادی وزارت امور خارجه و بناغلی نور الدین شارزاده ایر سفارت کبرای بینکله دیش در کابل از بناغلی مشتاق احمد و ذوات معیتی وی استقبال کردند.

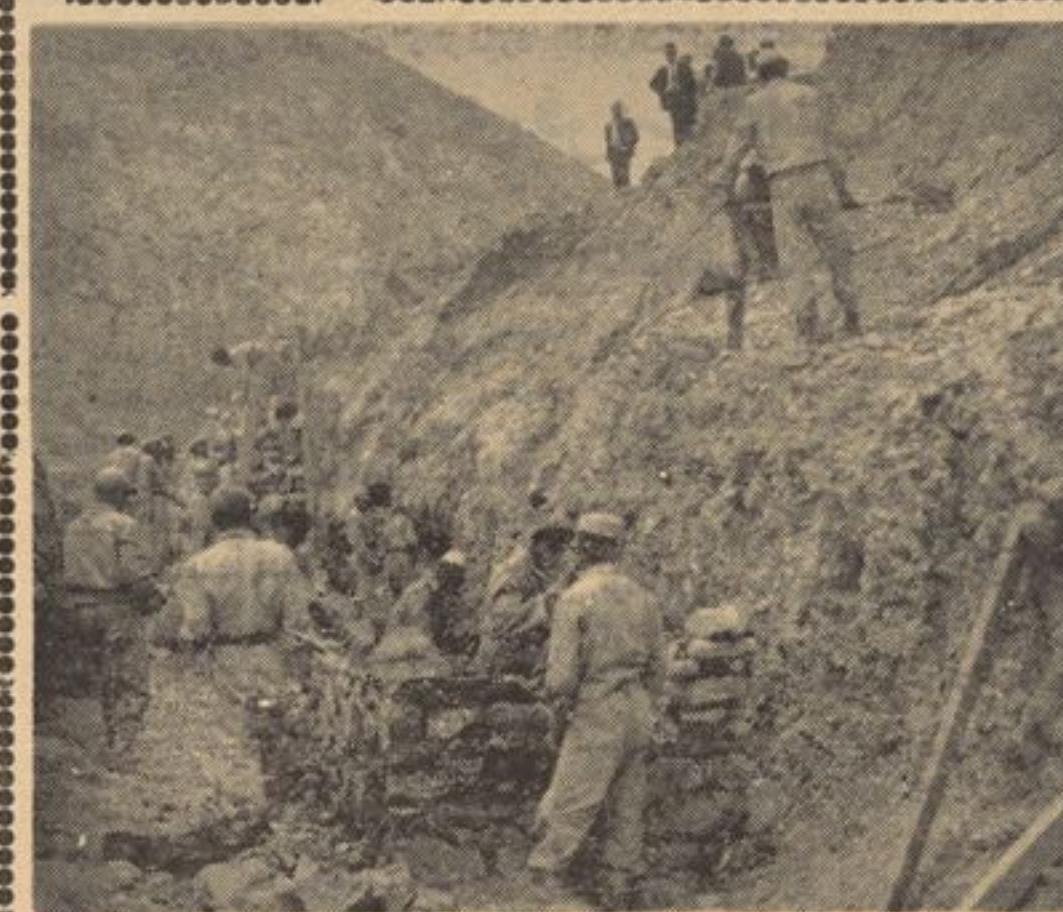
قرار است بناغلی مشتاق احمد و هیات معیتی اش طی اقامته پنج روزه شان در افغانستان درباره موضوعات مورد علاقه تجارتی بین دو کشور به اساس موافقنا میباشد تجارتی ایکه قبل این افغانستان و بینکله دیش د داگه امضا شده است با مقامات مربوط افغانی مذاکراتی انجام دهند.

بناغلی محمد علی رئیس بوردهای و شاغلی سید شمیر احسن مدیر عمومی تجارت خارجی آنکشور باناغلی مشتاق احمد همراه میباشد. قرار یک خبر دیگر بناغلی مشتاق احمد ساعت شانزده روز ۷ سپتامبر با بناغلی محمد خان جلال ملاقات نمود و پیرامون موضوعات مورد علاقه تجارتی مذاکره کردند.



بناغلی محمد خان جلال روزیر تجارت در هیئت ایرانی بین المللی کابل از روزیر تجارت بینکله دیش پذیرایی میکند.

## قیردیز شاهراه کابل گردیز تا ختم سال تکمیل میگردد



بناغلی فایق وزیر فاوید عامه از کوتول تیره در درود طبقه قیردیزی شده بود

روز ۳۰ اسد از جریان گاز قیردیزی شاهراه کابل گردیز دیدن نموده وزیر فاوید عامه این بایزدید راجع به تسریع کاربه متخصصین و کارگران مربوطه هدایات لازم داد بناغلی خایق از موظفين مربوطه گردیزی شد و غایب شان بیش از پانز هر تیه سعی نموده اند خوش نموده علاوه تا یک تعداد کارگران وانجمندان مربوطه این بروزه راهورده مکافات مادی فرادراده یک منبع وزارت فاوید عامه گفت: شاهراه کابل گردیز که سال گذشتند تا قسمت اخیر کوتول تیره در درود طبقه قیردیزی شده بود امسال کار اسفلات و بخته کاری آن بطرف گردیز در حال پیشرفت بوده و در حدود هشت کیلومتر سرک جدید قیردیزی و بخته کاری شده است. منبع از زود: قرار است تا ختم سال چاری کار بخته کاری و قیردیزی این سرک تأشییر گردیز تکمیل شود.

# امکانات تطبیق پلان ۲۵ ساله شهر کابل مطالعه میگردد

سپیر کبیر اتحاد شوروی در کابل، نایاندگان پروتوكولی مبنی بر اعزام شش نفر مخصوص شوری و ذات های خارجه و پلان، معاون و بعضی از مأمورین نیازوالی حاضر بودند. پلان بست و پنج ساله شهر کابل قبل از این روز ۲۴ ساله در نیازوالی کابل راجع به پلان یک منبع نیازوالی کابل امضاء شد.

پروتوكول را از جانب افغانستان دکتور غلام سخن نورزاد بشاروال کابل واژ طرف

شهر کابل تجدید ساختمان های مکمل و اساسی

شهر بشکل مکرو ویان های مدرن و تعمیرات

رهایش عصری مطابق مقتضیات وقت بیشینی

گردیده است.

منبع گفت برای اینکه تکثر نفوس سبب

و سمعت زیاد شهر نگردیده باشد در پلان

بر تقویه مزید علایق دوستی و حسن

همجواری و همکاری های متقابل بین دو کشور

بین نیازوال کابل و معاون مستشار اقتصادی

سفارت کبیر شوروی نیکولا شیوانکوف معاون

اتحاد جماهیر شوروی نیکولا شیوانکوف معاون

مستشار اقتصادی سفارت کبیر آنکشور در

کابل امضاء کردند.

پس از امضاء پروتوكول بیانیه های مبنی بر تقویه مزید علایق دوستی و حسن

همجواری و همکاری های متقابل بین دو کشور

بین نیازوال کابل و معاون مستشار اقتصادی

سفارت کبیر شوروی تعاطی گردید.

عنکام اعضاء پرو توکول بناغلی بوزانوف

بقیه در صفحه ۶۶



# سغار تکبیرای اندونیز یاروز ملی آنکشور را تحلیل کرد



بناغلی و حیدرالله معین سیاسی وزارت امور خارجه در دعوی که به مناسب دو زملی اندونیزی در سفارت کبیر آنکشور در ترتیب شده بوداین روز ایمه شارزدایر و خانش تبریک می گویند.

دکتور غلام سخن نور زاد بشاروال کابل و بناغلی شیوانکوف معاون مستشاری اقتصادی سفارت کبیر شوروی مقیم کابل عنکام اعضای پروتوكول.

## هزار افعانی به معارف کمک کرد ۵۰۰۰ میلیون روپیه

مردم ولایات کشور بعد از استقرار نظر نوین تاکنون بیش از سه میلیون و هشتصد هزار افغانی به معارف کمک نموده و اضافه از یکصد مکتب را بسوردت داوطلبانه تکمیل نموده اند. این دایور درینکی از جلسات سیمینا مدیران معارف ولایات ارائه گردیده است.

مدیران معارف گفتند که اهالی ولایات بناسی از علاقمندی به معارف یکصد شصت جریب زمین را پدسترس مدیریت های معارف قرار داده اند.

در رایوی تذکر دادند که اهالی ولایات سه میلیون افغانی، اهالی ولایت پکتیا دوصد هزار افغانی اهالی ولایت وردک دوصد ویست دیگر اینکه برادران پشتون و بلوج و تجاوزاً هزار افغانی اهالی لوی ولسوالی کتر یکصد و مکر طیارات نظامی پاکستان بر قلمرو و بیست و هشت هزار افغانی برای تهیه سامانه فضایی افغانستان خود همه دلیل عدم صمیعی و لوازم لبراتوار کتابخانه مساعدت کرده اند و نیز در همین مدت شصت و هشت هزار افغانی بودن گفتار وی را تابت هیسازد.

این همه اظهارات محض یمنته استفاده از اطراف مردم ولایت هلمت، پنجاه و پنج هزار افغانی توسط مردم ولایت بدخشان درسیاست داخلی پاکستان و انحراف تو چه مردم از اوضاع پاشیده داخلی آنکشور صورت نموده است.

مدیران معارف درین رایور تو فیسبوک نموده اند که در طول یکسال در ولایت غزنی نتاق افزود چنانچه بارها تکرار گردیده ایم ۳۱ مکتب در ولایت پکتیا ۲۱ مکتب در ولایت موقت افغانستان جز اعطای حق تعیین سرنوشت کندهار، در ولایات اوزگان، تخار، کندز و درکابران پشتون و بلوج چیز دیگری نیست دم تعمیر و بدسترس مدد یاری نیست.

این معارف گذاشته شده است. همچنان افغانستان بازهم بمساحت خود جهت یافتن یک تعداد تعمیر مکاتب باسas کمک مردم را احلى از اطراف مسالمت آمیز و مذاکرات برای مدد یاری از این سه میباشد. یکانه اختلاف سیاسی خود با پاکستان اداهه پالان اکتشافی و زارت معارف در ولایات حصورت گرفته باشد از این نموده اند.

سفارت کبیر اندونیزی در کابل روز ملی کشورش را روز ۳۶ اسد در آن سفارت کبیر تجلیل نمود. در دعوی که به این مناسب ساعت ۶۰ در از طرف شارزدایر سفارت کبیر آنکشور ترتیب شده بود بعضی از اعضا کابینه، مأمورین عالیرتبه عسکری و ملکی و کور دیپلوماتیک

## قرداد همکاری در امور سروی معادن و جیالوچی عقد گردید

نتاق وزارت امور خارجه به جواب سوال خبر تکاری با خبر آن سراجع به گفتار روزه متبه ذوالقار على بوتو صدراعظم پاکستان که افغانستان در پشتونستان و بلوجستان ادعای مالکیت داشته و برای تریبه آزادی خواهان اردوگاهی ساخته است گفت که این نوع ادعاهای بن اساس برای هاتاگزیس نداشته و صدراعظم پاکستان برای اینکه اتفاق عا همراه

قرار داد همکاری متخصصین شوروی در امور معادن و جیالوچی افغانستان برای سالیان ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۶ ساعت یازده قبل از ظهر روز ۳ سنبه دروز از امور معادن و منابع عقد گردید.

باساس این قرار داد یکصد و بیست چهار نفر متخصص شوروی برای پیشبرد ۱۰۰ مورد سروی معادن و جیالوچی و یک تعداد بیرونی های روپیه و پیروزه های جدید با وزارت معادن و منابع همکاری مینمایند.

قرار داد را از طرف وزارت معادن و منابع دیبلوم انجمنه عبدالمجید زمان دیس پلان

آن وزارت و از طرف اعاده شوروی بناغلی پا

ایسلستراتوف معاون مستشاری اقتصادی

سفارت کبیر اتحاد جماهیر شوروی در کابل

اعضا نمودند.

# روز جهانی نفوس برگزار گردید

## حاصلات پسته در بغلان و تخار بیسابقه خوانده شد است

شول یسته در ولایات بغلان و تخار بروز  
عاه ۲۸ دسمبر شروع گردید.

یک منبع مدیریت زراعت و آبیاری ولایت  
بغلان گفت جنگل‌های بغلان اطلاع  
یکصد هزار جریب زمین را احتو کرد  
است.

منبع حاصلات یسته امسال رادر ده سال

آخر بیسابقه خوانده است.

روزنامه نگار باختر از ولایت بغلان اطلاع  
داد بعداز شکست‌اند شول هزاران نفر از  
مردم داخل ساحه یسته لق گردیده و به  
پسته چشم پرداختند.

طبق یک خبر درگز شول یسته روز ۱۴۷ اسد

در ولایات تخار نیز شروع گردید.

یک منبع مدیریت زراعت آنولا یت گفت  
ساحه یسته لق آنولا به عفتاد هزار جریب  
میرسد.

منبع حاصلات یسته رادر ولایت تخار  
اطمینان بخش خوانده علاوه گرد تا فرار سینه  
شول امسال از جنگل‌های آن مرابت بعمل آمده  
که این خود در اقتصاد کسانیکه یسته چشم  
مینما بند نفس بزرگ دارد.

به ۳۵۹ هزار نفر در کابل تذکره  
جمهوری تو زیع شده است

برای بیش از ۳۵۹ هزار نفر مربوط ولایت  
کابل تا خیر ها ماسد امسال تذکره جمهوری  
توزع شده است.

یک منبع رهاسه احصالیه ویژه داخله  
شمن توضیح این خبر گفت توزیع تذکره

در بعضی از ولایت ها و نواحی مربوط شهر  
کابل خانمه یافته و در بایمانه حوزه های  
شهر کابل تا اخیر ماه سپتامبر ادامه دارد.

امکانات تو ویژه فارم و پروژه قره‌قل

و مالداری جزو جان مطا لعه میگردد.

امکانات تو سعه فارم و پروژه  
قره‌قل و مالداری ولایت جو ذ جان  
از طرف هیات متخصصین وزارت  
زراعت و آبیاری مطا لعه میگردد.  
عیات متخصصین مالداری آن وزارت روز  
۲۸ اسد به ولایت جوز جان وارد گردید شروع  
بکار گرد.

دکتور ابویکر رئیس مالداری و تر نری  
وزارت زراعت و آبیاری گفت فارم و پروژه  
قره‌قل و مالداری آن ولایت در سال های اخیر  
برگرد مواجه گردیده بود اکنون وزارت زراعت  
و آبیاری امکانات توسعه و اکتشاف آنرا از تگاه  
جنبش و گفت توسط متخصصین هر بوط  
تحت مطالعه قرار داده است.

وی اضافه کرد هیات وظیفه دارد تا  
جوانب مختلف توسعه فارم و پروژه قره‌قل  
و مالداری را از تگاه علمی و مسلکی مطابق  
شرایط منطقه مطالعه و رایوری درزه است  
وزارت زراعت و آبیاری اراده نماید تا  
اساس بلان توسعه فارم و پروژه را ویدست  
گرفته شود.



دکتور نعمت الله بزوک وزیر معارف عنکبوت ایراد بیانیه بمناسبت روز جهانی نفوس در تالار بزرگ رادیو افغانستان.

روز جهانی نفوس بتأثیر ۲۸ اسد ضمن مخلف در نواحی شده دکتور نعمت الله بزوک و وزیر معارف پیرامون داشت نفو س بشر و اهمیت آن بایان زندگانی اجتماعی امر و مخلف باقران چندآیت از قرآن عظیم الشان افتتاح شده ویس از آنکه سرود ملی جمهوری بیانیه ای ایراد گرد.

وزیر معارف گفت تکثر روز افزون نکند قابل

ازدیشه نیست، چنانچه این مو شمع روز

اواسط قرن بیست مدل جهانی به بلکه مشکل محلی و منطقی تلقی میگردد. اما امر وزیر و مشکل تزايد و تراکم نفوس مشکل عهده‌گانی و جهانی شده است.

وی گفت دولت جمهوری افغانستان با اعتماد که در بلندبردن سویه اقتصادی و اجتماعی مردم این سرمهین دارد میکوشد تا فامیل ها مردم عاده از خطرات ناشی از داشتن اولاد زیاد طبع بوده ویر ترا ری این مخلف نشانه از این علا قمندی میباشد.

درین مخلف که همراه با اتفاق دنیا نیز بیش از یکصد و سی کشور جهان در بخارست مرکز رومنیه دایر شدیوهاند دکتور نظر محمد سکندر و وزیر صحبه همراهین عالی ترین موسسات مختلف دولتی، اعضای گور فیلوبولیانک ملی کابل و متسوین اداره اکتشاف ملل متحد در افغانستان اشتراک داشتند. درین مخلف بسیاری بور تویک امیر اداره پروگرام اکتشافی ملل متحد در کابل بین هنایت بیانیه ای ایراد گرد.

برای بیش از

## ۱۳۳ هزار نفر آب آشامیدنی صحی تنهیه گردیده است

برای بیش از هزار نفر از مردم دهات کشود در بیازده ماه گذشته زمینه استفاده از آب مشر و ب صحی میگردیده است.

انجیر مسعود آمر حفظ الصحه محیطی وزارت صحیه سمن ارائه این خبر گفت در بیازده ماه گذشته دوازده شبکه کو چک ابرسانی در شهر های کوچک و دهات ولایات کشور تکمیل گردیده است.

وی اضافه کرد همچنان یکصدوسی بیمه ایکنی دستی دوچاه های کم عمق قصبات نصب و بکار اندخته شده است.

موصوف گفت در شبکه های آب رسانی هاشین های دیزلی نصب گردیده و تو سعه نهاییکه تهدید یافته زمینه استفاده آب مشروب به مردم میسر شده است.

وی مذکور مصارف پرو گرام آب مشروب صحی از طرف دولت، مردم دهات و ملل متعدد تمویل میگردد، دولت در پروژه های تکمیل شده پنج میلیون الفانی مصرف نموده و در خریداری سامان از یک میلیون و سهصد هزار دلار تخصیص ملل متعدد نیز استفاده نعمل آمده است.

## قرارداد تورید ۱۰۰ اتوبوس شهری به امضا رسید

هریک دارای ۵۳ سیت میباشد با ملاحظه آفرهای واصله مقایسوی پاکمیش تالقی هنری عقد گردیده افغانستان درباره فراهم آوری وسائل ترانسپورتی مردم، وزارت مالیه عجالت قرار گرفت و ریاست اتحادیه ایه بشاغلی غلام حیدر کفیل رسیده بسیاری راکه داد خریداری یکصد عزاده بس شوری راکه

بشاغلی راما مورتی امضا گردند.

دروقت امضای قرارداد اتحادیه تجاری هند نیز  
حائز بود.

# د پښتو فسټان د ملی ورخ

## په مناسېت د کابل شاروالو وينا

ښاغلی محمد داود په خپله هغه ویناکښې  
چه جمهوری نظام داعلان په مناسېتې  
وکړه، په خارجې سیاست پالدی د تھوری  
يېضمن کښې دیاکستان او پښتو نستان د مسالۍ  
په باب داسې و فرمایل:

له باکستان سره زموږ په روابطوکښې چه یوازنې  
هیواددی چې د پښتونستان دلخې په باب له  
هغه سره سیاسې اختلاف لرو اوتر اوسي پوری  
دهه یه جلنې یو بریالي شوی د پښتو نستان  
دلخې دلخې دلیاری دیدا کو لو دباره به  
زموږ دايمې کوبېښ دوام وکړي ..

په ههدی شان ددولت دنیس او مدراعظم  
ښاغلی محمد داود په هغه پیام کښې چې  
افغانستان وېنم داوس کوم په خطاپ په نامه ابراد کړ  
د پښتونستان د مسلی پاپاره کښې داسې  
و فرمایل:

دیاکستان سره دروابطو په باب پاید وویل  
شن چه مناسفانه دا یواختن هیواد هی چمۇنې  
د پښتو نستان دلی مسالۍ او د خپلو پښتو  
اوبلوکو ورونو دهه حقو قو په هکله ورسه  
دنظر اختلاف لرو، دا فغانستان جمهوری دولت  
بې پړه پوره حوصله اوسيه سیته د پښتونستان  
دلی مسلی دسوله ایزو او شرافت هنداه  
حل دلاري دیدا کولو دباره په ګلکه کوبېښ  
وکړي ..

گرانو هافرینو:  
مونږ چدن د پښتو نستان دا بختورتا دېخ  
ورخ نمانځو پايد داهم ورسه په ګله ووایو  
چه د پښتو نستان هله د پښتو اوبلوکو  
مشراو او بلکو په ګډیم پوری تولی دهاد  
د سیاسې اختلاف یوازنې قضیه د د پښتونستان  
پو ضوع چه دا فغانستان او یاکستان ترمنځ  
د سیاسې اختلاف یوازنې قضیه د د پښتونستان  
د پښتو نستان ده سیمه کښې دلی اړمانو  
دھصول دباره د پښتو نستان دلیس تاریخي  
مبازه پرله پس قوت مومن او هفوی دخیل ملي  
نظم او بیوالي خواهه په جدید توګه متوجه دی  
او دلی مبارزه په صفوونه کښې دزیات تنظیم  
دا وسیلو احساس ذیاتیو له بلی خوادر  
نوشت پاکلوا دېشري حق دباره د دنیا په نورو  
برخو کښې سعی او کوبېښ چد د پښتو نستان  
دسر نوشت پاکلوا د حق دھاصللو دباره  
دجهانی مبارزه او په تیره په یېدغه لارکښې  
د پښتو نستان دلیس دبریا لیتوب په هیله  
ددعالات او انصاف په اصولو د پښتو نستان  
د پښتو نستان دلی بېغ په پورته کولو سره  
د پښتو نستان دلی بېغ په پورته کولو سره  
زوندي دی وی دا فغانستان نامه پوریت تل دی  
وی دا فغانستان او پښتو نستان ورورولی.  
امين

ښاغلو ورونو خویندو او ګرانو هافرینو!

ویاډم چه د پښتو نستان د تاریخي ورخ  
د نه نخنې پدی تاوده مظیر کښې چه د ملی  
احساساتو هملل دی او د پښتو نوایاتو او  
خاطر اتو نقش لی دلی تاریخه زینت دی د  
پښتو نستان دخلکو دارزو ګانو په تائید کابل  
دخلکو د احساساتو په ترجمانی د کابل شا روایل  
په جیت د پښتو نستان د بېرخ په پودنه کولو  
سره ددی تاریخي ورخ هرامس سناسو په  
کیون پرائیزم ..

معترفو وویو!  
زوجه دلنه چېلخو خواو شانه په فغانستان  
کښې او سیدونکې پښتو نستانیا تو او د خوشحال  
خان دلیس هغه زلمی محصلین چه د پښتونستان

رائلونکی ژوند ددو پښتنې هم ته ساترګی  
په لاردی او پادکابل او د افغانستان د نوروسې  
وطناویان وېنم داوس کوم چه د ټولو زموږ  
زما دنډه په شان د پښتو نولی دھفو پاکو  
احساساتو په طوفان کښې غورنځونه و هی  
چه د خپل ملی او قومی بقادیاره هر نټګالی  
پښتون هری قربانی او فداکاری ته جمتوکو  
څکه د اسغا نستان ۱ و پښتو نستان  
د خلکو تو منځ و دود ولیس ددو ده  
تیکه او قوی ده جدويښ او منی قوت په ټولو  
چه د خلکو تو منځ و دود ولیس ددو ده  
او قومی ته پیلیدونکو غلایق و لایه دی او دنځم  
اوښان شرکت پی یوه طبعی نیجه ده همدا  
سبب دی له ګومی ورخی خځه چه ځیوانی هند  
بعدو برخو وویشل شو او د پښتو نستان  
ولیس نه خیل حق و د نکړي شوادونه نیګانی  
ولیس د خپلی ازادی حاصللو په ګرځ په  
دواهدارو هبارزو لاس پوری کړ دا فغا نستان  
خلکو دھفوی دغیدی او ارزو ګانو په تالید  
ګلکه پشتیبانی او ملاتې خپله ملي او اساسی  
و ظیله ګنډل او ګنډی پی ..

وویو!

د خویش او نیکه هغه خای دی چه له یوی خوا  
د پښتو نستان په سیمه کښې دلی اړمانو  
دھصول دباره د پښتو نستان دلیس تاریخي  
مبازه پرله پس قوت مومن او هفوی دخیل ملي  
نظام او بیوالي خواهه په جدید توګه متوجه دی  
او دلی مبارزه په صفوونه کښې دزیات تنظیم  
دا وسیلو احساس ذیاتیو له بلی خوادر  
نوشت پاکلوا دېشري حق دباره د دنیا په نورو  
برخو کښې سعی او کوبېښ چد د پښتو نستان

دوس هبارزه دھفوی په قطار کښې یوغره  
مقام لري، پرهخ درومي او دھو ملي د تشونې  
او پراختیا سبب کېږي ..

ذیمور افغانانو دباره دا خبره هم د دېږي  
خویش مو جب ده چهونو زهور پښتنه او بلوغ  
ورونه دلی مبارزه په لاره کښې دھبل اتحاد  
او یوالي صفوونه نور هم تیکوی او هیخ قوت  
ته اجازه نه ورکو چه د دوی دزوند او سر  
نوشت په تاریخي اشتراك کښې درز واجوی.

مونږ افغانانو د پښتو ندانه او بلوغ دا زاده  
د پښتو دکلونو ګلونو راهیسی ملاتې کړي  
او ګوښې او او په چه ز مونږ په هیواد کښې  
جمهوري دولت اعلان شوی زموږ ملي مشر



شنبه ۹ ستبليه مطابق ۱۳ شعبان المعلم برابر ۳۱ اگست ۱۹۷۴

## روز بین المللی اطفال

روز ۸ ستبليه مصاديف با روز بین المللی اطفال، است. این روز  
بخاطر بزرگداشت مقام از ز نده طفل در سر تاسير جهان طی مخالفې  
تجليل میکردد.

در ګشور عزیز ما نیز این روز بین المللی ضمن نشر مطا لبی  
بیرامون حیات صحی و اجتماعی طفل پر ګزار شد.  
گرچه روز بین المللی طفل هر سال در ګشور ما تجلیل میکر دید  
اما تجلیل این روز پر ارزش دربرو تو نظام مردمی جمهوریت کامل روحیه  
دیکری دارد چه اکنون متینیم که ده پرتو ارزشیای نظام تو یعنی  
کشور و وضع صحی و اجتماعی ای اطفال ما دیکر موضوع دور افتاده  
تلخی نشه و چهت بر آورده شدن این هدف عالی از هیچکونه کوشش  
دریغ بعمل نخواهد آمد.

دیسیس دولت و صدرا عظمریکی از بیانات شان په موضع مهم  
اشاره نموده من فرمایند:

... دولت نظر به ایجاد وضع مالی مملکت زا بشکاه ها، شیرخوار  
کاهها و کودکستانها را په منظور حمایه مادران و کودکان و زشد  
سامم و تو بیت نسل چدید ایجاد خواهد کرد ...

این ګفتار رهبر ملي ما بیمانوید میدهد که موافق ۱۴که قبله در  
راه رشد واقعی طفل در ګشور موجودا بود از بين بردا شته شد  
پقیه د صفحه ۶۷

## د پښتو فسټان ملي ورخ

د سنبلي ۹ نیټه د پښتو فسټان ملي ورخ  
د پښتونستان دلی و رشی منلی شوی تاریخي ارزښت په دی شاهد  
دو چه د پښتو نستان دور خی انقلابی پس منظر دلی احساسی مظیر او  
ښکارندو دی. دنېری دملتو تو تاریخي ورخ چه هر کل نمانخڅ کېږي  
تاریخ ټی دېبتدا ترجمان دی. د پښتونستان ورخ تاریخي پس منظر هم  
چه د پښتونو او بلو خو دلی بورالی د پېمان ترجمانی کوي. په درنافي  
سره نمانخڅ کېږي.

د پښتو نستان دور خی مېټدا چه به ۱۳۲۹ کال د پښتو نستان نهایند  
کانو په یغمان کی دخبلواکی تیون لاسلیک کړي د پښتو نستان ورخ د  
دغه تیون بښکارندو ده.

افغا نستان او پښتو نستان چه د بولی جغړ افیانی سیمی دو هنومونه  
دیووه تاریخ دووه بابو نه دی د پښتو نستان د حقیقت او پښتو او بلو  
دمطالبې په تائید دزمانی چویان دا ثابتنه کړي ده چه د دغه دواړو وررونو  
روابط دطبعیت او قطرت په داسې مز و پېښک شوی دی چه تنسټه او بوده  
پی دزمانی هیڅ جابر لاسونه ټی نشي پریکولی.

پولی دنیا نه معلومه ده چه دا فغانستان او پښتونستان غم او پسادی  
سېره شریک دی اووی په.

نو همدا مینه اوعلاقه ده چه دا فغانستان او پښتونستان مشراو په بیلو بیلو  
وختونو او بلو بیلو ویناګانو کښې د پښتونستانی ورو هودحق خوددارادیت  
(باتی په ۶۴ مخکښې)

لِبَنَسْ لَكَمَرْ وَزَنَدَكَيْ

ع : ج

قسمت دوچم

# ارذشہائی جهانی اسلام

ودشتیهای گستردده و خاموش نظرش را بخود جلب مینماید و مخصوصا زمانی که در فروغ علوم و دانش بشمری بعمق دریاها و دل کوهها و سینه وادیها پیش میرود و از ذخایر و تروتیهای نوفته و آفریده شده ای آنها اطلاع می‌یابد و همه آنچه را که در ساختمان این جهان مورد نیاز است مهیا و موجود می‌بیند، دیگر تکلیف و کارش را می‌شناسد و ساحة فعالیت و حدود کار زار خویش را مشخص و معین مینماید.

او در ک میکند که وظیفه اش استفاده و پیمایه برداری ازین ثروتها و ذخایری است که پیش از او برایش خلق شده و همه بحالت طبیعی اش موجود است و انسان درین مرحله درست همانند نجاری است که با پشتکار و درایت خدا دادش کنده و تنہ پر پیچ و خم و پر خاری را پیش نظر قرار یدهد و در اثر تلاش و مساعی خستگی ناپذیر و مدامش در واژه های مقبول ازان بسازد و در معرض استفاده دلگ آن ق ایش بدهد .

براز سعادت و خو شیخته بسا زد  
و یا باسوء استفاده از مساعدت  
های خلقت، آن را بدوزخی سوزان  
زندانی تاریک مبدل گرداند.  
  
وقتی وظیفه خلافت الهی درروی  
عین بعده آدمها و بتی نوع انسانی  
سپرده شد، دیگر انسان مکلیفت  
وارد جهان را پسازد، حیات و  
حواستها یش را در محور اصلی و  
عقولش قرار بدهد و عقاید انسان  
را نیز پسازد و تمرکز واقعی و  
عقول بخشد.

النسان وقتی پمنظور اعمار و  
بادانی جهان چشم میگشاید و بدور  
مای مظاهر حیوت افزایی  
برینش خیره میشود ، کوه می  
باشد ، اقیانوس ها می بینند و صحرائی

زینش خیره میشود، کوه مسی  
باد، اقیانوس‌ها می‌بیند و صغاری

وی میدهد، صلاحیتی که هزار بمرز ر پهلوی مسؤولیت پیش نمیرود.

اکنون که انسان مو جودی تو اانا  
دارای اینهمه صفاتیت و مسؤولیت  
مناخته شد و معنوم شد که وظیفه  
میان و آبادان ذهنی و تعقیل

طر اندازی پیرامون شگفتی های  
مر ینش و اسرار و غوا مضم نهفته  
نینات، بدوش آنها گذاردۀ شده

دیگر را از حالتی بحالتی دیگر در  
ورد و ازین آب و خاک ، یادنیای

عمنان هر گاه حدود صلاحیت  
و سیع تر و گسترده تر بوده ولی  
مسئولیت در چو کات محدود و  
معینی قرار داده شده باشد و

بعباره دیگر حدود صلاحیت برحدود مسؤولیت بچرخد، در آنصورت نیز قسمی که از جریان طبیعی امور توقع میرود از آن تو قم و ده نصیحته د

و نتیجه مطلوب بنحوی شایسته و  
و معقول بحسب نمی آید ، زیرا  
در شرایط صلاحیت بی حدود شرط

قسمتی از امور در مجرانی جریان  
می پذیرد که در آن مجرا مسؤولیت  
 وجود ندارد و در اثر برهمن خور دن

حقیقی نظر خد و اراده های خاص  
مشخص در دل مصالح عمومی زاده  
باشد.

اسلام از انجاییکه مخصوص وقت  
زمان نبوده و پرای گروهی خاص  
شهر نیز بوجود نیاهده از یش رو  
برایط هر وقت و زمان و نحوه  
ندار مردم را در نظر داشته این  
رازن میان صلاحیت و مسؤولیت را  
ر احکام و مقررات خویش از نظر  
رفته است ، از همینجاست که  
حقی انسان را وظفه خلافت زمین

طا میکند مسؤولیت های سنگینی  
در برابر فعالیت های او قرار



#### نحوه های بزرگ اسلامی امروز

三

## حضرت زید بن خطاب (رض)

عماں بودکه در حالت سکوت علم اسلام  
ا در دست داشته مانند شیر یصفدشمن  
عمله می کرد تاینکه در اثر حمله زیاد و  
ارد شدن فسیره شدید دشمن ودر حالت  
حاصره لواه اسلام از دستش بزهین افتاد  
حضرت سالم مولی دیگر خوبی آنرا بدست  
رفت .

در جنگ یمامه دو تن بیشتر باعث  
اگندگی سر بازان مسلمان هی شد : یعنی  
سر گرده منافقین و قتلنے ایکیزان مسیلمہ کتاب  
بیکرش رجال بن عنفونه که قبل اسلام گردیده  
پس راه ارتداد را در پیش گرفت و باعث  
خرساد میان مردم گردیده یامسیلمہ کتاب  
بازو گردید .

در زمان خلافت حضرت ابوبکر صدیق(رض) ال ۱۲ هجری چنگ شدید یمامه در گرفت بیرون مسلح نان بدست زید (رض) بود، دد بلند داشتن و حرامت آن شجاعت ردانگی بی تظری از خود نشان داد سدر لیکه بر یکدست بیرون داشت که می گرد است دیگر ش شمشیر را گرفته در صف هن در آمده بطرف راست و چپ دشمن کوید و حمله می گرد . چون تعداد نگویان دشمن زیاد بود و فربات پیاپی سپاه اسلام وارد می گردند درین التازیه (رض) دد میان رفایش بی خاست و به آواز ند گفت :

بعض از سیاهیان اسلام فکر می کردند که وجود رجال نسبت به سلیمان کذاب بوده اند و خست بر اینندگی سیاه مسلمین گردیده خطری داشتند.

ربات سنتگیش وارد گنید و صبر و شکیباتی از دست مدهید ، قسم بخدا تا زمانیکه او قدر آنها را شکست ندهد و با جام شهادت شم لب سخن باز نم کنم .

# معضله قبرس به کجا خواهد کشید

پیش می بردند.

در سال ۱۹۶۳ وقتی میکاریوس رئیس جمهور قبرس میخواست در قانون اساسی آنکشور تغیری وارد کنند در مقابل این امر عکس العمل ها ایجاد شده و باعث تصادمات گردید. چه این امر به توکی زبانها چنین فکر ایجاد کرده بود که گویا حقوق آنها را تقلیل خواهد داد.

به تعقیب این تصادمات در سال ۱۹۶۴ شورای امنیت ملل متحد قبول کرد که برای حفظ صلح در آن سر زمین قوای صلح ملل متحد اجرای وظیفه کند.

اما تا نیم همین سال باز هم تصادمات جریان داشت تا آنکه بالاخره اوربند قبول شد. و قوای ملل متحد موقعیت های خود را برای حفظ صلح اشغال کردند. رویه مرفته این تصادمات بخاطر صورت میگرفت که ترکی زبانها قبرس فکر میکردند یونانی زبانها اکثریت حقوق شان را غصب خواهند کرد زندگی آن سر زمین با این شک و تردید ها ادامه داشت که در سال جاری کودتا ای در انجام صورت گرفت.

میکاریوس که از سال ۱۹۶۰ تا امسال برای چند دوره وظیفه ریاست جمهوری را بعهده داشت درین کودتا از قبرس خارج گردیده قابل تذکر است که در طول همین مدت علاوه بر زد و خورد و ایجاد بحران ترکی زبانها در امور مملکتی کمتر سهم داشتند و در پسا جاهما رویه تبعیضی در برابر شان - جریان داشت.

وقتی به تمام این معضلات بدق نظر شود باین نتیجه میرسیم که اصلاح رژیمی که در سال ۱۹۶۰ تحت ریاست میکاریوس پایه گذاشته شده بود جوابگوی نیازمندی های سیاسی، اداری اقتصادی و اجتماعی مندم قبرس نبوده به عبارت دیگر یک سیستمی که بتواند

۶۲

کنستانتین کاراپیس صدراعظم یونان مذاکراتی انجام دهد.

موضوع دیگری که درینجا از آن باید ذکر گردید پیشنهاد اتحاد شوروی است برای تشکیل یک کنفرانس بین المللی به شمول اعضای شورای امنیت ملل متحد نمایندگان قبرس ترکیه و یونان در پاره حل این معضله. اتحاد شوروی در پیشنهاد خود خروج عساکر خارجی را از یونان قبول نموده ولی نظر ترکیه و قبرس هم تغاضا کرده و گفته است باید مردم قبرس موقع یابند تامسایل پیشنهاد اتحاد شوروی از طرف خود را خود شان حل کنند.

دنکتاش کا کتون واضح نشده است. امریکا و انگلستان هم در آن پاره نظری نداده اند. با ابراز این مقدمه راجع به انتکشاف بحرانات مذکور اینک بعد از نگاه مختصی به ساقه قبرس راجع به اینکه این معضله بکجا خواهد کشید مطابق تقدیم میشود.

گرچه قبرس در طول تاریخ هستی خود غالباً در حال ناراهی پسر - بوده است ولی معضلات تازه آن از سال ۱۹۵۹ شروع میشود سالی که انگلستان - ترکیه و یونان بحیث قوای تضمین کننده قانون اساسی و آزادی قبرس تعهد نمودند آنکشور را بحیثیت کشور جمهوری در سال ۱۹۶۰ آزادی دهند. از سال مذکور تاکنون هیچ وقتی نبوده است که از زد و خورد بین این دو گروپ زبانی و کلتوری صورت نگیرد در سال ۱۹۶۰ قبرس با حفظ روحیه جمیعت های یونانی زبان و ترکی زبان به آزادی رسید و به اساس قانون اساسی قبرس در مجلس نمایندگان آنکشور هفتاد فیصد یونانی زبان و می فیصد ترکی زبان اشتراک داشتند. جمیعت های ترکی زبان و یونانی زبان تمام امور دینی - تعلیمی و سایر مسایل جمیعت مربوطه خود را خودشان

مذاکرات صلح قبرس در زینو برای حل بحران آنکشور به نتیجه ای نرسید. غالباً اختلاف نظر جوانب ترکیه و یونان سبب گردید که مذاکرات دوام نکند.

حکومت ترکیه مطابق آرزوی توکی زبانهای قبرس پیشنهاد نموده است که حل معطله قبرس از طریق تجزیه حل شاهد نمیتواند بلکه این مساله باید از طریق تأسیس یک سیستم فدرالی در آن سامان حل گردد بالای معنی که ترکی زبانها و یونانی زمانها بی قبرس هر دو حکومات جداگانه خود مختار داشته وبصورت فدرالی اداره شوند این پیشنهاد را حکومت یونان و یونانی زبانهای قبرس پذیرفت بنا بر آن نایره جنگ مجدهای در قبرس مشتعل شد. درین جنگ عساکر ترکیه که قبله ساحه هایی را در شمال قبرس در نواحی بندر کالیبر ینیا در اختیار داشتند حرکت خود را ادامه داد و در مدت چهار روز جنگ و بمباری نتیجه

این شد که عساکر ترکیه فاماگوستا یکی از بنا در معروف قبرس را در جنوب به تصرف در آورند و باین ترتیب خطی از کایسینیا تا - فاماگوستا تمدید یافته و قبرس را بدو حصه تقسیم کرد به تعقیب این امر فیصله شورای امنیت ملل متحد را مبنی بر اوربند مراجعت نمودند و همزمان یک سلسه فعالیت ها برای تامین صلح و ایجاد فارمولی جهت حل بحران قبرس آغاز گردید. از جمله این فعالیتها یکی هم مسافرت داکتر کورت والد هایم به یونان - قبرس و ترکیه میباشد که قرار است ضمن این مسافرت راجع به مسایل انسانی نقش قوای صلح ملل متحد و ایجاد طرقی جهت حل بحران قبرس باره هیان جوامع ترکی زبان و یونانی زبان بولنیت ایچیویت صدراعظم ترکیه

از: دوکتور محمد آصف - پهل

# شعر و افسانه

از هر سوی

از زند و زاهد هی دیده بود . هنوز آواره نشده بود .  
آشوب اورا در گلستان شیرما هیچ غارتگر فریب زندگی و لذت هوس را ندیده باز  
دلی و جلوه اش را هیچ کلی نداشت . شراب تلخ وشور نشی بی خبر بود .  
زدبی همانی فروغ دیده بود .

شاد بودم از زندگی راحت روان مراهی  
آفتاب بزمدل - شعله دل من ساشن رسید .  
جان ناشناس ! عنتگاهه تو در عشق - تابده زندگانیست  
نصیب من از دل آرام - آرام دل بود عشق ما  
در ملک خوبان بسی نظری و خوش نظر  
انتاده بود .  
خانه ای را ساخته و خانه هرا افروخته  
هستگاه وصالی درمیان فرقه بود .  
پاکی ها تاب صفا داشت .

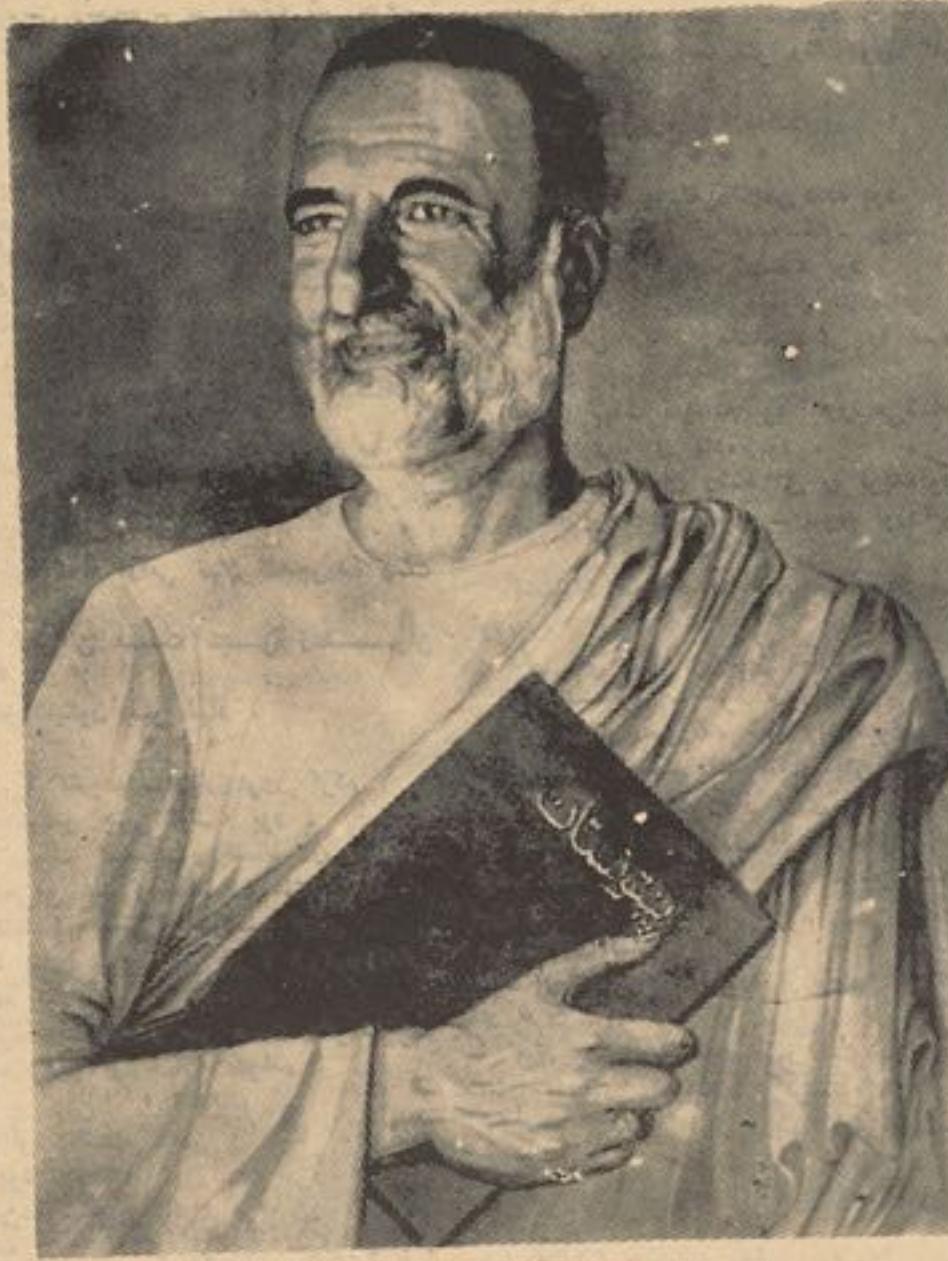
اگر چنین نمی بود پایان آشنایی همیشد .  
الودگی درحریم هاراه ندارد .  
اوای خریم نگاه رفت .  
من نیز پدر رفتم که از نهان شهر دریا بهم  
چقدر آوازه فتاده .  
شور عشق و هوش پنهان نمی هاند .  
در حلقه های همراهان پراهنگ می فتد .  
رسوانی و عشق یار عهدیگرند .  
آفتاب درین ابریها دیدگان را روشن میگیرد  
شیسم «بیزن» محبوب هرا ییشم تهدید  
زندگی هیداد .  
عر زد پرزو - وجوان بود .  
مگر زود اورا خبر گردند که بادشواری رو برو  
(بیزن) تهمت نهسته بود اورا می شناخت  
هم قول یاری بیو داده بود .  
جفای روز گاران رشته ای را بزیده بود .  
رشته بزیده را نکورو - بیوند نوزده بود .  
آشنایان همخانه اش - نامه را دیده  
بودند .  
دگر نمی شد از من نهان سازد .  
این الشاگری - خرد سوز بود .  
از احسان سوزنده خطأ رفته بود .  
از راز فاش شدم نامه ناجار بین رسید  
تادر دل من اعتماد و راز آوری را وشن کند .  
هشایاردل ! نکو روی ها درخانی زندگی  
بود فتنه گر هانند چشمان فتاش بجان  
میزد .  
در نازگاه نگداشت .  
مگر نامه «بیزن» بزیده از روی عشق گهیں  
آنسو کشید .  
اور ناشناسی ها چطور میتواند چنین  
کاغذ برسوز عاشقانه را فرستد .  
دلیلی آگاه و عقول روشن آنرا نمی -  
پذیرد .  
میزد .  
به نکورو - گفته بود .  
جوانی ها می گذرد ، بپار هارا خزان هی  
رسد .  
زیبایی ها از دوران می افتاد . نکوتر که  
کام گیریم وزندگی یابیم .  
که عمر رفته باز نمی آید .  
میزد .  
بیو - بیو گفت :  
نکوت که راه خویش را بگیری - بیبوده  
مرا هیا زاری .  
باتو سریا وی ندارم .  
هوس کار دل هانیست .  
برآش دلباخته آب نویی فروختاد .  
اگر آن افسانه ازیما نمی فتاد دوستی ما  
افتاده بود .  
عشق ما درفصل سوزان بود روشتر  
شادمانی دل و جان !  
ای زن خوبی من ! هوشیار نهان من !  
جز از من پنهان نمودی راز عشق شکسته!  
همان تهمت بود که تو بیزند زندی .  
او اشناش توبید - آشناشی درهایان بود .  
ترا ای موجود غافض شناخته ام دردام  
حسن تایدارت - پادر حلقه فتاده ام !  
سرآز سنبل موی تو نتوانم بدرا کشید !  
آن پاره کاغذ را باو باز دادم که فسانه  
درد ریز زندگی من گردد .  
ای آسمان ! بروز من اشک دیز سه که هر ای  
از بند عشق او گویند نیاید .  
این بود حکایت نکفه اش .  
که بور دفتر نقش عربت کشید .  
تا بین درد فریب ساز یاد روزگار نرود .  
باری از گلجه برهه آلت هوش خواستم .  
که گوید .  
بیزن چه شده .  
کاغذش را سوختی بادر دولاب نگهداشتی :  
مرا دردام گردی که مجاه گریزم نیست .  
ای زیرگ نهاد فمونساز !  
از جادوی چشمانت هرا آگاه کن . چه  
بقیه درصفحه ۶۳

از داستانهای رویداده است که از خاطر ات دیر و زودین رسیده - در آهنج نش نازه تر  
و نوحیز تاب یافته تا رنگ کهنه ترا بشکند و فروزنه آید .  
جلوه گاه سوز و آزمود است - تادر عبر تکه عالم بر تو بازان چهان عشق و زیبایی در می  
آموزنده پاشد .  
سوزنگان دیار عشق و هوس را رهنمای کرد .  
این داستان شنیده . چنین رنگ دفترش د و چنان بر جوانی گذاشت .

از لبان چنان چنین رسید :  
نامه رسان نوجوان و همراه ناشناس بود .  
در نامه خویش از خود جوانی پیشین نوشت  
که توان هرا کشته و از جایبر دلم کل زد .  
از نامه غرق عرق شدم - در بیگناهی خود .  
بعوان آن نامه روان گذاز را .  
که بزیده حیار دریده - تهمی سوزنده  
بر بیگناهی بسته است .  
میباید درنا آرامی نهان - بزیده رنگ  
میسوخت .  
از لعل دل انگیزشی هم شکست سحر  
دلش بلب رسید - درد خیز و اتشین بود .  
آنچه را میغواست از نهانخانه جان آشکار  
سازد - جبر درون از بزیده پدر افکند .  
له سوز ، رنج نهانش را بین سپرد .  
میباید میتر سید مبادا آگاه شوم ، آنگاه  
ازوی بزنجم و داغ ملامت بیند .  
پاره گانگدی بر سیمه نه کفش می تر زید  
هنوز دیده ام حرفی از آنرا ندیده بود .  
به آهستگی سپرد :  
بشنو ! حکایت دردمرا - که توانم را آب  
گردد و از نهان تاب بزیده است .  
میدانی ؟ نهانی رفته باز ناید - مگر تو  
تاب بغض جهان هنی .  
از کاشانه دردم - سویتو پر زده آدم تا  
دردم را فرو زینی - توان رفته ربان از اوری .  
مادر سوز دشواری و درد زندگی نیاز به  
هران داریم .  
حران آئیه رو بسودم - سامان نثاره  
فریبا و دلکیر بود - باسیه چشمان او گفتگو  
ها داشت .  
هنوز بیگانگی در حریم شورها می رقصید  
یکبارگی نو آشنایم آغاز همیلی کرد .  
نفسین بار ، از سر هریش بزیده گشید  
بیدریغ گفت :  
خوشم که سوز محبت من تابدار بوده دلم  
ازان تاب ، استواری دارد .  
از تو میترسم که بدمگان شوی - چون  
مود ها بدمگان و بیقرار قد .  
اینکار دل دلدادگانست که درید گهانی ،  
دل از دلدار باز گیرند و زود و نجند و امامعشق  
زن بایدار تر است .  
رایز دلم را بتو آوردم - از تو دگرینهان  
نارام .  
نو آشنای من گهنه آشنای او بود .  
ناشناش از شوق فریبا وان از گانگد پاره  
آنکه هست .  
نامه ، پرسوز و غم ازداغ دیوینه بود .  
خون دل وصل نادیده اش در اخگر عشق  
برتاب می درخشید .  
شعله اشیاق بر صفحه ویعنه بود .  
بیغاره بی خبر بود گه دلدارش بمن  
دل داده بود .  
از اتفاق نوشته بود :  
روشن نوشتند :  
وعده داده ای دل فرمود نیکو رسیده  
است .  
مرا درباب ! که د د بیقراری و بیتابی  
میسوزم .  
خوشگر لعل می الوده بر لیم گذاری .  
از باغ وصل - کل رحمت و زندگانی  
بر چشم .  
ایشان تو امروز دل منست گاه گاهی به  
برند زیبا خوش بال و بیو !  
ایشان هائی برمی ذنی !  
احساس هرا تابده افریده اند دلم ای  
اسرار عشقها . از راز جهان زن - از نهان  
تو فان خیز تو و رنگهای دهر نکو اگسی  
دارد .  
فریب چشم توهر غافل گرفته مگر فریب  
و قابل نمی خورد .  
از گذشته اش گذشتم دل در بینجه من  
در شده .  
حجه ای از حجه های جانم - جانانه  
مشته .  
د گر زندگی سبیه اورا نمی سزد .  
شگار من دردام دیگری نمی روی . هیاد  
نکدل و هنر ورم .  
شمداد روانم ترگ «بیزن» نمود .  
خوق فراوان از تگ و نام داشت ، می -  
ترسید . آن راز درآواه نویزد .  
هوس را درشور رسوابی نمی خواست .

# د دینتو نستان د ملی ورخی

و پیشتو نستان دولسو تو دیکوملی تمیان تو سره  
سم داغستان دولسی مشر او د دولت  
دریس اوسدرا اعظم یه او بیانو کی دیا کستان  
صالح کوششونو مرکو او بیانو کی دیا کستان  
حکومت نه توصیه کری چه دھنایقویه در کولو  
به واقعیتون اعتراف و کری اوسدمعز امنیت  
و بین المللی سولی سره یه مرستی کولو  
دینه گاونه بیتوب او حقوقو یه اخترام دیپستنو  
و بلشو مطالبه چه یوه مشروع حقوق قسی  
طالیه ده اود داغستان او پیا کستان تر منخ هم  
ذله بوازنی سیاسی اختلاف ددوستانه تو سمعی  
یه لارکی خندیدی دخیر او پیشنه غوت دلاری حل  
کری مکردد بد مرغه دیا کستان حکومت یه  
موس ددی چه حالات پنه کری دیپخایه مداخلو  
به اتریبی اندیشنی زیاراتی کری دی اوسیاسی  
سلی حل یس دتویک یه خوله غوبیتی دی  
حال دادی چه دسیاسی مستثنی او روز چللو  
خل لازنده دیپستونستان هلى ورخ ددغه جریان  
ساهده ده چه دیپستنو او بلخلو دقاتت توم  
خیل آزاد سرتوستت تاکل دی ددغه حق  
دیاره میازره جازی ده موئید پیشتو نستان دعلی  
درخی یه مناسبت چه تاریخی ارزشیت لری  
خیل پیشتو او بلخلو ورونو ته میار کی وايو  
و ددروی دمجاهدانه کوشش کامابی شوازو او  
دیپستونستان دعلی ورخی دزمانخلو به ویام



بیستو نسان ستر هشتر جناب خان بدالغفار خان

به یوه بیرون پسی روان لشکر اودیوو ستر  
لشکر اودغرا یه افتخار ددشمون به خلاف  
راسی و جنگبدل چه داستوماری قوت دلاسه  
وره دل ولولیدل اه داغستان خبلواکی نی  
عنه ادنی و والویه رسمنیت و بیزایده مکر  
پستولستان دسمی دتمامیت د یهاره  
افغانستان اوپیستونستان دخلکو کوششو نه  
و مجاهدله قمایت جاری یانی تو یادگار  
ماری غراکانو اولمی اوسیاسی مجاهدو کن  
دیستتو اوبلو خلو فلدو خسره دا فغانی و لس  
الی او شانی هرسنی دقربانی یه چدبه ملکری  
ی چه دنال او زاریخ شواهد و یه توکه  
مرستی به منظور اعلان و کروالسی لشکر  
ه اجازه ورکه شوه چه غزا او جهاد ته  
برخواه تللى نه ، همهنه و وجه دنکرهار  
و گرفروالسی لشکری دکند اوغراته و رسیدلی  
داستومار چه داغستان له خواهغرا اعلان  
جهه دشمن ته اخطار دی و کل دیخواریو ما تو  
جنه بین دفبرت احستلو یه نظر داغستان  
ه حاکمیت سولی ته غاره کشیدله او افغانی  
هرگی ته بی یه پیشود اورکه کن یه معلم دت  
بریستلو دکند اوونه یه لاور خوکی دخبل مجریز  
وخ یه ویستلو خبله ماتی و عتله واپس لای  
روسته دیخواری استعمال دخانی سره سه  
وه یخوانی هندیه دو و بخو هند او پاکستان  
ویشل شو د پستولستان خلکو د خبلسی  
غرا فایی سیمی اولمی موجودیت به درلودلو  
خبل سر نوشت یاکلو اعلان و که مکر د

دیستو بستان چهارافیابی سیمه او تاریخی موجودیت چه داغستان دیمراهیابی سیمه طبیعت اولی قدرت له مخی دولسی تشکیل به یوکات کی یووه ملي ولسی او تاریخی برخه د، دعلی چونی پشت عقیدی او رادی از ایساطی لکه سترکی اونظر اولکه زده اوسادیو و وجود دره آندامونه دی چه موسمن او ملي پسرلی شریک پیانیست دی د پیشتو نستان سیمه داغستان یه ختنخ لوره بحیره عرب یعنی دبلو چستان دگوارد او پیاسنی دریابی غار و خنده مع یه شمال ترکوچنی پامز بوری یه افغانستان پوری نهشی ولسی ملکت دی او سیدونکی دتاریخ به شهادت دوینی او مینی پاهشتراک ، دزبی ، کلتور او تلاقافت یه افتخار پیشانه او بلخ داغستان خیل سکنی دروبه دیوھ ملي موجودیت دره آندامونه دی چه دیخوانی استعمار یعنی ترهنه وخت پوری چه استعمار یه یخوانی هند او موجوده پاکستان بن دره لا قبضه نه و کسی، افغانستان پیشتو بستان او بلوچستان یوولس ملي عظمت او تاریخی مظہریں داغستانه د کی عاضی ترجمان و او استعمار چه د موجوده پاکستان یه پنجاب قبضه و کره تو سوق الجوش قوت بی یه خونی حرکت پیشتو نستان او افغانستان نه مارش که افغانستان هم دغزا اعلان و کر دجهاد فتو ساده شولی ولسی تقو او ملی قیام داستمار مقابلی ته سوره پلاس حیلی سینی سیر کولی یه دری لویو جنکنو کی لکه دیجن دلوری دمیوند تاریخی خنداد کرمی او خبیر دلاری د دشمن دجهار فوشی قوت دحملی یه مقابل کی دخدا یه فضل افغان ملت دخیل ایمان او عقیدی یه قوت چه مرک شهادت او جنت کپل او زوندو ن تاریخی افتخار آزادی اوسعادت دی پیشتو او بلخور سره دولسی یووالی تاریخی اولی اشتراک او کم نصب ا لعیں یه افتخار داغستان هرستی اوددوی دحقوقو یه تائید شرافت مندانه کوششونه یه خاص د ول دنه بدایدونکی حقیقت یه احترام جاری پاتی شوی دوام لری او سربره یه دنه داستمار خلاف دملی نهضتو اوسیاسی فعالیتو نمره یه عمومی نظرچه تاریخ شاهد دی دیخوانی لوی هند د آزادی دانقلابی اوسیاسی هجرتو نو سره داغستان هرستی بن دتاریخ ذیست دی چه مونه یه زغر ده داویلی شویه داغستان یه هرسته تیر نهضتو اوسیاسی هجرتو نه یهدی دول پاللی شوی دی لکه:

نه راغي .  
هنداو پښتوستان نه داروان شوافغانستان  
لوري هجرت چه افغانستان نه ذاتي او تر  
پخارا پوری ورسیده .  
-۳- ۱۹۲۱ ش کال خخه دپښتوستان او  
بلوچستان دخلکو سیاسي هجرتونه او داسی  
نور دازادی د نېټونو سره دافغانستان  
د کوششونو تاريخي شاهدان دي او دنار يعنی  
پس منظر خاطري يه دي هم گواهدي چه يه  
۱۹۲۵ کال چه استعماردمونه و په ګندا و  
حمله د کړه دافغانستان حکومت دمومندوسره  
دعلی مقاومت او مجاهدانه قسلام يه توره  
داستعمار جملی شندي کړلی ددشمون فوځونه  
تهاء شول او یه ۱۹۱۹ کال د افغانستان  
خپلواک پېښه وګټه تاریخ چه دخپلواکۍ  
دھګړي د القلابن پس منظر شامد دي  
دپښتوستان ولس دخپلواکۍ افغان ورونوسره





رشید هنگام اجرای اتن ملی مورد استقبال زاید الوصف مردم قرار گرفت.

من همی برای اشتراک کنندگان  
درین فستیوال جالب و دیدنی بود.  
نان جانیکه سایر هنر هندان با آنها  
میرقصید ند.

• • •  
افغانستان ، اتحاد شوروی ،  
نیپال ، عراق ، پولند ، هسپا نیه.  
یونان ، سویسلند ، بلژیم ، ناروی  
ورومانیه درین فستیوال ۱۷ شترال  
داشتهند .

• • •  
دریابان فستیوال ال هنر مندان  
افغانی به اخذ یک دیپلم موافق  
شدند .

• • •  
بیش از دو هزار و پنجاه هنرمند  
از ممالک مختلف جهان غرفه هنر  
نمایی درین فستیوال ۱۷ شترال  
نموده بودند .

# گروپ هنرمندان افغانی در برگزاری

از : ارغون



دیس عمومی فستیوال موسیقی هنگامیکه دیبلوم موسیقی دا برای حامد حسینی رئیس  
هیات هنری اهدا می نماید .

یعنی سلام لوگری و بیلتون آرمونیه و تنبور  
نیز هم نواختند درین گروپ هنری عبدالقادر  
که در نواختن نغمات و آهنگهای فولکلوری  
مهارت خاصی دارد به صفت دیباپ نواز، زاخیل  
هنرمند ماهر و با استعداد ، آرمونیه نواز و  
عبدالرشید به صفت سراینده نواز و همچنان  
عبدالرزاک هنرمند ماهر دیگران به حیث  
دل نواز هنرمندانی داشتهند .

از شاغلی حسینی ادامه میدهد فستیوال از  
تاریخ ۲۱ جولای آغاز شد و هدف یک هفته  
داده برگرفت و بیش از دوهزار و پنجاه هنرمند  
از ممالک جهان در آن فعالیت هنری داشتهند .  
از شاغلی حامد حسینی پرسیدم :  
درین فستیوال هنرمندان کدام ممالک  
اشتراک گرده بودند .

در فستیوال مذکور چند گروپ هنری  
از نقاط مختلف کشور یوگسلاویا که هریک  
نماینده موسیقی فولکلور نواحی مختلف  
یوگسلاویا بودند اشтраک داشتهند ، همچنان  
از هنرمندان ممالک افغانستان ، اتحاد شوروی  
نیپال ، عراق ، پولند ، هسپانیه ، یونان  
سویسلند ، بلژیم ، ناروی و رومانیه در این  
فستیوال دعوت شده بودند .

حامد حسینی درمورد لباس هنرمندان  
افغانی چنین میگوید :  
- گروپ هنری هاداین فستیوال ازدواج  
لباس قشنگ و مرغوب استفاده کرده .  
یکنوع لباس آنباریک سفید و خامک دوزی  
شده بودکه هنرمندان بالایس هنرمندان افغانی  
چرم دوزی سرخ ، دستمال کمر خامک دوزی  
شده سرخ ، چیلی زری و کلاههای قرص زدی  
نیز استفاده میکردند .

نوع دیگر لباس هنرمندان برنگ ذیره یی  
که روی سینه آن خامک دوزی و آینه کاری  
شده بود استفاده . به عمل می آمد  
هنرمندان این لباس را بدون گلاد  
می پوشیدند ، میرمن گلاد درین فستیوال  
که از سرا یشد گان آمنگ های  
فولکلوریک پشتو سلام لوگری هنرمندان  
محبوب و خوش آواز بتم سراینده آمنگ های  
فولکلوریک پشتو و دری و همچنان بیلتون  
بتم سراینده آمنگ های فولکلوریک پشتو و  
دری سهم داشتهند دو هنرمندان اخیر الذکر

وهکداریکی از شفاهانه های اطفال شهر  
زگرب کنسرت های را جرا گردند که در هر  
جامورد استقبال فوار گرفتند .  
وی در پایان می افزاید :

روز زاده نگاران و دایر کننده گان این

فستیوال فمن بازدید و مصاحبه ها که با  
هنرمندان مالک نمودند هدف فستیوال  
بین المللی موسيقی فولکلور دا چنین  
توضیح نمودند :

عذف موسسه آرتوبیعنی دایر کننده این  
فستیوال عبارت از معرفی فولکلور هردم  
یوگوسلاویا برای سایر کشور ها و هکذا  
معرفی دیگران به یوگوسلاویا می باشد  
هرگاه موسسه آرتوب موضوع جایزه دادرمیان  
بگذارد شکل تجاری ورقابتی را بخود خواهد  
گرفت که این موضوع از هدف اصلی این  
موسسه بدور می باشد لبذا فستیوال به هیچ  
یاک از گروپ هنری اشتراک کننده درجه و  
جایزه نداده ، رئیس دایرکتور سایر اعضا  
فستیوال هنرمندان افغانی دادر حاليکه همه  
هنرمندان حاضر بودند تبریک گفتند .



بنلون آهنگ فولکلوریک دری دامی سراید .

## نهضت فستیوال موسیقی در شهر زگرب

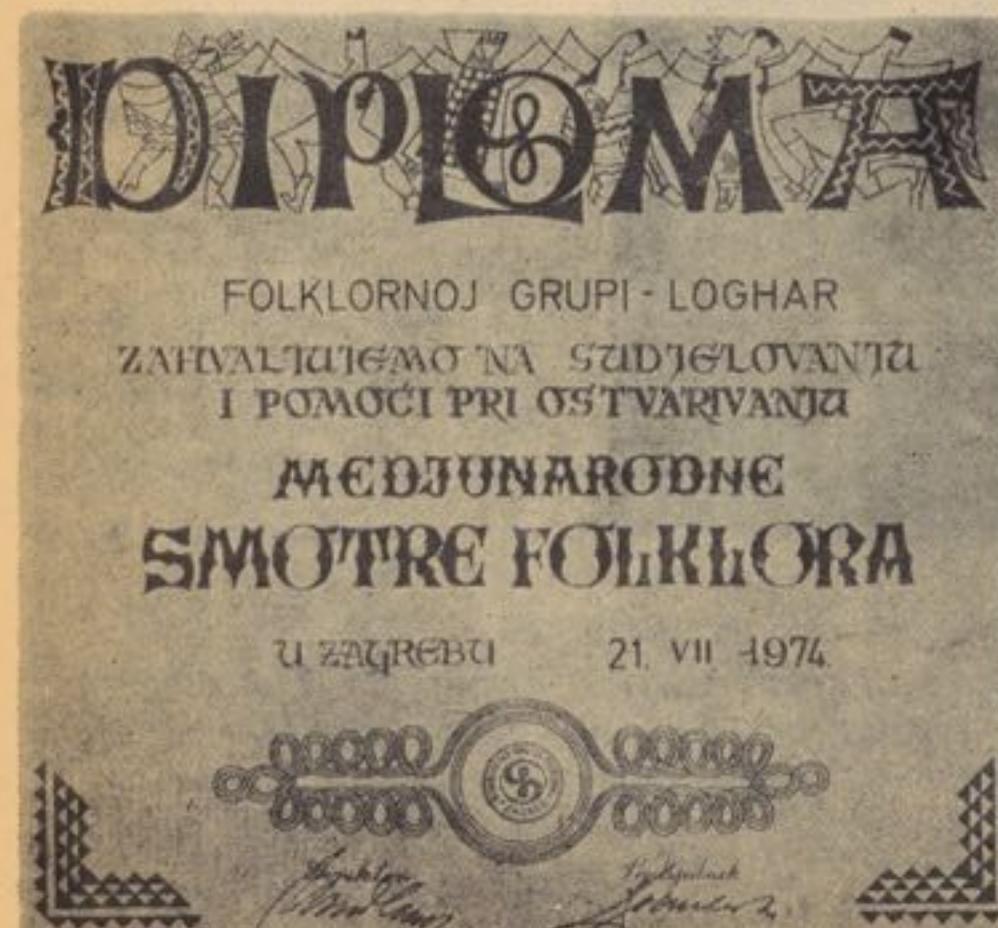
در این فستیوال هنرمندان افغانی به اخراج  
سایر نمایشات هنرمندان افغانی چگونه دیبلوم فستیوال موفق شدند .  
هنرمندان افغانی در پایان پامللت های  
بود ؟  
هنرمندان افغانی درست یک هفته که فستیوال مصوري را که راجع به موسیقی و آلات موسیقی  
جزیران داشت با همراهی یک یا دو گروپ فولکلوریک افغانی است و توسط وزارت  
هنرمندان سایر مالک دعوت شده مناطق اطلاعات و گلوری به چاپ رسیده بوده رئیس  
صنعتی، فلاحتی و باستانی نواحی شهر زگرب فستیوال دایرکتور دیگر هنرمندان توزیع گردند .

اوین گروپ هنری مالک دعوت شده گروپ  
هنرمندان کشور مابود دسته های موزیک  
کشوریوگوسلاویا بالبسته قدیمی و فولکلوریک  
پیش از همه با نواختن سرود های ملی  
یوگوسلاویا درجاده های معینه شهر زگرب  
براه افتاد و بعد دسته های فولکلوریک  
یوگوسلاویا که از نقاط مختلف آن کشور  
نمایندگی میکرد با نواختن سرود های  
فولکلوریک رقص و آواز خوانی جانب میدان  
جمهوری شهر زگرب حرکت نمودند .  
وی ادامه میدهد :

هنرمندان افغانی بایریق فستیوال که نام  
افغانستان بروی آن به خط درشت نوشته شده  
بود بالبسته مقبول در حالیکه آهنگهای ملی  
افغانی نواخته میشد و دسته آواز میغواندند  
براه افتادند رشیدیکتن از هنرمندان افغانی  
پیش ایش هنرمندان در حالیکه دودستمال در  
دست داشت اتن ملی را بامهارت خاصی  
اجرا میکرد هزاران نفر از شهر زگرب سیاحین  
و مدعیون که در گناهه ها صاف بسته بودند  
از این حرکت استقبال گرمی گردند هنرمندان  
پی هم با گف زدن ها استقبال میشدند و به  
همین ترتیب فاصله زیادی را بود نموده و  
هنگامیکه در میدان جمهوری شهر زگرب ب  
داخل شدند نما نیشات تلویزیونی آن ها  
شروع شدوقتی هنرمندان به جای معینه قرار  
گرفتند بیرق دولت در حالیکه فیرهای اتوب  
صورت گرفت و گیوتراها به هواپرداز گردند  
با نواختن دسته های بزرگ موزیک به اهتزاز  
درآمدگه مورداستقبال هزاران نفر از تماشاچیان  
قرار گرفت .

- فستیوال چگونه و با چه مراسم آغاز  
گردید ؟

- فستیوال با مراسم خاص عنعنی هر دمان  
شهر زگرب صبح روز آغاز گردید پیش از دو  
هزار و پنجاه هنرمند ساعت هشت صبح در  
یکی از میدان های شهر زگرب اجتماع نموده  
بودند بعدها گروپ هنرمندان کشوریوگوسلاویا



کمیسیون فستیوال بین المللی موسيقی فولکلوریک شهر زگرب از هنرمندان افغانی  
نسبت اشتراک در نهضت فستیوال بین المللی موسيقی ابراز خوش نمودند .

از حامد حسینی پرسیدم :

تہیہ و تنظیم: راچم و نفیسہ محمود

# مطابق پلان ۲۵ سالہ شہرو کا بل تمام سازی

به نمایندگی از باشندگان نواحی شهر پیرامون مشکلات شهری شان سخن گفتند و بسیاروا لی را از جهات مختلف و دید کاههای متفاوت مورد انتقاد قرار دادند هما نظرور یکه انتظار میرفت مورد تو же بیشتر خا نواحه های عزیز قرار گرفت و انکیزه ای گردید که باز هم با نامه ها و تلگفون های دوستانه و صمیمانه خود اقدام می را ارج گذارند و به مامنیت بشهند که ما از فردفرد این دوستان سپاس داریم و متشکریم . ما همانطور یکه بار ها نوشتهیم مجله روندون مجله مردم این سر زغین است و آئینه افکار و معرف بعد از نشو آن از کار کنان آگاه



گوشه ای از جریانات میز مادر تلاش های پیگیر مردم و مستویان امور در جهت بهبود زندگی گروهی شان، و به همین دلیل است که همیشه خواسته ایم نقش پیش قدرتی و پیش آهنگی خود را در مطبوعات کشور ایفاعنماییم و مشکلات ویرابلم

مطالعه کافالیز اسیون شهر کابل  
برای اولین بار در زمان صدارت  
رهبر ملی و مؤسس جمهوریت  
افغانستان آغاز یافت

کار کنان بساروالی در هیز مدو ر      محمد ناصر غر غبیت مدیر عمومی  
 نشرات بساروالی و نگار نده مستنول  
 پامیر و محمد یو سف غازی مدیر قلم  
 ذیو نظر گروه هشورتی ژوندو ن مخصوص بساروالی .

نبی غلی محمد بصیر سمیعی معاون

بناغلی محرم علی رنیس نفتیش  
شاروالي

بنا غلپی دکتور محمد عزیز سراج  
رئیس امور صحیح شاہزاده

بناغلی عبدا لر حمن د حیمی و کیل  
ریاست کارو سا ختمان بزاروا لی  
بناغلی دکتور محمد موسی آتش  
عمومی تهیه و اصناف .

بنیاغلی انجینیر وزیر احمد بری  
مدیر عمومی کار و تخریک بنیادوایی  
وبنیاغلی محمد امین شفق مدیر  
عمومی تدبیه و اصناف.

علی محمد براثلی مدیر مسئول روزتا باختری معاون مجله روندون . بشاروال کابل . روزتا باختری معاون سخنگوی مجلس است . او میگوید : روزتا باختری معاون روندون .

هریم محبوب افسری عضو مسلکی مدور رُوندون در خدمت مردم که در آن جمعی از محسانان پو هنرمندان کابل رُوندون .

# نواحی کهنه ساز کابل ویران میگردد و باز میشود

اکنون خدمتگذار مردم است واقعاً هیچ و طبیرست روشنگری همه از خدمتگذار مردم است و باتلاش آن نمی رنجد و نباید برجسته، چنان که پیکر و فعالیتی گستردگی میکو شد ما انتقادات را خواندیم و حوش پلان ۲۵ ساله شهر کابل را به شدیم واژگونی بقدردا نی یاد نمودیم تطبیق گذاشت وزمینه از هیان بر داشتن مشکلات شهر یان را مهیا کردند.

اما بعضی از انتقادات وارد هم شیوه کارما بجاییست و دلیلش هم اینکه یکجانبه و بدون در نظر داشت شرایط و امکانات این موسسه ویا مطالعه کافی است وقت کافی است و پر سونل و پول کافی است و گزنه نمیتواند به نحوه مفید و ارزشمند، در کشور حاکم بود که هیچ اقدام وطنیست که ضامن رفاه اکثریت باشد نمیتوانست عملی گردد، و به مرحله تطبیق گذاشته شود، چنانکه پلان ۲۵ ساله شهر کابل اگر در موقع آن به تطبیق گذاشته میشد، امروز بخشن عمله مشکلات شهری باشد.

شهر یان کابل حل شده بود شهاروالی کابل در حال حاضر توجه بوضع بیت الخلاه: برای اینکه بتواند در تمامی میله های زندگی مطابق شرایط زمان جوابگوی احتیاجات و خواسته های مردم باشد بیول و پرسونل بیشتر ضرورت دارد که اقداماً تی در جهت جلب امدادیین این انتظارات و توقعات بالاتر از این انتظارات و عملی آن قوی باشد امکانات پولی و تخفیکی بزاروا لی چه نشر مسایلی که جنبه عملی و تطبیقی آن ضعیف باشد از یکجانب اعتماد مردم را از مجله و بزاروا لی سلب نموده و از جانبی سطح توقعات را تا جایی بلند میبرد که بر آوردن آن مشکل و حتی در شرایط کنو نی غیر ممکن میباشد.

آن مشکل و حتی در شرایط کنو نی غیر ممکن میباشد.

اشتراک کنندگان این دور میزبانی سخنرا پیماران میگردم تا پیرامون مطالب میز دور یکی از شماره ها میز دور قیلی روندون در بخش خود کفتنه هایش را بگوید..

## دکتور آتش:

در همین زمینه اشاره دادم به نظر من قبل از اینکهوارد سخن اصلی گردم اقدام از زوندون را در بخش زمینه جلب اعتماد متقابل مردم و دادند. این هیات بعد از تحقیق کفتکه های گروهی که در آن مشکلات کافی نظر داد که دفع فضلات از محلات کهنه ساز کابل حتی گرانتر از قطبیت شبکه کانالیز اسپیون در محال است.

اساسی چیست؟

لطفاً ورق بزنید

دولت قبل از تخریب محلات شهر کهنه کابل برای باشندگان این مناطق خانه های صحی واژگان قیمت تهیه میدارد . . .

امسال تمام چاهای آب آشامیدنی کابل کلوریشن گردید

بناروالی سطح حمامهار ضد عفو نی میکند و چاههای آن را کلور پاشی می نماید

از شما این است که آنچه میگوید این انتظارات و توقعات بالاتر از جنبه تطبیقی و عملی آن قوی باشد امکانات پولی و تخفیکی بزاروا لی چه نشر مسایلی که جنبه عملی و تطبیقی آن ضعیف باشد از یکجانب اشاره شد متوجه هستیم و عده هایی بمردم داده شود که جنبه عملی و سلب نموده و از جانبی سطح توقعات را تا جایی بلند میبرد که بر آوردن آن مشکل و حتی در شرایط کنو نی غیر ممکن میباشد.

آن مشکل و حتی در شرایط کنو نی غیر ممکن میباشد.

اشتراک کنندگان این دور میزبانی سخنرا پیماران میگردم تا پیرامون مطالب میز دور یکی از شماره ها میز دور قیلی روندون در بخش خود کفتنه هایش را بگوید..

دکشته است صحبت نمائید.

آن جز چند کبل کوچک و چند بوته کل در مساحتی باندازه دو هتلر با تشکر از مجله روندون که مربع چیزی سراغ نمیشد، اکنون اقدام به تدویر چنین دور های صحبت نشر چنین خبرها سطح توقعات مفید وارزندگاهی پیرامون مسایل شهری نموده استمی خواهیم نکنیم از مردم رایاد آور گردم و بعد رشته سخن را بخواهند در وقت اندک تمام خندق رایاد آور گردم و بعد رشته سخن را باعضاً مجلس و اگذار شوم هایپارک ها مبدل گردد و باشندگان کارته ها و محلات نو ساز نیز انتظار دارند وقتی بزاروالی میتوانند خندق یادی از عده های تبلیغی نمودند من می خواهم بگویم ما کمتر و عده ای ها را پارک سازی کند طبعاً باید باگسترش ساحه خدمات خود را نفاط داشته ایم که تبلیغ صرف بوده و بودو باش شان پارک های بزرگتر احداث نماید که ممکن است بر آوردن میتوانیم ادعای نمایم که بزاروا لی شماره ۲۴۳ و ۲۴۴

# رفع فضلات از شهر کنه کابل گرانتر از تطبيق کافالیز اسیون در همین مناطق تمام میشود.

• • •

تا پایان سال روان پنج میلیون متر مکعب عمومی در نقاط مختلف شهر اعمار میگردد.  
• • •

## ما با افاده روغتیا پال و بدون وسایط عهدلا دار بررسی امور صحی تام کابل و جمهوری بزرگ آن نیبا شیم

با زحم تطبیق پلان ۲۵ ساله شهر کابل که بأساس آن تمام این نواحی این که اضرار این حمامها بررسی و مردم و باز سازی میشود. باز اقل بررسی مطابق نظریک هیات چاره موقتی هم همکاری صمیمانه سروی حمامها با تنخاب بباروا لی مردم است که خوشبختانه بعد از تمام چاهها کلور یشن گردید. استقرار نظام مردمی جمهور است سطح حمامها ضد غفوی شد و مورد بشاروالی کابل از آن برخوردار است لذکه هدایاتی داده شد و اقدام در این در گذشته مردم با بشاروالی و همچنان دنبال میگردد البته حمامهای قازه از مطابق چه نه مردم دولت را از خود می دانستند و نه دولت مردم را ولی اکنون شرایط فرق نموده و مادر روز های تجدیل نخستین سالروز انقلاب بیرون هند مردم افغانستان شاهد این همکاری صمیمانه بی شایه در آینده نهین مطابق پلان عملیاً تپی بشاروالی باز هم خند قها برگاری شده و بیارک مبدل میگردد.

**حما مهای غیر صحی :**

اشارة دوم اتفاق کننده عزیزی در دو سخن قبلی این مجله بوضع نا اشتراک کننده دیگری در میز دور اشاره ای داشتند به وضع میل مدور اشاره ای دارد کابل این هم درست است متناسباً نه باز عای عمومی شهر که میتوانیم بگوییم قضایت شان درین مورد که این میل ها از کثافت پر میباشد و بیشتر اوقات نیز مسدود ظالمانه است، شما میتوانید همین اکنون این میل هارا چه در سرای غزنی وجه در شهر تو ببینید که مراقبت میگردد، کثافت موجود است و این فضلات بان چاه هانفود میگند میل ها تشکیل خندقیارا میدهند.

چاره اساسی و بنیادی حما میانیز هانند دفع کثافت از این محلات فقط میل ها تا پایان سال روان پنج تطبیق پلان ۲۵ ساله شهری است میل هم در نقاط مختلف شهر و ویران ساختن این مناطق و فعل و مطابق اساسات صحی ساخته میشود.



بررسی و وسایط نموده ایم که ممتاز بـ تطبیق پلان ۲۵ ساله شهر کابل سفانه کمتر بـ توجه گردیده و امید نموده اید در حالیکه برای حد اقل واریم در آینده واحداً داری حفظ - بخشی از مشکلات مردم در مورد الصـحـه مـحـيـطـو وـزـارـتـ صـحـيـهـ بـيشـ دفعـ فـضـلـاتـ وـكـنـافـاتـ وـپـرـابـنـ هـايـ اـزـ كـذـافـتـهـ هـمـكـارـ ماـ باـشـدـ . عمـومـیـ دـیـگـرـ یـکـهـ خـودـ اـشـارـهـ گـرـ آـنـ عـدـهـ اـیـ اـزـ شـهـرـ یـانـ اـنتـظـارـ دـارـ نـدـ بـودـیدـ هـمـ اـقـدـامـاتـ عـاـجـلـ وـ تـعـامـ بـرـاـبـلـ هـاـيـ حـفـظـ الصـحـوـيـ فـورـیـ صـورـتـ گـيرـدـ .

## حوزہ اول کابل گوشت بشکل کا ملا صبحی

بهر دم سر ضهه گردد

این قضاؤت ظا لمانه است که سبزهای عمومی  
کشیف است و مسند و شمامیة و اندیادین سبزهای  
را همین آگنون ببینید و به بی انصبا فی برخی  
از شهر یان ما واقف کردید



شما از اصلاح پر ابرilm های شهر مثل کانا لیزاسیون آنرا تکیل کنید  
کهنه مخصوصا در مرور دفع کثافت در حالیکه این طور نشود.  
نام گرفتید و آنرا محال گفتید در در مورد حمامها و اصلاح و بهبود  
حالیکه حداقل کوچه حتی بکارته ها وضع آن اشاره نمودید به تو صیه  
نومساز کابل هم نشده بسیاروا لی و هدایات کار کنان بناروا لی به  
لاقل میتوانست قبل از اعمار این گودا نندگان این حمامها در حالیکه  
کارته ها بیشتر ارز یابی نماید و شما به تجربه باید در یافته باشید

که تنها توجه کافی نیست، دردی مدفعهای محال است ولی در مورد رادوا نمیکند و باید طرق شیوه‌های دفع زباله‌ها بصورت جدی و بیگر - بیگری بکار گرفته شود. اقدام میگردد.

دکتور آتش

این دور سخن روندون برای آن  
نیست که ما تمام فعالیت های  
بنیاروالی در زمینه های گونا گون  
در گذشته توجهی بعمل نیا مده  
تشريع نمایم چه تفصیل اقدامات  
است ، در حالیکه واقعیت غیر از این  
شعب بنیاروالی از حوصله صفحات  
مجله شما افزون است ، ما فقط  
در مواردی و آنهم در مجموع سخن  
نمی برد از این که بآن انجکشیت انتقاد  
گذاشته شده است .

بجاده ها و کوچه ها ، بمسایل حفظ زمان کانال کشی گردید .  
 الصحه‌ی به طرز عرضه مواد ارتزاقی شما میدانید که شهر کابل هموار  
 نیست و پستی و بلندی زیاد دارد ، و کنترل و مراقبت از آن حاکمی است  
 که در مدت یکسال طور نسبی تفاوت  
 های بارزی در جهت پیشود امور شهری  
 رونماشده و نسبت بگذشته اصلاحاتی  
 را از یک کانال گرفته به کانال دیگر  
 وارد آمده است .

اصبح

لطفاً بفرمائید که تازمان تطبیق قسمت پروژه سد شد و بحال نیم  
پلان ۲۵ ساله شهر کابل در زمینه کاره باقی ماند.  
دفع کنایات از محلات شهر کنه متعاقب آن پلان ۲۵ ساله شهر  
کابل تامین حفظ الصحه محیطی چه کابل طرح گردید تطبیق این پلان  
ایجاد مصارف زیادی را هی نمود. قداماتی صورت هی آگیرد.

کتور آتش :

تیم تنظیفات بنیاروالی در حمد آمده نمی توانست .  
امکان تلاش میورزد و فعالیت دارد، جدی میشود ولی عملی شدن آن ایجاب  
بیان های بنیاروالی در تمام جاده ها اکنون به تطبیق این پلان توجه  
و محلات گذاشته شده و مراقبت می مصارف گزافی را میکند که برای به  
گردد که زباله های آن زودبه زود دست آوری آن اقداماتی صورت گرفته  
به خارج شهر انتقال داده میشود است .

قرار یک پروتوکول امضاء شده با مسلخ در مورد زفع کتابات که گفت  
کابل کشتار حوضه اول باین هوسسه شد تطبیق آن در شرایط کنونی غیر  
واگذار گردیده است و اکنون لائق ممکن است معنی این گفته نباید این  
در یک حوضه گوشت بشکل صحی طور تعبیر گردد که بناروالی دست  
روی دست نشسته است منظور ما این توزیع میگردد.

بوضع قصابی ها کاملا تو جه بیشتر از بکار گرفتن غیر ممکن  
گردیده تا در محلات دیگر نیز که تا رفع فضلات بصورت بنیادی آن می  
کنون نسبت مشکل کمبود وسایط باشد و گزنه همین اکنون در نواحی  
موفق به عرضه گوشت بشکل کاملا ۶-۷-۸ کثافات و فضلات تو سط  
صحی آن نگشته ایم بتوانیم لااقل کراچی های دستی تا قسمت مو تر  
شرایط صحی را تا حد امکان مورد رو محل رسانیده میشود واز آنجا  
تو سط وسایط نقلیه هاشینی بخارج تطبیق قرار دهیم .

از آن گذشته امسال مطابق مهیار شهر انتقال میابد شما میدانید که های بین‌المللی تمام چاه‌های آب با آنهم فعالیت تنظیفاً تو نظر نیاروالی کابل و سایط قصیر دارد. اشامیدنی کابل کلور یشن گردید. که این خود اقدامی مفید است. اکنون قیم تنظیفات ما حتی در خبر تمادر مورد مدفو عات وزباله ها پرسنی اشتید باید بگوییم دفع ۶۴

# بیماری ژروند انسان په رو حیه باندی

## خو مر ها غیزه لری

او دوی دهنو دشرا یطو سره دنطباق  
توان نلری ۰۰

بروفیسر (بل - سوانون) نام تو  
روح بینندونکی او د اجتماعی چارو

متخصص دغه پوښتنو ته د (پاک)  
دهنی تاپو (داوسیدونکو دربنتینی

داستان په رانقولو سره خواب واین  
کومه چه دبیرالکامل په جنوب کښی  
لیری پرته ده اوله شاوخوا سیمو

خخه محلور زره کیلو متره واتن لری.  
په دغه تاپو کښی هیشه لپ شمیر

خلک او سیدل، مگر خرگنده نهاده چه  
دکوم اصل له مخی ددوی شمیر پو

له پسی زیات شو اوله پنهانلو خخه  
ترشلو زرو پوری ورسید. نومویی

تاپو په رېستیا ددغه شمیر او سید  
ونکو ګنجایش نه درلود اوله همدغه

امله او سیدونکو پی نارامه او پار-

یدلی و. دوی تولو دېندیتوب احساس  
کاؤ او یا دا چه په قفس کښی اچول

شوی وی. طبیعی ده لوړنی فکر  
له دغه تنگی بندیخانی خخه چه دتاپو

(لا بیدی) وزنی او هاندینه پی پی  
کوی .

دغه دوه پیښی او هنفه ته ورته

لس ګونی نوری پیښی هره ورخد  
نپری په لویو بیمارونو کښی پیدا کښی

وپی او بی ارزښتی پیښی لوی پیښی  
منځ ته راپری، خلک بی له کومدنیل

خخه یو بر بل باندی لوینی، یو بدبل  
حقوق له منځه وپی او اخلاقی او

اجتماعی اصولو ته پامنرنه نه لری .

جنایت او قتل دیزه لویه احسانیه  
جو پوی او لوی بیمارونه د ګواښونو او

کنخاو خای ګرخی. زره سوی او پیر  
زوینه له منځه تالی ده او خلک یوازی

د ګواښ او خشونت په ټبه خبری  
کوی .

ولی کوم خلک چه به لویو بیمارونو  
کښی ژوند کوی، دغسی دی او آیا

دهنے دپاره کوم یو حی دلیل او یا ژوند  
بیزندنه شته؟ آیا بیمارونه ګرم دی

اویا په هنفه کښی دژوند شکل چه  
په او سیدونکو باندی تحمل شوی دی

## بیمار یان د ډر قهر جن او ز پر دی که د ګلیو او باندرو او سیدونکی؟

کله چه انسان په یوه محدوده  
فضا کښی خای نیسی، دنیه دیابی  
زیاتیری او بی له کوم دلیل عخنه  
عصبی کښی. دغه پیښه په مشخص  
ډول په ګنو بیمارو نو کښی ټیدلای  
شو .

په ګلیو او باندرو کښی نخک یو  
دببل سره ملکری او زنډه سواند دی،  
یو بدبل په ټیدلو خوشنا لینی، تکت  
اوراتک سره کوی او یو دببل له  
خبرو عخنه خوند اخلي. مگر په لویو  
بیمارونو کښی ټول یو بدبل سره یو بدی  
نه اوله همځه اهله نارامه او عصبي  
دی.

اوہ ږیشت ګلن (تیودور) یوه  
ورخ دشن ژرمن تم خای تا رسیپی  
نومویی دخبل ګرندی موټر دشتر نک  
ترشا او د څيلی میرمنی ترڅنکت  
ناست دی. په همځه ترڅنکه  
درؤشت ګلن (جرارد هوبر) دواتله  
کربنبو عخنه تیرینی . (تیو دور) پلی

تیریدونکی ته متوجه کښی او ناخایه  
څيله پیښه په بیو یک باندی پر دی. موټر  
د ډایپری او د هقه مخکښی پرخه د  
— (هوبر) دېښو سره نېټلی مکر دغه  
نکر دومره سپک دی چه هیڅ کومه

پیښه نه پیدا کوی . (هوبر) دغسی  
بیچالی شوی. ورڅانی سره چه په  
لاس کښی پی لری، په توکه سره د  
چلوونکی پرخه وهی مکر (تیو دور)  
پاریپری له موټر عخنه نېټکه شوی او د  
هوبر پرخه چه څښه لکوی دواړه  
لاس او ګریوان کښی چه ناخا په



په واټونو تم خایونو او ګنو بر خو کښی بی علته تصادمات او شخري، دغسی پیښه په شخصی ډول په  
ګنو بیمارونو کښی ټیدلای شو .

یادسیری خپل خان ته هنوجه شی.  
یدغسی یو حالت کبئی انسان حتی  
پخبل خان هم زیه سوی نه کوی .  
مخالف اعتیا دونه لکه الکلیز او  
مخدره مواد او شخصیتی گیو دی او  
حتی خود کشی دخان به نسبت د  
بی رحمی غوره مشالونه دی .

باید وویل شی چه به دغه مورد  
کبئی انسانی و گری هم یو رازه دی  
او بی رحمی زیاتره به هغه خلکو کبئی  
لیدله گیوی چه به ویو کتوب کبئی  
لهمی روزنی خخه گیور نه دی او  
پهروجی غوتو اخته دی .

دی ته متوجه شوی یاست هغه وخت  
چه موتیر، الوتكه، یا اور گادی، دم قصد  
په او ته رسینی، خلک په خومره  
بی په ورخخه راوزی. یو پریل باندی  
زور اچوی او تیل وعی، یود بل  
لاسونه او یتنی لاندی کوی او بیول  
نه سترگی روی. دغه بی په دخه  
دباره ده؟ او آیا دوی یول ضروری  
کارونه لری ،

اصلی خبره داده چه دوی غواصی  
خبله فضای خاوره چه دوی دباره  
حیاتی ده، خلاصه ووینی او خان له  
نورو خخه لری کری .

دکلی اندازی خخه زیاتینی، ده غه  
یو شمیر له هغه خای خخه شپل  
کبئی او نورو برخو ته په مهاجرت  
بیل گوی او په دی چه لحقطی خخه  
مخنیوی کیزی .

دغه حالت په لومرنی انسان

نوم ورباندی اینسودل شوی و مکر  
دوی دنیستی و سیله نهدر لوده .  
به دغی تایو کبئی داسی ونی نه  
وی چه لهرگی خخه بی بی په جویی  
شی او بیاهم بنایی دبیه دجوی ولو  
طریقه ورخخه هیره شوی وه .

یوازنی شی چه به دغی تایو کبئی  
زیات موندل کیده، تیزه وه چه  
او سید و نکی بی نه پوهیدل خرنکه  
له هغی خخه خان ته کور جوی کپری،  
نو خکه یوازنی کار ته چه له و سیدی  
کیده، هخ واپا و هغه تیزسته وه،  
مکرنه په واقعی شکل بلکه ده غه  
بنیادمانو ددادستانو یه یول چه  
پخبل خیال سره یی وزرون و موندل  
کار له تیزه خخه دلو رو پایو جویول  
و چه خرگنده نهود په خهدرد خوری  
هر خومره چه زیات وخت تیزیده،  
زوند خپله کر کجنه یه بی بیودله او  
بالآخره دکافی غذا نشتوالی او د  
نفوسو یی تناسب زیاتوالی ددوی  
اخلاق بدل کر. په خلکو کی بی رحمی  
او خشنوت پیدا شو او خبره درور  
پخبل کور کبئی خای ورکری چهور  
سره دوست نه دی. یه کلیو او بانیو  
او په بیل خشونت او دکافی غذا نشتوالی او د  
سره ملکری او زیه سواند دی، یو  
دبل په لیدلو خوشابی، تک او  
راتک سره کوی او بیو دبل له خبره  
خخه خوند اخلي. مکر په لویسو  
بنارونو کبئی یول یودبل سره پو  
دی دی او لهمدغه امله نارامه او  
خوب او خیال دی لکه د (باک) دتاپو  
خینو پوهانو دانسان او محیط  
داوسید ونکو په شان چه پخبل  
منخ داریکی دموندلو دیاره په حیواناتو  
باندی په زیاتو ازمه یعنی لاس  
یوری کریدی. امیرکایی یوه (جان  
کالهون) خو مورکان په یوه قفس  
کبئی واجا. مورکانو په زیریدو  
شروع وکره او زر ترزره ددوی شمیر  
دو همه زیات شو چه به قفس کبئی  
او خیگان راو ستونکی دی. آیا کله  
جن کبئی. دغه بی رحمی بنایی نورو

کبئی هم او تر او سه لاهم تبی

زیات موندل کیده، تیزه وه چه

در وحیاتو دعلو موبوهانو په خپله

زیاتو از موینو سره بیو دلی دی کله

چه انسان په یوه محدوده فضا کبئی

خای نیسی ذریه زیایی زیاتینی او

بی له کوم دلیل خخه عصبانی کبئی

دغه بیتبیه به مشخص یول په گنیو

بنارونو کبئی لیدلای شو (مشابه

واقونو، تم خایونو او گنیو بر خو

کبئی بی علته تصادمات او شخري).

متمدن انسان خپل پرانیستی لام

بل انسان ته او بزدی او پدی و سیله

سیی خه ده ده ده ده ده ده ده ده ده

خکه چه پخبل لاس کبئی بی وسله

نده پیه کری. مکر په مخالف اړخ

کبئی انسان بی رحمه او تیری کوونکی

دی خکه چه عادت نه لری هغه چانه

پخبل کور کبئی خای ورکری چهور

سره دوست نه دی. یه کلیو او بانیو

او په بنارونو کبئی، خلک یود بل

سره ملکری او زیه سواند دی، یو

دبل په لیدلو خوشابی، تک او

راتک سره کوی او بیو دبل له خبره

خخه خوند اخلي. مکر په لویسو

بنارونو کبئی یول یودبل سره پو

دی دی او لهمدغه امله نارامه او

عصبی دی .

ددغی نارامی دله منخه په لو دیاره

دانیو بنار انسان خو لارو ته لاس

او بزدی، چه یوه بی تیزسته ده. د

لوی بنار انسان تل د تیزسته په حال

کبئی دی، له هغه تنکو او په خاچیونو

او د ترافیکو وضع او د هغه بند پاتی

خخه تیزسته چه بی له دی چه پخبله

ورباندی په خاچیونو له مشخصو

خیرو خخه ده، انسان بی رحمه او کار

او خیگان راو ستونکی دی. آیا کله

جن کبئی. دغه بی رحمی بنایی نورو

دقولنی پیژندنی له پله، هر  
موجود دخان دیاره مخکه قالله ده،  
يعنی دفضا یوه پرخه دخان بولی.  
وحشی حیوانات، دغوبرخو ته عجیب  
حساسیت لری او گه کوم بل حیوان  
پنه ورباندی کبئیزدی، چه دیری  
بی رحمی سره بی شری. حیوانی  
خاوره دطبعیت له لویو اسرازو او د  
زوند یوموجو داتو دبقا له راز خخه  
دی. خکه کله چه دمکنی دکری به  
یوه پرخه کبئی دحیواناتو شمیر له



دلويو بنارونو انسان تل د تیزسته په حال کبئی دی له هغه خایونو خخه تیزسته چه دده دیاره تنگ او  
چنتال راو ستونکی دی ددغی تیزسته زیاته اندازه دو خصتی په ورخوکی لیدلای شو. خلک خپل بارتری او  
کلیو او په بنارونو ته نخ.

آن نظر به مساعدت جوی عفر منطقه  
شروع نموده است.

تخم های اصلاح شده به مرور  
چندسال خواص چنستیت خود را  
از دست میدهد بدین لحاظ ریاست  
ترویج انواع چدیدی را بعد از طی  
مراحل تحقیقی توزیع می نمایند و باین  
ترتیب وظیفه این ریاست به شکل  
دینامیک جریان دارد.

بنگاهی جلال در پاسخ سوالی در  
موردنقدار تو زیع گنبد اصلاح  
شده و دلچسپی مردم در خریدا زی  
و شرایط قرضه گفت:

توزیع گنبد اصلاح شده در سال  
۱۳۵۲ از ۲۵۰۰ تن بالغ میگردد  
در حالیکه امسال در نظر ۱ سنت  
مجموعاً مقدار ۴۰۰۳ تن تخم اصلاح

و آبیاری دولت جمهوری افغانستان  
شده به زارعین توزیع گردد از این  
بنویه خود، نظر به احسان  
مقدار گنبد اصلاح شده، ۷۹۹ تن  
مسئولیت در مقابل وطن بر موضوع  
از نوع گندم مکسیک، ۱۲۴۰ تن  
گنبد بحث ملتفت بوده و برای اجرای  
خدمت بیشتر به زارعین کشور  
مسایل آنی را در نظر دارد.  
۱- سهیلترين و اقتصادي ترین  
گنبد ساختن تخم بذری به  
راه مهیا ساختن تخم بذری به  
بیشتر زارعین برای اخذ گنبد و گود  
زارعین.  
۲- رهنمائی های موثر و مقید  
کشور، نمایندگی از دلچسپی و  
علمی و عملی دهاقین در حصة  
علاقة زارعین می باشد.

توزیع گنبد نظر به شرایط اقلیمی  
هر منطقه مطابق پر و تو کول منعقده  
بین ریاست عمومی ترویج و انکشاف  
زراعت بابانک انکشاف زراعتی و  
شرکت گود کیمیاوی افغان تو زیع  
میشود. قیمت گنبد مطابق این  
برو تو کول بصورت نقده فی سیر  
روی چهار پر نسبیت متذکره  
است که ریاست ترویج از چندسال  
بها نظر توزیع تخم های اصلاح  
شده را بعد از طی مراحل تحقیقی  
بوریا ۴۴۰- افغانی و گودداری اموالیم



یکتن زارع حین باش دادن گود کیمیاوی بالای ذهین زراعتی  
ژوندون

# مقدار ۴۰۰۳ تن گنبد اصلاح شد و ۷۵ هزار تن کود بروای زارعین کشور توزیع خواهد شد

## توزیع کود و گنبد در حرص مختلف کشور اراده دارد

### گنبد اصلاح شده از منابع کشور تولید گردیده است.

## ۱۲۱۶ قطعه نمایشی گنبد اصلاح شده در نواحی مختلف کشور حدا ث گردیده است

دولت جمهوری افغانستان ضمن  
تخم های را برای کشت مناسب  
یافته اند که در زمینه  
عالی مختلف اجتماعی کشور از بدو  
محیطی، مقاومت مقابل امراض و  
استقرارش نموده و مینماید، اخیراً  
فیصله نمود تا برای تقویه و انکشاف  
سکتور زراعت در کشور، یک عدد زدن،  
زیاد گنبد اصلاح شده و گود طبق  
برو گرام اساسی بصورت قرصه  
اندازه آبیاری، مقاومت مقابل  
املاح و بالاخره رنگ و جسم است  
دانه، طعم آرد و غیره، نسبت به  
اصلاح شده به زارعین کشور  
تشویق آنها به استعمال کود و تخم  
اصلاح شده است تا حاصل زمین  
بلند رفته و بنیه اقتصادی آنها  
تقویه گردد، زیرا با استعمال تخم  
های اصلاح شده محصول زمین دو  
ارزیابی ریاست عمومی ترویج و  
انکشاف زراعت در مصاچه با  
علمای رشته نسلگیری بعد از  
تجارب متداول و زحمات پیگیر،  
موصوف افزود: و زارت زراعت



نشان دادن کود کمیابی از طرفها دور ترویج بهیک شن زادع



مامورین فنی ترویج تر تیب پاش دادن کود را نظارت میکنند.

کشور، از قبول هیچگو نه مصارف دهد. ریاست ترویج در نظر دارد و تکالیف دریغ ننموده است. چنانچه بر علاوه دو نوع کود متذکره اند از بارهای دولت مردمی ما ۱۱۲۱۶ دیگر کود های ضروری را که دارای عناصر سلفر و پتابشیم وغیره باشد قطعه نمایشی گندم های مختلف - النوع، احداث گردیده است. در احداث قطعات نمایشی توزید کو د و گندم و اعظام مامورین فنی، ترویج بهدهات یک مبلغ قابل ملاحظه تخصیص داده شده که خود نشان د هنده تو جه دو لت به پیشرفت زراعت است.

خودرا ادامه د هند تاباشد که ریاست ترویج به پرو گرام های بیورزد تافعالیتهای مربروط رامطابق خود موافق شده و کشور از نگاه می گردد: بیشرفت وارتقاء سطحی زراعت د ر خط مشی دو لت بهوجه احسن انجام تولیدات ز راعتنی متکی بخود گردد.

فاسفیت فی خریطه ۴۹۶ ۱۷۸۰  
تعیین شده است.

توزيع کود و گندم که از تاریخ پنجم اسد شروع گردیده است، طبق پروگرام مطروحه، تمام مناطق افغانستان به سه قسمت گرم سیر، سرد و معتدل تقسیم گردیده است.

زارعین می توانند نظر به فورمهای مرتبه که به اساس ضمانت تسلسلی تر تیب کر ده بعد از تصدیق ولسوال و آمر یو نت ترویج از طریق معازه های پرچون فروشی شرکت کود مقدار معینه کود را بدست بیاورند. برای هر گروپ تسلسلی که حداقل بین نفر باشد حد اعظم ۷۵ خریطه پنجاه کیلویی کود توزیع میگردد و این مقدار برای پنجاه جریب ز مین در نظر گرفته شده است. زادعین که بیشتر از پنجاه جریب ز مین داشته و از مقدار معینه کود اضافه ضرورت دارد. برای حل این پرابلم اند از این اندیشه این نیم فاسفیت، از کشور های دوست به شکل قرضه، مساعدت و یا نقده توزید میگردد، کشور های موزد معامله، ایران، عربستان سعودی، امریکا، عراق، شوروی، کویت، جایان می باشد.

سال گذشته بیشتر از ۵۷ هزار کود به سروی عمومی خاک های کشور برای نموی نباتات به نایتروجن و فا سفورس نهایت ضرورت دارد. برای حل این پرابلم اند از این اندیشه این نیم نظر گرفته شده است. زادعین که بیشتر از پنجاه جریب ز مین داشته و از مقدار معینه کود اضافه ضرورت پیدا نماید بعد از تر تیب حجت تجاری این معادل ۲۵۰ هزار افغانی کود بطور قرضه از مرکز بانک بدست آورده میتواند.

نوع گندم اصلاح شده که امسال توزیع میشود عبارت اند از: ۱- مکسیپک: که از اتحاد دو نوع گندم مکسیکویی و پا کستانی بدست آمده و نتیجه آن در مناطق کرم کشور قناعت بخش می باشد. این نوع در تیر ماه و بهار بزرگ میشود.

۲- باختر: یک نوع گندم مکسیکویی است که این با ختر در افغانستان برای تشخیص آن داده شده است. ۳- چناب: چناب نیز در مکسیکو مطالعه گردیده که بنابر توانق آ در مناطق گرم کشور در آینده نزدیک جای گندم مکسیپک را اشغال خواهد کرد و امسال در حدود ۲۰ تن برای زارعین توزیع میشود.

۴- بز ستایا: از جمله گندم های روسي است که در تیر ماه کشت و مدت نموی آن ۷ تا ۸ ماه صورت میگیرد.

۵- قفقاز: یک نوع دیگر گندم روسي بوده که خاصیت بز ستایا است. رئیس ارزیابی در اخیر افزود:

وزارت زراعت و آبیاری بتأسیی از بدبست آوری از منابع اصلی آن از خط مشی دولت جمهوری برای این خط مشی توزیع و بخش به سه طریقه ذیل توزیع و بخش میگردد:

۱ در مرکز تحقیقات مزرعه وولايات (مثل دار الامان، پوزهایشان، کندز، ننگرهار...) و بعداً بهزارعین توزیع میگردد.

۲ در مزارع مناسب دهای قین ورزیده، تحت مراقبت مامورین فنی ترویج میگردد.

۳ نظر به هدایات ما موریسن فنی، دهای قین میتوانند خود شان بازارعین هم جوار در حصة تبادله ویافروش گندم بذری کمک کند.

رنیس از زیابی ریاست عمومی ترویج در مورد خصوصیات کود با خاک های افغانستان گفت:

نظر به سروی عمومی خاک های کشور برای نموی نباتات به نایتروجن و فا سفورس نهایت ضرورت دارد. برای حل این پرابلم اند از این اندیشه این نیم فاسفیت، از کشور های دوست به شکل قرضه، مساعدت و یا نقده توزید میگردد، کشور های موزد معامله، ایران، عربستان سعودی، امریکا، عراق، شوروی، کویت، جایان می باشد.

سال گذشته بیشتر از ۵۷ هزار تن کود به زارعین توزیع گردیده قرار پیش بینی ریاست از زیابی اگر بهمین تناسب توزیع کود بلند برود ضرورت مملکت در ده سال آینده به دو میلیون تن بالغ خواهد گردید. یک مقدار آن از فابریکه کود کمیابی مزار شریف تکا فو خواهد شد و مقدار دیگر از ممالک خارج وارد می گردد. کود کمیابی فعلا در درجه اول به مزارع گندم و در درجه دوم در بخش تر ویج گردیده است.

قرار رایور های دست داشته قرار کود در سال ۱۳۵۲ بالغ بر قرضه کود در سال ۱۳۵۲ (۲۰۰۴۱۹۹۸) افغانی میگردد که تحصیل آن دوام داشته و هم تحصیل آن بعد از برداشت حاصل زارعین هم زمان با تفریج کود در سال ۱۳۵۳ کشته و مدت نموی آن ۷ تا ۸ ماه است و تا منفی ۱۷ درجه سانتی گراد برودت را مقاومت دارد و در مناطق سرد سیر کشور نتیجه خوب داده است.

۴- بز ستایا: از جمله گندم های روسي است که در تیر ماه کشت و مدت نموی آن ۷ تا ۸ ماه صورت میگیرد.

۵- قفقاز: یک نوع دیگر گندم روسي بوده که خاصیت بز ستایا است. رئیس ارزیابی در اخیر افزود:

وزارت زراعت و آبیاری بتأسیی از بدبست آوری از منابع اصلی آن از خط مشی دولت جمهوری برای این خط مشی توزیع و بخش به سه طریقه ذیل توزیع و بخش میگردد:

**کار لوقی واری :**

این فستیوال از قدیمترین فستیوال های بعد از جنگ دوم و مکثور های سو سیالیستی بشمار میرود که همه ساله در شهر کارلووی-واری چکو سلواکیا دایر میگردد. اولین فستیوال بین المللی این شهر در ۱۹۴۶ در شماره یا لسکی لازینا صورت گرفت بعداً در ۱۹۵۰ محل فستیوال از این شهر رخت بسته و به کار لوقی داری نقل داده شد در این شهر فستیوال مذکور تا حال ادامه داشته و بعد از هردو سال یک مرتبه دایر می گردد یعنی از سال ۱۹۵۸ باین طرف یکسال در ماسکو و سال دیگر در این شهر انعقاد میگردد. این فستیوال از درسال ۱۹۶۶ جایزه د ر جهادول

به ریزیسوری را برگ آ کنخ و جایزه مخصوص جوری را فلم ایتالوی بنام (در موضوعات خصوصی از همه اولتر اشتباهمورد بحث میباشد) دریافت گردند. درسال ۱۹۷۳ جایز گراندپری را فلم امریکانی (وحشت از پرنده) و فلم انگلیسی بنام (اشتباه) بدست آورده و جایز مخصوص جوری را فلم فرانسوی بنام (مادر وزن ایله گرد) فلم یو لندی (سناتوریم کلب سید) و فلم سویدنی بنام (دعوت شده) و جایزه مخصوص را فلم فرانسوی بنام (سیاره وحشی) بدست آورد نه در جمله فلمهای کو تاه جایزه گردند پری ۱۹۷۳ را فلم کانا دایی (مالا پولک) و جایزه مخصوص فستیوال ماسکو می باشد.

این سو مین فستیوال بین المللی فلم قبل از جنگ جهانی دوم می باشد که در شهر سا حلی بعیره مدیرانه واقع فرانسه سالا نهاده میگردد. این فستیوال در سال ۱۹۳۹ یک رقیب بزرگی در پہلوی فستیوال وینس برای او لین بار دایر گردید و تا ۱۱ مروز شهرت خود را از دست نداده و مسلسل همه ساله دایر می گردد. این فستیوال گرچه که ۷ سال بعد از فستیوال وینس بوجود آمده است اما از نقطه نظر عمومیت بسیار بسیار عت از فستیوال وینس جلو رفت چه فستیوال مذکور از ابتدای تا سیس خود مساوات دوستی را در بین جهان سینما و ملل شان حفظ کرده است.

گرچه در فستیوال کان شکل داخلی فستیوال، ریکلام و حلقه تجارتی رول مهمی را بازی میکند. یکی از خصایص مهم تر این فیستیوال که موج شهرت وی گردیده است که کان علاوه بر فلم و تولیدکنندگان فلم اکثر سینما تو گرافی ملی را در فستیوال خود وصل ساخته است جایزه این فستیوال بنا

(پام طلا) یاد شده و در فستیوال ۱۹۶۶ جایزه طلا نی پام را فلم فرانسوی (مردوزن) و فلم ایتالوی و (آقایون و خانم ها) و جایزه مخصوص جوری را فلم انگلیسی بنام (الفی) حاصل گردند.

در فستیوال بین المللی سال ۱۹۶۷ جایزه درجه اول پام طلا را فلم انگلیسی (بلو اپ) به ریزیسوری اکنتونیونی و جایزه مخصوص جوری را فلم ریزی سور معروف انگلیسی جوزف لوزی بنام (اکسیدنت) و فلم یو گو سلاوی (حتی زن خوشبخت و لکر دی را ملاقات کردم) بدست آورده است.

در ۱۹۶۹ که دو همین فستیوال کان برگزار شد جایزه پام طلا فلم انگلیسی (اگر) و جایزه مخصوص را فلم (الدالن ۳۱) سویدنی و جایزه مخصوص جوری را فلم بنام (زید) ریزیسوری حاضر گردند.

در ۱۹۷۰ جایزه بزرگ بین المللی را فلم امریکا نی (ام، ای، اج)

قسمت دوم

**فستیوال  
های****بین  
المللی****فلم**

فلم فرانسوی (زن جنیا) برنده جایزه مخصوص جوری



فلم یو گو سلاوی بنام (لیلیکا) برنده جایزه درجه اول بیست و سومین این فستیوال.

ژوندون



(جنگ ابزار) فلم ایتا لیایی برنده جایزه درجه اول طلا در سال ۱۹۶۶



film (مرد عینکی) هنرمندی برنده جایزه درجه اول طلا ۱۹۶۹

### سان سبا سینما (زمین سلا متیست) کسب کرد

این فستیوال بین المللی فلم دریاز دهمین فستیوال سان سینا - یکی از فستیوال های جوان و دایمی فلم امریکائی بنام (هردو در راه) که در شهر سان سپاسینیان اسپانیه و جایزه نقره را فلم ایتالیائی فلم همه ساله دایر می گردد این فستیوال او لین باردر سال ۱۹۳۵ (قاتل بقسم ما) نصیب شدند طور محلی دایر گردید بعد از نمایش همچنین جایزه بهترین رئیسوزی زا چهارمین فستیوال تحت عنوان «یا نوش هفتة بین المللی سینما» یاد مورگن) از فلم (یوافتیا) بدست آوردند

در فستیوال ۱۹۶۹ سان سبا -

شکل فستیوال بین المللی را به خود گرفت که جایزه آن به نام های سینما فلم امریکائی بنام (مردم در باران) برنده جایزه طلایی فلم صدف طلائی و نقره‌یی یاد میشوند در این فستیوال که از رهگذار آرتیستی آنقدر مهم نمی باشد جایزه نقره بی این فستیوال شناخته شدند.

در هجدهمین فستیوال این شهر میکند و فلم های در این فستیوال امکنند (آفتاب ۰۰۰۰) فلم یوگوسلاوی (سیلیکا) و فلم جا پانی (زندگی که فرار میکند) (بر نده جایزه ایتالیو) (اواج سوزان) بس نده امیریکای جنوبی باشد.

جایزه ممتاز و فلم آلمان فد را لی بنام (او لین عشق) (و فلم فرانسوی این فستیوال را فلم ۱ نگلیسی (منطقه معتدل) کشورها نگری «این جاخوشیخت بوده» به رئیسوزی (قدرت سکس) جایز مدال نقره‌ای فستیوال را بدست آوردند

یافت . سالهای ۱۹۶۶ در فستیوال مذکور طبق مقرراتی که داشتند جایزه داده نشد . از اینرو در فستیوال مذکور بهترین فلمهای که در فستیوال دیگر حایز جایزه شده بودند می توانستند درین فستیوال سومین شوند در ۱۹۶۷ فستیوال دیگری بنام (فستیوال سینمای کوچک) رویکار شد که در پروگرام آن اولین یا دو مین فلم رئیسوز های جوان بین المللی حق اشتراک را داشتند . جایزه این فستیوال قبل از بنام (باد بان طلایی) یاد میشد و لی اکنون جایزه مذکور بسام (لمبارت طلایی) تخصیص داده شده است .

در سال ۱۹۶۸ جایزه بزرگ را فلم چلو سلوواکی و جایزه مخصوص رافلمهای یوگو سلاوی، کیوبا بی، چیلی و امریکایی اخذ کردند . در فستیوال ۱۹۷۰ فلم (کس) انگلیسی جایزه درجه اول و فلم رو سی (در جهیل) و فلم (فرشته سیاه) بلغاریابی جایزه درجه دوم و فلم (ویزو ناری) و جایزه نقره‌یی درجه اول لمبارت را فلم هانگری بنام

(کجا زندگی خاتمه می یابد) به رئیسوزی الک و فلم روسی بنام (عروس خزان) بر رئیسوزی یاشمین اشتراک ورزیده بودند که فلمهای چلو سلوواکی (چقدر پسر خوبی) به رئیسوزی یوزف (زوح امریکایی دیوک و واعغا) به رئیسوزی اکتور معروف امریکایی سد نی پو تیر، فلم روسی بنام (خاموشی) (کس) و فلم رو مانیا بی بنام (مرگ دریپ) برنده جایزه این فستیوال شدند .

در ۱۹۶۹ گه بیست و دو مین فستیوال بین المللی لو کار نو می باشد جایزه درجه اول لمبارت طلا را فلم روسی بنام (باید از آتش عبور گرد) و فلم (سه یلنگ خفته) مخصوص گشور چیلی، فلم هانگری بنام (مرد عینکی) و فلم سویزد لندی (کار و لتهیه میکند) اخذ کردند جایزه مخصوص رافلم های فرانسوی ارجنتین بدست آور دند .

در بیست و سو مین فستیوال بین المللی فلم این شهر فلم امریکایی بنام (انجام جاده) به رئیسوزی اوکیان، فلم فرانسوی و موریتانیایی (آفتاب ۰۰۰۰) فلم یوگوسلاوی (سیلیکا) و فلم جا پانی (زندگی که فرار میکند) (بر نده جایزه ایتالیو) و جایزه نقره بی لمبارت را فلم درجه اول مدال طلایی لمبارت شدند

درجه اول مدال طلایی لمبارت شدند (منطقه معتدل) کشورها نگری «این جاخوشیخت بوده» به رئیسوزی (قدرت سکس) جایز مدال نقره‌ای فستیوال را بدست آورد .

### لوکارنو :

تاریخ این فستیوال از ۱۹۴۶ باین طرف شروع گردیده است که درابتدا .

فستیوال های تجاری نما یشات خود را انجام میداد ولی در سالهای مابعد شکل خود را تغیر داده و در قطار فستیوال های کان وینس در آمد . این فستیوال که در شهر لوکارنو واقع سویز لند بالای یک جهیل مقبول در میان کو هستانا سرسبز دایر میگردد . بیشتر جنبه آرتیستی داشت بنا بر تصمیم اتحادیه تو لیدی فلم بین المللی در

ترجمه: شرعی  
بخش سوم

# شاعر کلاسیک پشتون خوشحال خان ختک

هو موضوعات و انگیزه های ملی وطنپرستانه که در ایجاد ادبی خود را می یابد . خوشحال خان ختک که در شهر ایطیغزنج و پیر از تضاد های سیاسی و اجتماعی محیط خود به آفرینش ادبی می پرداخت ، احسا سات و علاقمندی شدیدی را که نسبت بقوم خود در دل می پرورید ، در اشعار حماسی خویش اظهار میدارد . همان طو که فیلسوف بزرگ ارسسطو گفته بود : « انسان محصول جامعه است و نمی تواند به تنها بی‌زندگی کند و تنها به سعادت و کامکاری برسد » ، خوشحال خان ختک نیز برای خدمت به جامعه ای که بحیث عضوان بسر میبرد ، بپا می خیزد و دست بکار میشود .

خوشحال احسا سات عمیق وطنپرستانه خویش را نسبت به میهن و نسبت به مردم خود طی اشعاری که در چار دیوار زندان گلا سروده است ، انگکاس میدهد : که گذر په خیر آباد و کری نسیم یادی کشتوشی سرای دستیند په سیم پهواروار خما سلام ورتاعرضه کړه ورسره خما دلو ریه خو تسلیم اباسیندو ته ناره و کرمه په زوره ولندي ته و ینا و وايه حلیم گندی وی چه بیا می ستامی جام نصیب شی .

په کنکا جمنا به نه ووله قدیم همیشه به پهنهند نه اوسي خوشحاله عاقبت به عاصی و وحشی له حجیم (۵)

خاک ما در و طن در نظرش برتر از مشکل و عنبر جلوه میکند و این شعر بر زبانش جاری می گردد :

ترجمه « خاک وطن په تراز مشک است ، برخی که در آن می بارد ، آب گرم است » خوشحال که مدت بیش از پنجسال در حبس و تعقیب گذرانده است با این درک که یا پایدراز سر زمین آنها مغلها نایابد گردند و یا افغانها ، بوطن بر میگردد و بخار اینکه قبایل استون را علیه حاکمیت مغلها بسیج نماید ، در بین قبایل مختلف به گشت و گذار می بردند و خطاب به آنا نصدا میزند . پیشتابه چه نور خم فکر کانا پیوهدي .

بی دتو روی خلاصی نشسته په بل کار (۶)

و آنرا به پیکار و سقیز علیه دشمن دعوت میکند و بالاخره موفق میشود بسا قابل استون را بمقصد مقابله با حکومت مغل بسیج نماید . در جریان جنگ مغلها چندبار موقتیت بدست آمد . اما همینکه او رنگ زیب پی برد دیگر نمی تواند با اعمال قوت افغانها را باطاعت و تسلیم وادرد ، بعیله و نیرنگ متوجه شد که دید و با استفاده از پول و طلا توانتست برخی از روسای قبایل را بسوی خود جلب نماید . شاعر اینکونه عناصر فرو مایه و سست بنیاد را بیاد طعن و استهزا می - گیرد و چنین میگوید :

بقیه دو صفحه ۶۳

ترجمه : کرچه میر زا خان (۲) در ساحة عروض چیز ها بی آفریده است ، اما من وزن شعر را در اشعار بیشین این زبان ندیدم . مخزن (۳) آخوند را از نظر گذرانند ، در آن ، نهوزن وجود دارد و نه بحر فقط دانا میتواند در هایی را که خوشحال به سلک نظم کشیده است ، دریابد ، نه نادان . خوشحال خان ختک اشعاری را که بزبان پښتو سروده با انساع موضوعات بکر و تازه ، افاده های لطیف و تشبيهات ، غنا می بخشد و در ردیف اشعار نمایندگان پیش آهندگان ادبیات دری قرار میدهد . چنانچه درین باره میگوید :

ترجمه : شعر پښتو را از لحاظ معنی ، پاموضوعات نوین و بکر ، همبا یه کمال حافظ شیرازی و کمال خجندی ساختم . دیوان خوشحال خان ختک که تاکنون بار بار در افغانستان و جاهای دیگر بطبع رسیده ، میتوان ندلیل روشن افکار فوق باشد . دیوان شاعر مشتمل بر غز له ، قصائد ، مثنوی ، رباعیات ، قطعات ، مخمس و مسد مهای است که متضمن پندواندرز و مسایل اجتماعی و اخلاقی بوده ، احساسات و طنبورستانه واندیشه های مبنی بر آزادیخواهی واستقلال طلبی رامنکس میسازند . شاعر در باره اشعار خود چنین میگوید :

قصیدی لرم غزاله هرمه بابه  
به حکمت په تصیحت کښی مala مال  
په تعريف ددلبرا نوغرز لو نه  
په صفت دستر ګو وروخو زلف و خال  
رباعیه که قطعه که مثنوی دی .  
همکی واړه ګو هر دی در و لا ل  
په پارسې زبه که نور تر ما بهتر دی  
په پښتو زبه می هه غواړه مثال  
ګلستان ز ما د نظم شکفته شو  
پروھی شیدا بلبله پیرو بال  
ګلدنستی بی لور بهله لور په ملکخوری شو .  
تر کابله تر کشمیره ، تر بنگال (۴)

اشعار دیوان خوشحال خان ختک را میتوان از لحاظ موضوع به پنج بخش تقسیم کرد :

- ۱- اشعار حماسی ،
- ۲- اشعار عاشقانه ( عشقی )
- ۳- اشعار اجتماعی ،
- ۴- اشعار اخلاقی و فلسفی .

(۲) نواسه بیا یزید انصاری (پیر روشنان) .

(۳) منظور آخوند در ویژه است . درینجا مخزن الاسلام او مورد نظر شاعر است .

(۴) کلیات خوشحال خان ختک ، پشاور ، ۱۹۶۰ ص ۵۴۱-۵۴۰ .

# هُنْدَانِ خَبَرِ مَعَاذ

## طلسم ازدواج روی صحنه آمد

نمایشنا مه (طلسم ازدواج) به تعقیب کارهای هنری که افغان نند ا ری انجام داده در سینما کابل نند ا ری به نمایش گذاشته شده است این نمایشنامه بوسیله آقای بیسند نوشته و دایر کت شده است.

به تعقیب آن کمیدی (زنان عصبی) ترجمه و دایر کت داکتر نعیم فرخان روی صحنه می آید. کمیدی (زنان عصبی) اولین کار گردانی داکتر نعیم فرخان خواهد بود. درین نمایشنا مه استاد بیسند، حمید جلیا، احسان اتیل، زر غونه آرام، پروین صنتکر، سایر اعظم، حبیمه عکر، خورشید، بشتنه، و عده دیگر از هنرمندان افغان نداری سوم دارند. مشق و تمرین کمیدی (زنان عصبی) در افغان نداری به شدت جریان دارد.

داکتر نعیم فرخان از هنرمندان سابقه دار و آواز خوان قدیمی رادیو افغانستان میباشد که دو سال قبل تحصیلات خود را به در جد کتو را در رشته تیاتر ترکیبی از چکوسلواکیا بدست آورده است.

## حبس یک هنرپیشه

(ویلیام برزر) هنرپیشه امریکائی که با شرکت در فلم های وسترن بشهرت رسید، چندی قبل در شهر (سالونو) ایتالیا از طرف نایس آن شهر ب مجرم حمل مواد مخدره دستگیر شد.

محکمه خیلی زود تشکیل جلسه داده و طبق قانون ویلیام را به چهار ماه حبس در شفاخانه زندان، برای ترک اعتیاد و چهار ماه حبس در زندان ب مجرم حمل مواد مخدره محکوم گردید.

نمایشها بجهت های روانی و عاطفی قصه تو جه زیاد مبتذل میدارد.

تابستان و دود نمایشنا مه و تکان دهنده است که در آن محبوبه

جبایی، رفیق صادق، مقدس نگاه، مشعل هنریار، ستار جفا بی

وعده دیگر از هنرمندان افغانی روی صحنه آمد، هنوز در ذهن خیلی ساده بیان شده است. آثار

حصه دارند. این درم قرار است تماهه هنرمندان و هنردوستان باقیست ویلیام مز همیشه بارو جه عصر و رمضان تکمیل و در مرکز فرهنگی

وارج دارد خاطره (بازیچه های)

شیشه ای ویلیام مز که دوازده سال

## تابستان و دود

## زمان در عکسها



باين عکس نگاه کنيد شما بطور حتم قادر نخواهيد شد اين هنرمند محظوظ و سر شناسها ليد را - بشناسيد. هنرمند يكه در فیلمهای وسترن در خشید و شیرت عالم گير نصيب خودسا خت. تلاش در راه هنر او را بدر جه کمال رسانيد ولی در پهلوی همه دست آور دهایک چيز از دست داد و گر انبهها توين چيز، عمر عز ارش را :

این مرد خوش قیافه و جذاب جان وین است. همین جان وین که حتماً نشما یکی دو فیلمی از او دیده اید. جان وین که غول ها لید لقب یافته است..

تابستان و دود نمایشنا مه معرو فیست از سر شناس ترین نمایشنا نامه تویسان معاصر امریکا تنسی ویلیامز .

بیش درستیز (کابل نند اری) به عموماً از ترازیدی های واقعی و - نگاه، مشعل هنریار، ستار جفا بی کار گردانی فیض محمدخیرزاده ریاستیک امروز یست که بزبان و عده دیگر از هنرمندان افغانی روی صحنه آمد، هنوز در ذهن خیلی ساده بیان شده است. آثار حصه دارند. این درم قرار است تماهه هنرمندان و هنردوستان باقیست ویلیام مز همیشه بارو جه عصر و رمضان تکمیل و در مرکز فرهنگی وارج دارد خاطره (بازیچه های) شیشه ای ویلیام مز که دوازده سال قصه درامه های تنسی و ویلیام مز زمان مطابقت داشته و در بیشتر - امریکا به نمایش گذاشته شود .

# ۲۱۰ پروژه صنعتی داخلی و خارجی بهر مایه گذاری خصوصی وزارت



**در خواست ۱۰۰ پروژه صنعتی  
جدیداً برای استشوار و اکتشاف  
سروایه گذاری داده شده است  
فعلاً ۹۷۰ پروژه مختلف صنعتی  
فعال نمیباشد**

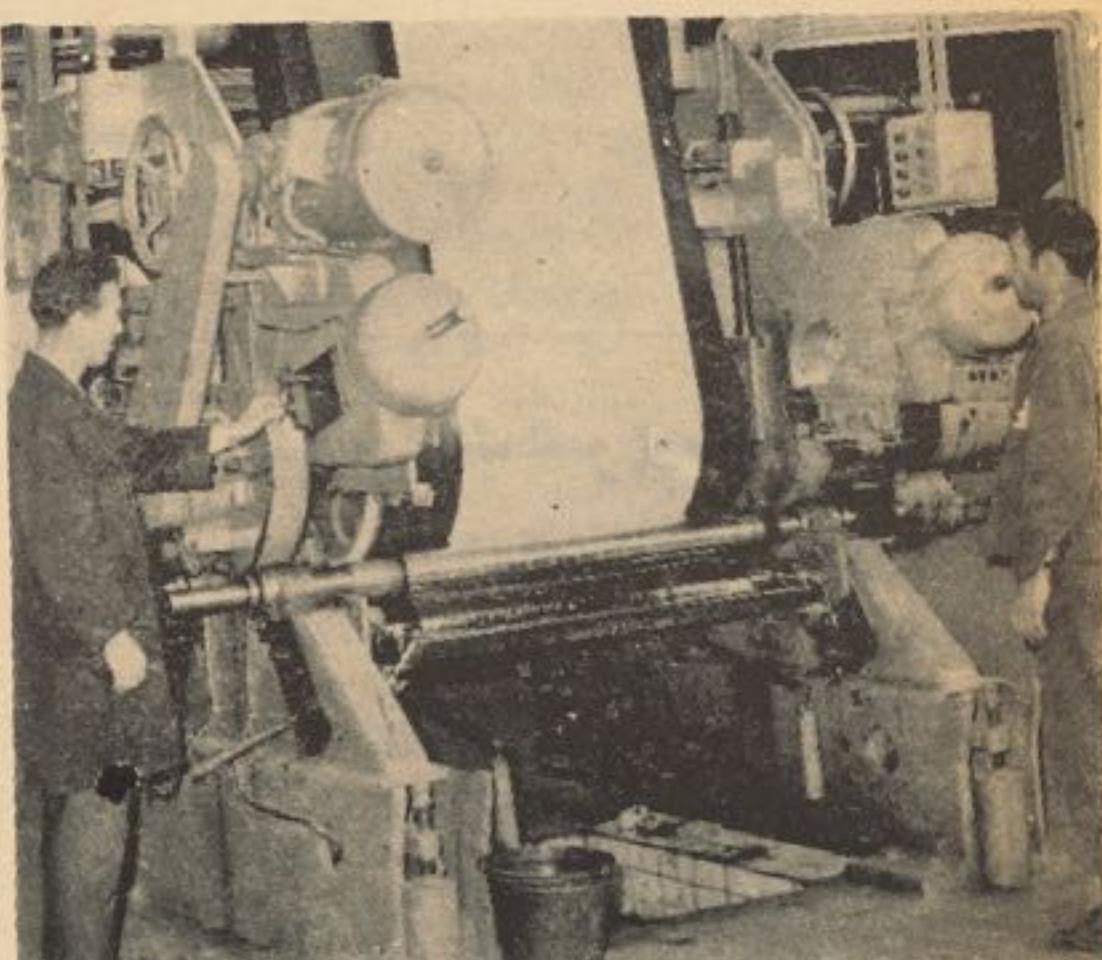
گوشه‌ای از فابریکه بوت پلاستیکی  
و اکتشاف سرمایه گذاری های وزارت پلان وزارت  
تجارت ، وزارت معادن و صنایع ، وزارت مالیه و  
وزارت زراعت و آبیاری میباشد . وزیر پلان  
ریاست دائمی کمیته سرمایه گذاری را به  
عهده دارد . در غیاب وی وزیر تجارت آین  
وظیفه را عهده دار میگردد .

در جلسات کمیته سرمایه گذاری رئیس  
تشویق و اکتشاف سرمایه گذاری به حیث  
منشی مجلس اشتراک میکند و تصمیم کمیته  
سرمایه گذاری با آکثریت آراء اعضای کمیته  
اخذ میباشد .

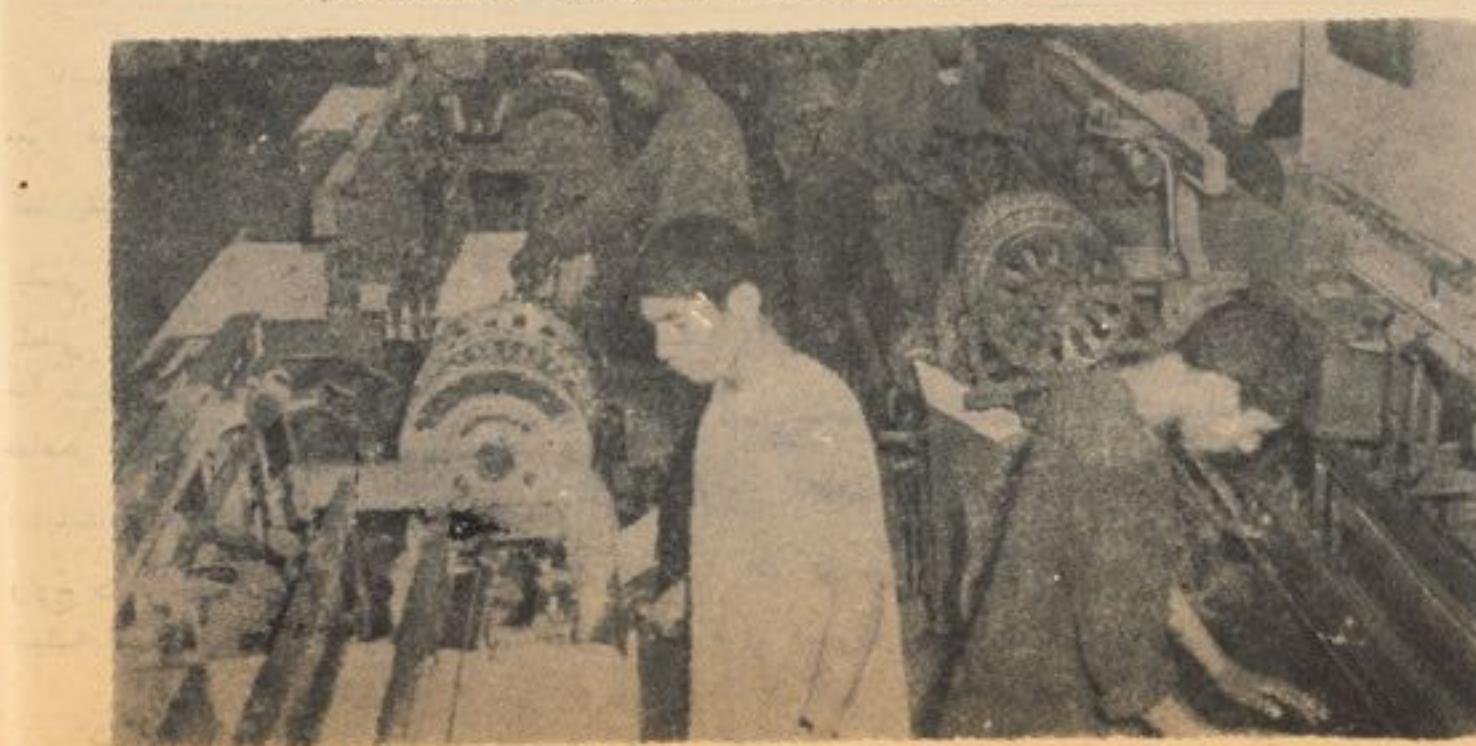
شاملی رفیق در مورد انفکاک ریاست  
سرمایه گذاری از وزارت معاون و ارتباط آن به  
وزارت پلان افزود .

از آن جاییکه تمام پروژه ها و پلانهای  
انکشافی دولتی در وزارت پلان تجمع نموده و از  
این من کر سرمایه و رهنما بی و مرافقی میگردد  
حکومت به متوجه آنسجام امور تصصم گرفت  
تا مسائل سرمایه گذاری خصوصی را که جزو  
پلانهای انکشافی میباشد از وزارت معادن  
و صنایع به وزارت پلان مربوط سازدجه در این  
صورت پلانهای انکشافی آعم از دولتی و  
خصوصی بحضور دفتری اداره و رهنما بی  
خواهد گردید .

اینک لست تعداد پروژه های فعل صنعتی  
خصوصی داخلی و خارجی را توانم با تاریخ  
منتظری ، نوع فعالیت و تعداد سرمایه را نظر  
به درخواست سرمایه گذاران جبه معلومات  
مزید نشر میکنم :



تاسیس فابریکات زیر بنای اقتصادکشور را تقویه میکند



صنایع درود اقتصادی کشور رول مهمن دارد

دولت جمهوری ما به منظور بدلند بردن  
عایدات ملی ، در تشویق و حمایه و کنترول  
سرمایه گذاری های خصوصی از پسدو  
استقرار ازش توقیفات جدی و اساسی میشود  
دانشنه است روی همین محلوظ مجلس عالی  
وزراء در جلسه تاریخی اول جوازی ۵۳  
قانون سرمایه گذاری را به منظور حمایه ،  
تشویق ، رهبری و کنترول سرمایه گذاری های  
خصوصی در ایجاد و توسعه صنایع و تأمین  
انسجام و همکاری لازمه بین سرمایه های  
دولتی و سرمایه های خصوصی جبه ترقی  
هم آهنگی و اکتشاف متعادل اقتصاد ملی  
کشور منتظر و تثیت نمود .

خبر نگار مجله زندون مصاحبه در مورد  
سرمایه گذاری های خصوصی داخلی و خارجی  
تعداد فابریکات ، نوعیت و تعداد سرمایه  
آنها باشمالی محمد یوسف رفیق رئیس تشویق  
کمیته سرمایه گذاری

# یاست تشهیق و اکشاف سر - پلان را جستجو ثبت میباشد

لست بروزه های فعال صناعتی خصوصی داخلی!

دروساهه ناجی:

سندار سرمایه نظر به درخواست	تاریخ منظوری	نوع فعالیت	اسم بروزه
افغانی ۱۳۰۰۰۰۰	۳۷/۲/۱۱	تولیدکه های نخی	ناساجی جلیلی
افغانی ۱۵۰۰۰۰۰	۳۸/۷/۲	تولیدکه های نخی	ناساجی گلزار آده و محمدخیا
افغانی ۲۸۲۹۷۰۰۰	۳۸/۳/۷	تولیدکه های نخی	ناساجی مرتضی امین زاده
افغانی ۶۰۱۰۴۰۰۰	۳۷/۱۱/۲۲	تولیدکه های نخی	ناساجی ناصر هار
» ۸۹۸۳۷۰۰۰	۳۷/۱۱/۱۲	»	ناساجی توسعی مقصودی
افغانی ۱۲۰۰۰۰۰	۳۷/۲/۱۱	»	ناساجی امیرزاده
افغانی ۱۶۱۰۰۰۰	۳۶/۱۲/۲۱	»	ناساجی مهیا
» ۹۳۰۱۱۰۰۰	۳۷/۱۱/۱۲	»	ناساجی آمو
» ۳۳۵۰۰۰۰	۳۸/۲/۷	»	ناساجی غفار عشان
» ۳۷۶۸۴۰۰۰	۳۸/۲/۷	»	ناساجی احدی
» ۱۱۱۰۰۰۰	۳۷/۷/۲۸	»	ناساجی بشر دوست
» ۸۸۷۰۰۰۰	۳۸/۲/۷	»	ناساجی سدو زی
» ۳۲۰۰۰۰۰۰	۳۶/۱۱/۱۵	»	ناساجی سیدمرتضی نوی ناساجی
» ۶۶۰۰۰۰۰	۳۶/۵/۱۳	»	ناساجی عبدالقدیر
» ۲۷۷۷۸۰۰۰۰	۳۶/۳/۲۳	»	ناساجی شهاب الدین پسوی
» ۱۵۷۲۳۹۱۰۰	۰۱/۷/۲۷	»	ناساجی کابل
» ۱۹۳۳۰۰۰۰۰	۳۷/۷/۲۸	سندی و نخی	ناساجی بهادر احمدزاده
» ۹۰۰۰۰۰۰	۳۹/۳/۷	»	ناساجی هما

دروساهه تولیدات فلزی:

سندار سرمایه نظر به درخواست	تاریخ منظوری	نوع فعالیت	اسم بروزه
افغانی ۹۰۰۰۰۰	۳۶/۱۰/۱۸	سامان فلزی	صالح فلز
» ۱۹۰۰۰۰۰	۵۰/۱۱/۱۵	اشیای فلزی	میهن فلز
» ۵۰۰۰۰۰۰	۵۱/۷/۱۵	تولید مسخ	بین سازی طالب جان
» ۷۳۹۶۲۵۰	۳۹/۵/۲	بادی سرویس و لادی	بادی سازی افغان
» ۱۰۳۸۵۰۰۰	۳۷/۷/۲۸	صنوعات فلزی	آریانا فلز
» ۲۲۰۰۰۰۰	۳۷/۳/۱۱	صنوعات فلزی	کابل فلز

دروساهه خشکه شوئی:

سندار سرمایه نظر به درخواست	تاریخ منظوری	نوع فعالیت	اسم بروزه
» ۱۵۳۶۰۰۰	۳۶/۹/۳	شستن البسه	خشکه شوئی هالیوود
» ۵۰۰۰۰۰۰	۳۷/۳/۱۱	»	خشکه شوئی حکیم
» ۱۱۱۰۰۰۰	۰۱/۳/۲۰	شستن قالان و البسه پشمی	قالین شوئی اکبر
» ۲۰۰۳۰۰۰	۳۷/۷/۲۸	شستن البسه	خشکه شوئی ماسترا نیلی

شماره ۹۲۳ و ۹۲۴

اثر: م.ت. آریک

# علی‌پرزوی

ترجمه: ع.ح. ایلمه رام

خاست. تو غان بیک به پیر زن که باقد خمیده، مشغول جمع آ و ری هیزم از درختان بود، دستور داد تا اسب رایه علف بگذارد و بعد از آنکه پیر مرد را باشاره جلو انداخت، راه قشلاق رادر پیش گرفت.

دلدار، دوان نزد مادر کلان خود آمده برسید: (این.. پدر مرده بکجا کم شد؟) پیر زن گفت که او برای جمع آوری مالیات به قشلاق رفته است و دستور داد تا اسبش رایه علف بیندد. دختر دعای بدکنان به اسب نزدیک شد. به کلها نقره بین و دیگر لوازم آن با حسد و حسرت نگریست و سپس به آرامی لجام اسب را کشیده یکسو نهاد، واژ افسار شن کشیده بمهملی پر از علف برد و بدرختی بسته گرد. سپس پرگشت تا باییر زن کمک کند: دلدار که در کود کی از مادر یتیم مانده بود، تحت تر بیه مادر کلان خود بزرگ شده و او را چون مادر خویش، گرا می‌می داشت.

دلدار برسید:

- چه میخواهی پخته کنی مادر؟

- میخواهم برای این گمراه بیک مقدار قویماق (۵) بپزم ..

دلدار با دلسوزی گفت:

- مادر، بیهوده خود را آواز نهار سکی بود، غرید ورفت.. او بدهیگ فقر اچه ضرورت دارد؟

پیر زن چیزی نگفت. خسرو و خاشاک گرد آورده را در بغل گرفته بطرف خویلی روان شد، امانا گهان توقف نموده گفت:

ـ دخترم، تو باید در ینجا هاتردد داشته باشی- و چشما نگو خویش را بپی دوخته باصدای هراس آمیز ادامه داد بز را با خود بگیر و در محلی دور (۵) غذا نیست که با تخم آرد بریان می‌پذیرند

تا ینچه ای داستان بپرگشیده است. خبر بپار، شهر زیبای هرات را سطراوت خاصی بخشیده است. باز گشت علشیر نوایی و تقدیر او به حیث مهر دار دولت، چون حدت مهربی در سراسر شهر انگاسن میکند، دریکی از شبها که نوا یسی تنها است، در وینعلی برا در شن نزدش می‌آید. هر دو پیرا مونامور هملکت بگفتگو میبرند و نوا یسی تصمیم خود را می‌نماید کتابخانه بزرگی را اساسن گذاری کند اظهار میدارد و میگوید که مسویت امر را بدوش وی خواهد گذاشت.

فردای آن، همینکه نوا یسی در دیوان حضوری میباشد، حسین بایقرا، اورانزد خود فراغ میگوند و را جع بامور کشور باوی مشوره میکند و نظرش را در باره مجد الد یعنی خواستار میشود. در همین آوان - ابوضیاء باز را معرف خرا سان پیشنهاد میکند تا ووجوه مورد پرسورت خزانه رانقلای بپردازد مشروط براینکه بوى صلاحیت داده شود تا وجوده مذکور را از طریق جمع آوری مالیات دو باره بست آورد. ۱. پیشنهاد در اثر وساطت مجدد تاریخ پذیرفته میشود بعداً توغان بیک مأمور اجرای این وظیفه گردیده، بیکی ازدهات وارد میگرد. و یعنی سفید دهکده از او خواهش میکند تا درین هر دو باره بست آورد. ۲.

واقعاً دعقان چیزی در اختیار نداشت. اما با خاطر داشته باش که ماهمن جوان قبل از برداشت خرم نا ممکن آبدیده ایم ... برادر، من از همان نخستینی است از او چیزی بدبست آورد. توغان بیک بخود پیجید و فریاد لحظه‌ای که ترا از دور دیدم، بی برد کشید: ازین نقطه نظر خاطرت را کامل جمع کشید: ازین نقطه نظر خاطرت را کامل جمع ترخانها (۱۴) متعلق است و یازمین های وقفی است، طبعاً. تمام اینها از پرداخت مالیه معاف کشید: از که جمع آوری خواهیم کرد: میدانم که بسیاری از اراضی به دار. برادر تهی دستان مانند کسی خون گرم‌اند آنها در صدد آن بودند تابخاطر شکایت از حرکات نامعقول برخی از معاشران مرکز را جمع نمایند.

حالا اگر مالیه را از دعقان نگریم از دست داده بود، راه را امداد بردازید. شاید هاجرا بیهوده نشود... و پول را هم خواهی تو نسنت باسانی تحصیل کنی.. توغان بیک که تحمل خود را کامل از دست داده بود، جهیده از جا بر خاست و با خشم و کین گفت: را برایت نشان بد هم، من خوب می دانم که گندم در کجا و جو در کجا دفن است..

توغان بیک از خلال برگهای درختان چشم به آسمان زنگار گوند و خته، گاهی بینکی میرفت و گاهی ماحول خود را بدقت از نظر میکنند. در این موقع ارباب دهکده با اندام کلوله و شکم چاق آویخته به جلو خود، نفس زنان در رسیده، توغان بیک ویقه خود را به وی نشان داده خود را معرفی کرد و در باره جمع آوری (قوس) یاوی حرف زد.

مردر یش سفید که بیوسته در نشان دادن راه و روش جمع آوری مالیات یا موظفين همکاري میکرد، خود هیچگاه مالیه نمیپرداخت با آنهم بقدر توان میکوشید اهالی آنها از دهکده خود را از بیعدالتی های دور از حد مصون نگهدازد گرچه او در همان وهله اول از مشاهده فیاقه و روچیه توغان بیک مطمئن شد که سخن بر او کار گز نخواهد افتاد، با آنهم با خود فکر کرد که صحبت با وی تشویق او به انصاف وعدالت، عاری از مقاد نخواهد بود، بنا بر آن عرق جبین خود را با دست پاک کرده گفت: میرزا جوان، مادر همین تازگی ها از پرداخت (سرانه) فراغت یافتند ایم. غالبا هیچ یک از کسانی که به پرداخت (عشر) مکلف بودند، مقروض نمانده اند. هنوز که موقع پرداخت (قوس) نرسیده است. هر یک از مالیات برای خود فصل میعنی دارند. تمام اصول و مقررات پرداخت زکات و مالیات برای بندۀ مانندیتع انکشت روشن است. همینکه در موقع معین تشریف بیاوری بلادرنگ همه را جمع آوری خواهی گرد. توغان بیک فریاد کشید: ارباب، حرف ممکن را بکو، ما بر اساس فرمانی که از خواجه خویش در یافت داشته ایم عمل خواهیم کرد.

ـ ارباب، صاحب امتیازی میباشد که اراضی شان از پرداخت مالیات معاف بود:

کرده . خیلی ها را بوده است ..  
دلدار ، با تشویش و نگرانی  
اطهار داشت:

اگر بخواهد از ما هم پول  
تحصیل کند، چه خواهی کرد ؟ حتی  
برای خرید ن شمع هم بولند نداریم ..  
ارسلا نکول در پاسخ او گفت:

بقیه در صفحه ۶۴

ارسلا نکول پاسخداد :

مواجه نشد م، اما بدون آنهم

یخن لباس کار را گشوده ، سینه خود راهها داد و بسوی دلدار نگاه کرده

علوم است.

آیا آن آدم خشن پدر مرد را  
گوشه آورده ای، کار خوبی شده  
را که لااقل یک ذره از انصاف وعدالت  
دلاله داشته باشد ، ندیده ام.

ارسلا نکول با تأثیر جواب  
نشان میداد پرسید :

آیا با پیرزن مواجه شدی ؟

تر از چشم دیدبرو ، آیا فهمید ؟  
دلدار با تبسی که دور لبان زیبا

گلکون بر نک گیلا سش دوید و بود

سر تکان داد ور سما نی بر گردن  
نازک بز افکنده ، کشان کشان با  
خود برد .. لحظه ای بعد در قسمت

اخیر انبیه در ختان ساکن که در  
پرتو خورشید جلوه پیرایی داشتند  
رسید و به مزرعه وسیع گند می که  
در حرارت آفتاب ، رنگ طلا یی

گرفته بود ، نزدیک شد . بز را به  
درختی بست و پا های کوچکش را

در آب جاری نهاده ، در سکون روز ،  
آرام نشست ، دق .. آورد .. گاه گاه

از فراز در ختان صدای مر غمها ، طنین  
انداز میگردید ، اما باز هم خاموشی  
در همه جا مسلط میشد . در حالیکه

دلدار با علا قمندی مشغول چیدن  
گلهای کوچک از میان علفی های

اطراف بود ، خود را بدین و سیله  
نصر و ف نگهیدا شت ، که صد ای

پایی از عقب بکو شش رسید .

فوراً من خود را بلند نمود ، سراسیمه  
پدان سمت نگاه کرد و چون از میان

درختان ارسلان نکول را دید ، چشانش  
از شور و نشا طدر خشید . دستمال

سر را جابجا کرد و های دو طرف  
روی خود را مرتب ساخت .

ارسلا نکول تو جوانی هزاره ساله  
دارای قدی رسا ، اندامی فشرده ،  
وضعی ساده و بی پیرایه بود بر چهره

سیا هکونش که در جریان گار  
گذار دیده بود ، و در چشمها ن بزرگ

تیزبین و بر از نور حیات شمعو میتی  
کودکانه جلوه گیری داشت . او اهل

همین دهکده بود واز کود کی به  
شغل مال چرانی ، جمع آوری خرمن  
زمیندا ران و تخم زدن زمین اشتغال

داشت . حالا از ۳-۴ سال باین طرف  
روی اراضی از تر خانهای هرات که  
در همین منطقه قرار داشت ، بحیث  
من دور کار میکرد . دختر و پسر

جوان که هر دو در آغوش طبیعت

و در جریان گار بزرگ شده بودند

نقریباً دوسال پیش ازین بیو ندی

صمیمانه با هم پیدا کردند . هم پیش

زدن وهم بدر دختر ، بدون کوچکترین

تردد ، حاضر شده بودند این جوان

از موده را به دامادی پیش برد

بر طبق متوله ( هر گاه برای رسیدن

به آرزو اقدام کنی دیر نشده است )

عنوز وقت برگز ازی هراسم عروسی

رامعین نساخته بودند . ارسلان نکول

یاهای تنو منه خود را دراز نموده ،

سنگین در کنار دختر نشست . -

قطرات عرق را از روی خود سترد و





## غیبت از دیگران نوعی کمک با شخصیت است



در حدود هشت سال پیش دختری به اسم «سایو» از داشتن سرطان ریه زنج میکشید، دوکتوران به او گفته بودند که مریضی اش غیر قابل علاج است.

«سایو» در لحظات آخر زندگی با یکدنیا زنج و تاثیر تصمیم گرفت عاشق شود و قبل از آنکه بمیرد لذت این موهبت بزرگ را بچشد. اتفاقاً در یک محفل رقص او عاشق مردی به‌اسمه «گونار» میشود و مرد هم سخت علاقمند سایو میگردد. باوجود اینکه سایو در روزهای اول این آشنائی به مرگش خیلی فکر میکرد و تلاش برای لذت بردن از عشق در داو را کاهش داد تا اینکه فکر مریضی داشتن کاملاً از مفرز او زدوده گشت.

وحالا هشت سال از این آشنائی میگذرد و سایو صاحب فرزندی هم هست دو کنورانی که سایو را چندین بار معاينه دقیق نموده اند، گفته اند که: هیچ نوع مریضی در او دیده نمیشود. و هیچ کس هم قادر نیست که علت این سلامتی را شرح کند. ولی فقط یک نظر بیان میاید که امید را سخ و عشق بزنده‌گی می‌تواند بیماری چون سرطان را هم مغلوب کند.

بر خلاف نظر پیشینان، پر فیسور «دبکل ماير» استاد روانشناسی المانی معتقد است که: «سکوت نقره است و سخن گفتن طلا». به اساس نظریه این دانشمند، هر انسانی همانند خرد، و نو شینی به گفتگوی با همسایه یا همکار خود در باره دیگر کسان نیاز دارد. بعبارت ساده تر، از او «غیبت» کند. بطور کلی، اینگونه گفتگوها بحال عمومی افراد سود منداد است. زیرا اینان برخلاف افراد صامت امکان و توانانی مبادله فکری دارند. ولی اینکه حرف‌های شان بضرر دیگری باشند. گفت‌ریش می‌آید که اینگونه «غیبت گوئی» بنو عی دشمنی و مخالفت منتهی گردد در موادی مخصوصاً در موسسات حتی هو جب پیدایش توافق فکری افراد میگردد و بار روانی آنان را سبک‌نمی‌سازد.

## استفاده از سوارکاری برای علاج بیماران روانی

سرویس معالجه بیما ران روانی و ایسبرگ واقع در المان از سال ۱۹۷۱ به این طرف از سوارکاری برای معالجه روانی استفاده نموده است.

تقریباً همه ساله بین سه صدتاً پنجصد مریض روانی از طریق سوارکاری معالجه شده اند باسas گفته دکتوران موظف در اثر این شیوه درمان، بیما ران روانی که دستخوش در ماندگیهای معاشرت و تماس با دیگران هستند و از آن زنج روحی میبرند آمادگی بیشتری برای همزیستی انسانها بدهست می‌آورند. تماس بدون قید با حیوانات عامل مؤثری در شکستن در ماندگیهای معاشرتی شناخته شده اند.



## کهکشان شعر

### شعر غصه ها

بمن گویی:

بمن گویی که ای افسرده شاعر  
چرا شعرت ندارد: سوز و سازی  
نم خیزد زحر فت اتش دل  
نباشد قاله ات گرم از گندازی

بمن گویی کهای «گوینده سرد»  
سخنها بیت ندارد گرهی (سوز)  
نباید شعر هایت آتشین چرف  
نباید نفعه هایت شعله اندوز

بمن گویی کریم (اشفته گویی)  
بسی خاموشی و ندانه بهتر  
ازین شعری که ساز (نادسایی) است  
حدیث خفتة اسایه بهتر

بمن گویی که شعر نار سایت  
ندارد ذوق بالین ندارد  
بمن گویی که طبع بی گذشت  
نیارد شعر پر سوزی نیارد

بمن گویی که شعر جاودان گویی  
که باشد نفعه ساز جاودانه  
و گر نلب فر ویریند (خاموش)  
مکش بر لب دگر نقش توانه  
منت

مخت گوییم که ای (ذوق آستایم)  
اگر خواهی زهن شعر پر از سوز  
بکو بر (عشق) تاجانم بسوزد  
بکو بر (داع) سحل (اعشه افروز)

بکو بر (درد) تادر دم فزاد  
بکو بر (جور) تا جودی گند ساز  
بکو بر (رنج) تاریجم دهد سفت  
بکو بر (فتحه ها) کن فتحه آغان

بکو بر (نافرار یهای) سر کش  
که تاجانم بر از (آشوب) سازد  
بکویر (غصه های) فتحه اتگیز  
که بمن سخت و بیرحمانه تازد

بکو بر (عیشها) (کرمن گریزد  
مرا در دامن غمها گزار  
بکو بر (شادمانیها) شود دور  
مرا در دامن «غمها» گذارد.

عن آن هوج بر فرباد وحشی  
گهدر دریای تو فانها سراید  
من آن سبل نایادام بر شور  
کفره بر وادی غمها کشاید

فلک خواهد چواز (فریاد روح)  
بسازد شبر های جاودانی  
مرادر دامن «غمها» گذارد  
زمون گیرد نشاط (شادمانی)

وانگاه  
سود فرباد بر سونم یکی (شعر)  
شود اوای غمگینم (ترانه)  
(سخنها) از بند اتشین  
زندجون (اعشه های غم) زبانه  
دکتور شمعریز

من آن دیوانه آم کرخایه ناصحرا نیدانم

جز آشتفک در خود ندیدم یا نیدانم

هرایم جانب کوئی است از جنت نمیفهم

نکا هم محشمش دیست از طوبی نیدانم

بايان گرد شیر عشق از مجذون چه می

پرسی

بل آهی خود گم کردم از لیلی نیدانم

مرا نادامن ساقی بر آشیانه دامن

مثال اشک خود از دشت تادری نیدانم

حکر تبخانه سازم بمن هم نمی‌آزد

بعل پروردۀ دردم مدا و را نیدانم

بعصر خویش رفتم تا بمعراج ادب توفیق

نوشتم کهکشان شعر از شعری نمیدانم

(عبدالحسین توفیق)

## اهدابه هزار شادیق جمال

مردادی سخندا از جبان بگذشت ورفت  
سیدعالی نسب واحسرتا شایق جمال  
ماهر شعر و ادب نازکحال عصر خویش  
نشاور نگین تر از نظم و کلامش دل تشن  
مسکن او بود دایم مجمع علم و ادب  
تیره و تاریک می بینیم فضای انجمن  
دام از حب محبان و طن بوش سخن  
هردو دیوانش ذر قایاصفات اهل دل  
ذوق او بیوسته سوی جنت الفردوس بود  
بیست پنج از برج پنجم سیزده پنهان سه  
دروجوار حضرت شاه دو شمشیرش هزار  
طاهر روحش بشارت یافت از ساعت جنان  
سایق شرین کلام ما عیان بگذشت ورفت

## سر و د بلخ

رفتم به بلخ مهد دلیران آریا  
در مستند یما

در مسکن کیان

تا بشنوم: ترانه ای افسو تکر زمان

از پین دشت ها

در چشم تیز بین

یاغزتو وقار

از دور می نمود یکی قصر باستان

نژدیکتر شدم

دیدم که بی قرار

یک کاخ پر شکوه

ساخته است زار

ویرانه قرون

محصول روز گار

تاریخ و افتخار در آغوش اونهان

آنچه که سایه

بر افتخار بود

فرهانروایی شرق

در دوی: هزار بود

اکنون فناهه است، بسی زاروناتوان

انسر زمین زند

مقبول و دلپسند

گردیده بس زبون

افکار و واژگون

از دور روزگارو، وزین، چر خش زمان

قلبه فشرده شد

در مهد زرد هشت

دیدم بافتخار

در مهد کشت

یعنی به نوبهار طر بگاه باستان

لغتی زدم سری

در آستانه اش

تا بنگرم که چیست

آخر فسانه اش

دیدم که هشت مغلیر اسرار جا ودان

ایوان بزرعنهامت اوراکه قرنها

چشم اهد شرق

سویس گشوده بود

شاهان روزگار

وی راستوده بود

امروز از جیاولو یغماست یک نشان

(نیل آب زخمی)



## جان شوق

بجان شوق گهديم حریر پيرهش

بسان شيشه فانوس بولبور تشن

چوافتا که در آب نیلکون ا فند

میان حوض در خشید گوهر بدن

زراوسایر الکار خوش منقطع

که سبب نازک فرخار گفتہام ذقش

جهان بخشش توباغ بیشت هیگر دد

اگر بخواب بیش تجلی چمنش

درستی دلزنار دار من گردید

شکست بر سر ابرو چوزل پرشکش

شمیم گسنوی او تگیتی دگردار

ندام از جه گرفتند عطر یاسمنش

دویخ بادل ننک آخر از جهان رفتیم

شکنه هیچ ندیدم غنچه دهش

صفای سعادت در حد تصور نیست

مکن تونست بجا بشاخ نسترنش

درین حاکدام نیست خوبی پروانه

که عمجو شمع بیتم میان انجمنش

جیدی وجودی

## دبهار گدا

تبها میان کلبة تمباک و تار خویش

لرزیدهام زشیون هرموز بادها

تاصیب در سیاهی وهم آفرین شب

رقصیده بیش دیده من شیع بادها

شب عاکنار توده خاکستر سیاه

خرق خیال خلیه درویا لمیده ام

از قله های سرد چک های نیمه شب

صدبار یکه خورده از جا پریده ام

هنجام روز نیز چوخفانش های بیر

خوابیدهام بگوشه این آشیان رون

کس بادمن نبود دراین خم سرای شوم

چون عنکبوت مرده که اویخته زیر

امروز هیروم از این جسم سرد

امروز هیگر نیز از این محبس سیاه

میگسترانم بساط گدالی خویش را

در نور آفتابها گنار راه

از: محمود فارانی

از: تیپور دیری

مترجم: رعد

# عشق

ب از چایش نکان نخورد .  
محافظه غرستی کرده با خشونت گفت: خود  
تان راگم کنید . چرا مطلع هستید ؟  
ب اظهار داشت: من حالا میروم ، من حال  
اجازه رفتن دارم ؟  
محافظه چوایی نداد . ب سند آزادی را در  
چیب گذاشت واز چوکات دروازه گذشت .  
چند گاهی بز داشته از رفتن باز ایستاد .  
خواست نظری به عقب اندازد . تن شلزید .  
خودش را چم کرده مجدها به راهش ادامه داد  
گوش هارا تیز کرد . اما صدایی از پشت  
سر خود نشنبید . با خود آن دیشید: اگر بدون  
بر خود را گذاشتم هائی به ایستگاه تراهاموا بر سر  
وتا آنوقت کسی مزاحمش نشود یا دستی  
جلو پیش فتش را نگیرد ، مطمئن خواهد شد  
که بطور قطع آزاد شده است . بطور فقط ؟

وقتی به استیشن تراهاموا رسید بی محابا  
چرخی زدویه پشت سرش نگاه کرد . هیچکس  
در تعقیش نبود . ب سمت لر زانش را در  
چیب فرو برد اما دستمالش را نیافت تاعرق  
را از پیشانی خود پاک کرد . تراهاموا یاصدای  
خش خش نزدیک شد . ب به جست پداخان  
رفت . از واکن عقبی تراهاموا یک پولیس  
محافظه فرود آمد . وقتی از کنار واکن جلوی  
رد میشد صورت پر آبله اشرا به طرف ب  
بر گرداند و با چشمها ریز و گنجکاوی  
اورا نگاه کرد . ب به او سلام نداد . تراهاموا  
به حرکت در آمد . در فاصله کمتر از یک دقیقه  
پیش از روان شدن تراهاموا دنیا در نظر ب  
تاریک گردید . احساس شبیه کسانی به او  
دست داد که دریک سالون سینما نشسته  
باشد و گویای سینهاده افتاده بنا بر نفس تختنی  
از گار افتاده محظ سینما را خاموشی فرامگردید  
و آنگاه صدا دوباره از وسط یک جمله یا گلمه  
بلند شده سقف و سالون سینما را بلند کرد .  
ودر اطراف فش و نگاهی متوجه بخش گردد .  
تراهاموا که از سمت مقابل پیدا شد ، چنان  
رنگ نزدی داشت که ب تصور نمود آنچنان  
رنگ زرد را در تمام عمرش ندیده است .

تراهاموا با جان سرعتی از مقابل یک عمارات  
خاکستری رنگ گذاشت که ب ترسید میادا  
تراهاموا هرگز توقف نکند . انطرف خیابان دو  
فاطر یک گاری را میکشیدند و چهار نعل از  
پیشوی و گون و دشند . صدای اصطکاک  
سم اسبیا بازمی سنتگفرش خیابان ابر های  
آسمان را لرزاند .

یک پانجه سر سبز در کنار چاده از جلو  
چشمکش گذشت . هزار ها نفر به روی باده  
رو ها رفت و آمد داشتند . سر گرم تفريح  
و گردش بودند . همه در لباسهای عادی رو زده  
قشیخت از دیگری جلوه مینمودند . لباسهای  
میرسیدند . عده‌یی هم داشتند . بسیاری  
از حوالی زندان جانب دروازه بزرگ خروجی  
عبور دادند . اما پیش از آنکه به دروازه  
بزرگ خروجی بر سند یک صاحب هنری  
دان دوان آمده آنها رامتنق ساخت و یکی از  
چهار زندانی آزاد شده را فرا خواند . دونفر

عسکر که ماشیندار های آمده فیر سردهست  
داشتند به دو طرف آن زندانی قرار گرفتند  
واورا به داخل عمارت بر گردانند . صورت  
تازه تراشیده زندانی مانند کسی که به هر فرض  
سرطان مبتلا باشد زرد شد و چشمهاش از  
تکت خردیده در انتهای تراهاموا روی یک چوکی  
یکه نشست . او بخاطری در آن گوش خزید  
که میتسیدند میاد در انتای اندیشیدن آزاد

تواند تسلط بر خود را حفظ کند . یک هر تبه  
از گلکین تراهاموا به بیرون نظر اندخت در  
مقابل گار خانه ببرسازی انطرف خیابان  
مردی را دیده بصورت یک زن جوان دست  
میکشد . ب بار دیگر دستش را در چیب  
پتلون فروگرد . اه ادستمالی در چیش نبود  
یک گار گر باشش بوتل بیر دد یک بکس  
دستی سر باز سوار تراهاموا شده در چوکی

خالی مقابل ب نشست .

نگران تراهاموا با خنده خوش رویی برسید:

این مقدار بیو برایتان زیاد نیست ؟  
کارگر در جواب خانم نگران گفت: من  
متاهل هستم . همسرم با پیر نوشیدن من  
مخالف نیست .

نگران خنده اشرا از سر گرفت: گفتند  
مخالفت نمی‌گند ؟

- طبعاً نی .

- این بیو سیاه است .

- بیلی درست حسد زده اید .. سیاه  
است .

- بیو روشن خوشمزه تر است .

- ولی خانم من در نوشیدن بیو سیاه  
اعتراض نمایم .

زوندون

زندانی پاسخی به او نداد .  
سرا محافظه زندان حرفش را تکرار گردید:  
تراهاموا در آن گونه است .  
ب استاده هانده نگاهش را به زمین  
دوخت .  
- بگویید که به کجا من روید ؟  
- بودا پست . کدام نایه ؟  
ب چواید: نایه دم . چرا آزاد محافظه دروازه از او پرسید: متنفس  
چه هستید ؟

دروازه سلول باز شد و محافظه زندان چیزی  
را به درون انداخت .  
صدای زندانی آمد: اینها لا  
خریطه بودگه بروی آن نمیریک دیده  
میشد . خریطه درست پیش بای زندانی افتید  
ب از جایش بلند شد . زندان یان خطاب به ب  
بسی محافظه دید . زندان یان خطاب به ب  
گفت: لباس های شخصی شما . زود عوض کنید  
که سلطانی برای اصلاح سر وریش تان  
می‌اید .

در خریطه لباس و بیوت های او بود . لباس  
هایی که هفت سال از تنش بیرون آورده ،  
ب داخل آن انداخته بود ، لباس های چپلک و  
قات قات شده ، بوتیارا پوینک گرفته بود  
ب پراهن دا باز گرد . حتی پراهن بیو  
رطوبت میداد و پوینک داشت . وقتی لباس  
بیو شده سلمانی هجیس از راه رسید و شروع  
کرد به آرایش سر وریش او .

یک ساعت بعد مقابل میز تحریر گوچک اداره  
محبس ایستاده بود . در دهلیزو پشت دروازه  
اداره زندان هشت تا ده زندانی دیگر هم  
انتظار میکشیدند . همه آنها لباسی شخصی  
شان را به عن داشتند . ب نفر اول بود که  
به درون آنفاق خوانده شد . پشت میز تحریر  
سر تکبیان زندان نشسته و پشت سر او یک  
دگروال اینطرف و آنطرف آلاق راه میرفت  
و محکم معکم قدم میگذاشت .

سر زندانی از پشت میز کار صدای زندیک  
نیزدیگر بیاید . اسم شما ؟ نام مادر تان ... ؟  
 محل بود ویا شما در آینده ... ؟  
ب یاسخ داد: نمیدام .

سر محافظه پرسید: چه گفتید ؟ نمیدانید  
که کجا میروید ؟  
ب گفت: نه . نمی دام که بکجا منتقل  
میشوم .

سر محافظه نگاه مظنونانه بچهره ب افکند:  
شما به جایی منتقل نمی شوید . بلکه میتوانید  
امروز نان چاشت و با همسر تان بغورید و  
امروز شام میتوانید .... فرمیدند که  
چه گفتند ؟

زندانی پاسخی به او نداد .  
سرا محافظه زندان حرفش را تکرار گردید:  
تراهاموا در آن گونه است .  
ب استاده هانده نگاهش را به زمین  
دوخت .  
- خیابان سیلا ۱۷

- بودا پست . کدام نایه ؟  
ب چواید: نایه دم . چرا آزاد محافظه دروازه از او پرسید: متنفس  
چه هستید ؟

شاخه هارا می بوشاند ، اگر آدم دو زیر  
درخت ایستاده میشد و از لای تاج غلو و  
آنگاه به سوی منزل روان شد .

سکوت کیوت دودکرد . یعنی پس از دیگری  
من شود که ...

رانته جواب داد : از این سر و غم من معلوم  
شگوفه هارا به دقت میدید متوجه رنگ سرخی  
نمایند ؟

شگوفه هارا به طرف رانده جواب داد : لااقل بادیدن به طرف  
شما این گمان به آدم دست میدهدو قیافه  
شروع خواهیم نیز آنوقت هم مانند شما بود .

البته میتوان اینطورهم حبس زدگه از شفایخانه  
نمی شود . اما در آنجا لباس به این گونه چملک

نماید . اما در آنجا لباس به این گونه چملک  
هزار گرده مانند تارهای طلایی ته وبالامیر فتن

و در برابر وزش باد یک چادر متغیرگی دارد  
بروی شگوفهها تشکیل میدادند . ب لغت

ایستاده مانده گوش فراداد و گوشید از شست  
شاخه های پراز شگوفه آسمان را بینند . تا

اینکه موفق شد از لای دو شاخه بر حسب  
تصادف پارچه ابری را در آسمان بینند .

پارچه ابریم نظر تاج پر از شگوفه یاک درخت  
در نظرش چلوه کرد که بالای سر انسانها

بسیار گلند تر از دسترس قرار داشت . او  
لخت به درخت سبب و پارچه ابر بالای سر

خوبی نگریست و دوباره حالت دوران سر  
برایش دست داد .

ب فراموش کرده بود ساعتش را کوکاند  
زیرا نمی دانست که پس از فرود آمدن از

تکمیل چه مدتی سیری شده است . پس  
از چوت زدن به این موضوع از جایش بلند

فرورت پیدا خواهید کرد . این پول را جز  
از از ازاد عادت بدده . پس ازان بهدیدن همسرش

برود . رانته از گرفتن پول بخشش انکار  
نمود : هفت سال . زیاد عجیب نیست .

ب از موثر تکمیل شد و میخواست  
استیشن از موثر پایان شد و میخواست

فاصله ایراگه پیش رفته پای پایه برگرد  
او میل داشت خودش را به قلم زدن در هوای

در راه صحت خود معرف نکند . هر روز  
یک مقدار گوشت و نیم لیتر و این خوب

بنوشید درینصورت شما زودتر سر حال  
استقرار . قدری خودش را سپتار احساس نمود

وقتی حال ب بهتر شد به دفتر ادامه داده  
در حدود نیم ساعت را از هیان کوچه های

باریکه درختهای پر از شگوفه مانند قالین  
پراز نقش و نگار چلوه مینمود عبور کرد .

سر انجام مقابل یک دروازه ایستاده ماند .  
آنها در طبقه اول زندگی میکردند .

عابرین زیاد بود . ب دوری زده واژه باریکی روان  
شده روبه بلندی یک تیه میرفت . واژگان

یکمیدان تیس گلشته به خیابان اوتو هرمن  
متینی میشد . در اینجا مجدداً فضای بسیار

نگرفت . به روی دروازه نام کس وجود  
وسعی و خالی را در اطراف خوبی احسان  
نداشت . ناچار به طرف منزل صاحب ایارتمان

نمور . مزارع کشت نشده و زمین های هموار  
به خانمی که در چوکاه کوه های نزدیکی همیسر

چشم دید آزادی را تابه کوه های نزدیکی همیسر  
می ساخت . سرخ دورزد و ب ناچار به روی

زیمن فرو نشست . همسرش بیچوچه انتظار  
بازگشت اودا به این زودی بمنزل نداشت .

ب با خود اندیشید ، وقت آنرا دارده  
برای نیم ساعت به روی سبزه ها بیاراد .

- سلام خانم .  
- سلام به دنبال چه کسی میگردید ؟

ب پاسخ داد : من ب هستم . همسرم هنوز  
وجود داشت . لحظه ای به آن درخت خیره شد

هم در ایارتمان شما زندگی میکند ؟  
قسمت دوم و ختم داستان

در شماره های شاداب بزرگ و تازه باز شده

پرسید : آقایه کجا می روید ؟  
ب جوابداد : به سوی بودا .

رانته رویشرا بر گرداند . به چهاره ب  
دیده سوال کرد : از روی کدام بیل ؟

ب بصورت رانته خبره شد و حرفهای  
اورا تکرار کرد : از روی کدام بیل ؟  
رانته پرسید : شما مگر شیر را بلد  
نیستید ؟

ب در پاسخ گفت : از روی پل هارگیرت  
بلدر .

موتر نکسی حرکت کرد . ب بدون آنکه  
به بیشتر سیست موتر تکیه زند همانگونه راست

سر جایش نشست . از گلکین باز موتر بوی  
تیل-گرد و خاک خیابان آمیخته با آواز زنگ

تون شبری بگوشش می آمد . خوشید تو خود  
را یکسان روشن به روی هردو پیاده روی خش

میکرد . سایه های فراوانی که چپ و راست  
جلو بوتهای عابران به عرسو هیلفرزید به

گونه جلوه می نمود که گناه دفت و آمد  
دوچندان باشد در زیر سایه بان خط دار

نارنجی رنگ یک گلچه بزرگ زن جوانی در  
لباس قره زی نشسته سگرت دود میکرد . گمی

دورتر در گولاپین بعدی یک درخت کوچک آلو بالو  
بالبوه برگهای از اوداق زمردین جلوه با  
شکوه و سایه لرزانی . داشت که از هیان برق

عای آن نور خوشید تابه پای درخت الو بالو  
میکرد و اطراف ریشه های درخت الو بالو  
را روشن میساخت .

ب خطاب به رانته گفت : اگر سو راهشها  
کدام دوگان سگرت فروشی آمد لطفاً توقف

کنید . سه عمارت بعدتر موتر از حرکت باز  
ایستاد . ب از گلکین بیرون را نظر گرد .

آنها در مقابل یک دروازه باز که از داخل آن  
کوه از مل سرخک و گوهي از کاهو و

همچنان کوهی از گرم توقف کردند . در پله لوی  
آن رهرو باریک یک دوگان سگرت فروشی  
قرار داشت .

رانته رویشرا به طرف ب برگردانه گفت:  
از زومی ندارد بیاده شوید . لطفاً در جای تان

نشینید . من برای تان سگرت می آورم . شما  
کدام قسم مخصوص سگرت میخواهید ؟

ب به اینار مل سرخک نظر دوخته بودو  
زن تکران خندیده اظهار داشت : همکنست  
بک بوقل ازین بیرون بمن بیخشید .

- بیرسیاه ؟ البته اگر بیر سیاه خواسته  
ب جوابداد : بله . لطفاً یک قوتی گوگرد  
نم بیاورید .

رانته فرود آمده به ب که میخواست  
برای او بیول دهد گفت : حالانه . بلگارید در  
زن خندیده پاسخ داد : برای شو هرم قیمت کرایه افزود میکنیم .

من برم .  
کارگر پرسید : وقت شوهر شما بیرون شن  
بسیار خوب . لطف دارید .

من تو شد پس بایبرسیاه چه بگند ؟  
وقتی رانته برگشت از ب پرسید : من

زن تکران همچنان می خندید و ترا موا خواهید یکدانه را همین حالا روشن کنید ؟  
توقف کرد . ب از ترا موا بیاده شد و یک شوهر خواهی من هم دوسل دامنه شما گذشتاند .

نکسی کرایه گرفت . رانته لختی درنگ کرد : وقتی بیرون آمد عیناً مانند شما داشت .  
وقتی دید که راکب او هم خاموش است دکان سگرت فروشی رفت . او نخست داده

This decorative horizontal border is composed of intricate, symmetrical floral and foliate motifs. The design is framed by a dense arrangement of stylized flowers, possibly peonies or chrysanthemums, with delicate petals and detailed centers. In the center of the composition are two large, bold, black characters, likely '大吉' (Dà Jí), which translates to 'Great Fortune' or 'Good Luck'. These characters are rendered with thick, expressive strokes and are partially integrated into the surrounding floral patterns.

دشوند و موز

چه گلگوئی جامی و اغوندی سواری کپری  
خدا یزده با چادقلن تیاری کپری  
په خلوت گنبی زاهدان گاندی په نوبو  
زاهدانو خنی صیر فراری کپری  
توبوی په لبو دود اویسکو  
جهم سترگی دیدین خریداری کپری  
هسی په هبر به هر گنبی کپری بشکل  
لکه خواک چه ... گنبی دینداری کپری  
دفعه حسن بیان په کوم زبان کپری  
چه یوسف غوندی خوبرویه و بباری کپری  
له عفو سترگو خواک خه ریگ زوندی خی  
جه خندیگ بی دنظر زخم گاری کپری  
فرشتن چاپه دود نهدی دردمنی  
رخوابانو ته «همید» بوچه زاری کپری  
(همید)

دسویز قصه

درینه نور غمونه لیری شوی له دله  
پکنیس غم دخیل آشناوی تل تو تله  
تبین وصل دگل بامونه خاموش شو  
تیری محرومہ شوه چمشور کاندی بلبله  
بشهجه زبهدی قلم شوه یه مجلس کنسی  
شمی تاچه دخیل سوز قصه و مله  
عاشق هیئت هنف خبرد عشق له سوزه  
داله به بیری مششووقی ولکوله  
دقانوس یه پرده خراغ کله پتیری  
که بی هنچ ید بلوپت و ما لیدله  
یه هاتم دبروانه چه بی خان و سو  
نه معن او در یه تندي بل کم گزیدله  
درسته شبه دی یه نارو عبد القادر کم  
نه بیغمه یه بالنگ یاندی خمله

عبدالقادر

خہ کرم؟

چه دلبر راه رنهوی بوستان خه کرم؟  
بله یاره به چن گنبی گلان خه کرم؟  
زه بشر ددلبر نهونم به سترگو  
که چا بیر راخنی ناست وی خوبان خه کرم  
نور عالم راسره توکی مسخری کسیری  
زه دیار له غمه زایده خان خه کرم  
یوساعت دخوشحالی را باندی تیرنه شو  
تیر ساعت پسی تاسف وارهان خه کرم  
زوند زما ختنی بیزار دی زه لرزونده  
لاس هن نه رسی اوس بروت به هجران خه کرم  
چه یوسف زما ذریه و درسه نهودی -  
دوج به وجہ تفحص دگار وان خه کرم

مناجات

لوبه خدابه ، زما هناجات دادی :  
 دالناس نيلی زماله زیرهه وشكوه اوليرى  
 وغور خوه .  
 هاته توفيق راگهه چه خپلی خوبى او  
 هصيبيتونه يه آسانى سره وزغملى سه .  
 توفيق راگهه چه غريب او بيتوا له توانه  
 غورخوم او دمير بى باگه قوت به مخكتىسى  
 هم سر تىت نه كيرم  
 زه داتوان غوايم چه ددبىا دخسيسو شيانو  
 خان وزغورم او خيل قوت او خپله هيشه  
 ستا خوبى ته وسپارم .  
تايگور

شونېو دللت دی هي ناب راخخه يو وړ  
 ټېږي بي صبرۍ هي دزېه آپ راخخه یووړ  
 مقل هي سا فیانو یه شراب دا خڅه یووړ  
 زېږي له ګوګله یه شتاب راخخه یووړ  
 یور چاډېي نهدي خپل احباب راخخه یووړ  
 شغل د ګتاب دی خور او خواب راخخه یووړ  
 واړه ستاد حسن دی سیلاپ راخخه یووړ  
 ابرو یو نقش د همراه دا خڅه یووړ  
 (رحمان یانا)

دھرائب نقش

ستادی خواب آلوده ستر گو خواب را خنده بیو ویر  
 نهمی او بشکی و چی شوی نه صبر بیه صورت کشی  
 زیره می یه نغمو سوری کر و مطری بانو  
 بوساقی بیل بار دریم عطرب سره یو خای شول  
 خدشی که بیل بیو و بسایسته زیره می تری قربان شه  
 خط د تورو حرفونه هند دیانی دکتاب دی

در لفه مار

نامانه چه به سترگو کبیسی خندلی غوندیو  
 کتنی می پورته نهشود، گروله بعیی خمکه  
 چشمان می دوازه تانه شرمیدلی غوندیو  
 ماوی جویری سیوردی هم چیرته نن شبول نیولی دی  
 ویسته دی چه به هخ لرتو کیدلی غوندی و  
 سوپریس زمایه ملا کبیسی ملامی و نیوله یستگه  
 خابونه چه دی هاته بر بیسیدلی غوندی و  
 چغم دانه یه شاشو خوشالی را باندی راغله  
 گونگوسی دی در اتلومی او ریدلی غوندیو  
 و هل می په کوگل کبیسی له عهمه زیره تولوه  
 جور ستاردللو هاریری را دنگلی غوندیو  
 ماوی جویری هاران دی یه سینه باندی و بدهدی  
 کاکل دی یه تپرچه درید لی غوندی و

یه رینا ورخچه دساقی له لاسه جام اخلم  
داخو دقده له زا هده انتقام اخلم  
سلام دهیشی منتظر بیری به سرو شونبید و باندی  
دابی دید نهدی زه نور گله دسلام اخلم  
که غمازان دوصال لاری به اغزوج کی گبری  
بیاهم یه سترگو زه یه دله لاره گلام اخلم  
گرانی که نن اوکه سباوی یه نصیب بهمی شی  
دخلل هینز زده له سرو رهدا الهیام اخلم  
مادھیو یه خو کو خان در رسولی ناته  
- بینه گوگی درختنی خکه اوی انعم اخلم  
زما دهیشی ار ها نونه به ترسه شنی تبول  
درازقی له خولی نن دغه بیغام اخلم

سوسنی زردہ

خبر می شه له سوی زنده کتاب لری که نه  
جرگو زما داوېشکو تەخواب لری که نه  
ورگو شومەدەپىنى يەنايا بەلۇي درىباپ كېنى  
چازە مى شە داوېشکو ددرىباپ لری کەنە  
دا ھاجە يە نازۇنۇ مكىزۇ نو شوروى  
رقيب لرە هم خيال دخە عذاب لری کەنە  
چەلۈرىنى يې يېخىلە احمدى تەخە وائىن  
دەمىن سرو لمۇر سره شەناب لری كەنە

# گوچ دل لسی خواندنی

## مژده به دوستدار آن ساسیج

یک کمپنی غذاهای ماشینی ۸۰۰ حلقه ساسیج را آماده استفاده نماید.  
«ای. بی. آر» انگلستان در حال در داخل خلاهای حلقه های ساختن ماشین ساسیج سازی است ساسیج از گوشت جگر و یا گوشت قیمه کرده استفاده میگردد و علاوه بر آن از آن آگاه اند ولی اخیراً راهی پیشنهاد شده که خیلی جالب بنتظر میرسد.

## فاصله نما

چندی پیش در جاده اکسفورد فاصله نمای ساخته شد، که می تواند مسافه صدفت را بطور ساده و بدون در دسر نشان دهد، این فاصله نما که خیلی دقیق بوده و سریع عمل می کند، اشیائی مورد نظر را بوسیله اسباب منظره بین کامره مانند، می بینند. بعد میچرخد تا اینکاشی را واحد و مشخص نشان دهد.

صاحب این آله می گوید که فایده مهم این فاصله نما درین است که موافع بین استعمال کننده و شنیدن میروند و قیمت آن در حدود ۹۵، ۱۶ دالر امریکانی است.



## نور افگن لیزر

در اتحاد شوروی دسته کوتاهی از اشعه لیزر را از روی شهر به آسمان فرستاده اشده میبور با گرد و غبار و دود برخورد میکند. درین موقع عنصر حساس دستگاه «لیدار» انعکاس آنها را ثبت میکند. با کمک این دستگاه میتوان بدون اشتباه منبع آلدگی هوای شهر را را پیدا کرد.

## شیوه جدیدی برای کشیدن سگرت

### مفت

برای کشیدن سگرت مفت راههای مختلف وجود دارد که اهل فن از آن آگاه اند ولی اخیراً راهی پیشنهاد شده که خیلی جالب بنتظر میرسد.



برای این منظور همیشه قطعی خالی سگرت را در جیب خود داشته باشید. وقتی در محلی که یکی دونفر سگرت می کشند، رسیدید قطعی خالی را از جیب خود ببرون مسلماً سگرت تکشان ممکن است علاوه از نیک دانه سگرتی که برای عصبانیت قطبی را دور بیندازید و کشیدن بشما میدهد دو سه تا سگرت هم بعنوان ذخیره بشما باخود بگوئید: (عجب است، من فکر می کردم بدنه تا بسگرت فروش بر سید هنوز نصف نشده؟) با این شیوه و سگرت بخرید.

## گوشی که دو بار مفقود گردید

چندی پیش در گتیور سویس، گوش آقای مارتین پولیس شهر «نیک» در یک حادثه ترافیکی از سرشار جدا شده و گم شد، اورا به شفاخانه بردند و ما موران را برای گوش را از زیاله دان شفاخانه پیدا کردند و بر سر آقای مارتین پیدا شد و تحویل صاحب اصلی



گوشی که دو بار مفقود گردید.

# الفردوسی



# پرگزنه

اعتباری ندارد ... هادریک دنیای سر چیز  
زندگی داریم :

نویسنده: راینر ویرس

ترجم: نیرومند

دو پسر ب دو، پنج میشود، و سفید سیاه  
عشت - ازاد زیستن یک خصوصیت فیرمانانه  
بنصار میرود. حق باطل است. و ناقص حق  
است. رای، ماباید این بازی کثیف را  
بیاوریم - و ماباید سر انعام بدایم که  
چکونه این بازی را داده دهیم.  
رای در حالیکه ذعنیش نسبت به این طرز  
دید هن تازرا شده بود، خداخافلی کرد و  
من به او گفت: خوشحال هی شوم اگر بازهم  
زودتر ب دیدنم بیایی.

رای فویل موتر را به حرکت آورد و من  
بادست از عقبش تکان هیدام تا او دور شد.  
در هفته بعدی هیچ الفاقی رخ نداد - غیر  
از وقتی من به مقاوم خوا روبار فروشی.  
صاحب مقاوم از بیشتر میز بیرون آمد، از  
شانه ام محکم چیزی گفت: شنیده اید که  
عفت تن از جمعیت هیبی ها را به شفای خان  
 منتقل کرده اند. سه فرشان مرده و برای زندگی  
ماندن و بیجات بقیه شان هم چندان امیدی  
نیست.

من به شنیدن حرفیای مقاوم داردی چیزی  
گرفتم و برسیدم: اونها را جه شده بود؟  
مقابله دار خنده داد: پاسخ داد: پیدا کردن  
دلیل ناخوشی اینها مشکل بود. علت ناخوشی  
مقابله، نسبت النهاب چکر، خوددن ادویه  
مخدوه و قسم اعلقم عامل هرگ شان این  
بوده که غذای شانرا از آورده بودند.  
صاحب مقابله قدری متعدد شده اضافه نمود:  
بین خود مایه اند: داکتری که اونها را  
معاینه کرده، تمام سعی خودش را برای نجات  
آنها بعمل آورده است. اگرچه سال داکتر  
یکی از عین هیبی ها به دختر ۱۵ ساله داکتر  
از راه عنف وزور تجاوز کرده و معکسه آن  
جوان هیبی را نسبت آزاد نموده  
بود.

من یالعن ناراضی در جوابش گفتم:  
اینست قمت آزادی و دیموکراسی.  
رای فویل در حضوریک هلتی پس مجدد این  
دیدن من امداد اظهار داشت: من بس رای  
سینکوشه خود از خدمت بولیس تلاش کردم.  
و نه حال اینجا نمی بودم.

من از او برسیدم: ایندو موضوع دا جرا  
باشم من بیجی. خدمت در دستگاه بولیس  
را باید نزد من چه ارتباطیست؟

- هفته اخیر در صفحه یانزدهم روزنامه  
برتر از لاس انجلس تایمز خبر کوچکی در  
باره جمعیت هیبی های ساکن درین ناحیه  
وجود داشت. سه تن از آنها مرده و چهار تن  
دیگر قریب الموت بودند.

علت ناخوشی اونها علوم نبود... و تو  
بودی که به این جمعیت گثیف جیز های  
برای خوددن دادی!

دروباش گفت: بدون شک هزاره همچویه میکشند  
میکشند که من اینها را مسعود کرده ام؟

- همسایه های توین هیبی هارا که برای  
تکدی بیش خانه های شان رفته بودند از خود  
رانده و دیدم بودند که تویه او نیا یا کست  
بزرگی از خودنی بیانداهادی.

بچه در صفحه ۶۴

فاسله چند متری دی پنج تن دیگر از عیوبها  
ایستاده بودند و با اشاره دخترک بشیوه  
تهدید کننده بسوی من نزدیک شدند.

احساس کردم که چکونه رای خودش را  
کنار من رسانده است. گفت: من تفکر که دارم  
و تصور هیکن توهم تفکر که ات را تعویل  
نداده ای.

وقتی فویل حرف میزد آثار خشم و  
خشوت در صدایش محسوس بود.

به دنیا هر چیزی افهای داشت: باین  
میکروب ها، باین شبی ها بگو که از آنجا  
بروند.

آن دختر دوباره متوجه من شد با صدای  
بکنواخت گفت: شما مرد بیگناهی هستید، از  
بی اعتمایی شما به نظر اغماض من گلریم.  
اگر هر کسی بادیگران داشته خود را تقدیم  
میکرد، در آن صورت دوست و ملح باین دنیا  
برقرار می بود.

من به عطیخ رفته بیک پاکت کاغذی رای  
از قوتی های کنسرتو، کجالوگرده، قمه، بولیسا  
شورای یاکن و بک پارچه گوشت سرخ  
و چند دانه سبب آورده. هوقم که آنرا به دختر  
میدادم گفت: این تماش هست که عجالت  
دارم، اما دیگر به این جا رجه نکند من بک  
تفکر که دارم و خوب میفهمم که چکونه آنرا بکار  
اندازم.

آنها بدون اظهار کمترین قدردانی و تشرک  
زیر زبان هرود خودنی را ازهن گرفتند رای  
فویل اختراض کرد: رونالد، برای خدا اینجا  
کاری بود که کردی؟

من در جوابش گفت: دهانت را بیند بیره رد  
اگر اونها باید بدمست آوردن خدا و حصول خودنی  
بالای ما حمله میکردند و مجبور به فیر هیشیدم  
در آن صورت چه فکر میکنی گه برای ماجه درد  
سری فراهم میشد.

فویل پاسخ داد: هنگامه توهنج به عالمه مردم از  
عستی.

گفت: بدون شک هزاره همچویه میکشند  
و توکارت دا از دست هی دادی. علاوه بر  
قلب انسان دوست هارا نسبت به حرکت هان  
محکوم میکرد که بدرودی یک دسته هر دنیا که  
جز دری بدها کردن یک لقمه تان آزادی باما  
ترسانده بود نه، آتش نموده ایم.

فویل اظهار داشت: اه این میکروپها هیچ  
کس از نمی کشند و چکو نه ایازه  
می دهی ها حصل یک عمر گار و  
زحمت ترا این بار ازیت ها به مدت بخوردند؟

- تو خوب می بیم و هنین شما حتی قدرت فکر  
کردم که مردم مانند شما نمی فرمم که  
و این موضوع داهریک از افراد همراه و اعلی  
این سرزین بیانداز - امانلریه ها فعلا هیچ

## قانون چه شد

من را باید تقاعد میکردم، زیرا دیگر حوصله  
شنیدن کلماتی از قبل احمق، حیوان وحشی  
نمایبرم و امثال اینها نداشتم.

به این ترتیب ازهن، منی که در سایق  
کپتان آر براون بولیس بودم. اکنون یک  
آدم عادی بنام رونالد براون جور شده است.

من بسواری چیز خود را می پیمودم. من در  
سپرلاس انجلس راه می پیمودم. از

آنجا کلبه برای خود خریده بودم.

من اسیانیرا که به زن عزیزم مارگریست  
تعلق داشت نیز با خود در موتو حمل میکردم.

شخصی که کلبه صحرایی دا از اخربند  
بودم قیافه غم انگیزی بخود گرفت، و اظہار  
داشتند من این کلبه رامعوض بخطار گمون

عیین های که آظرت تیه و جو دارد میگوشم.

آقای براون ۳۰۰ نفر، گاهی ۵۰۰ نفر سران  
و دختران گردهم جمع میشوند و سروصدای  
ناراحتی های فراوان برای من فراهم میکنند.

اکثر اوقات آنها مخدرات استعمال میکنند.

اینها در میان کثیف و بیکاره هستند. در عین

حال بسیار بسیار خطرناک هم میباشند.

در جواب گفت: در حدود ۲۵ سال در  
خدمت بولیس چنانی بودم و عهمش با خود  
سلاح حمل کردم. دو تن از سارقین بالک  
را هم به قرب گلوه از پای درانداخته ام.

خلاصه من بامزه های ناسالم زیاد سروکار  
داشتم و عیانم که از خودم چکونه مرا فرست  
نمایم.

کلبه بخاری دیواری بزرگی برای افروختن  
آتش داشت. همچنان آرام چوکی های  
مستریخ در گنار بخاری گذاشته شده و کلبه  
با قالین فرش شده بود. هنوز کاملا در گلبه جا  
بجا نشده بودم که یکی از همسایه های  
سراغم آمد.

من قبلا هزار هانوونه از تیب اورا دیده  
بودم موهای دار، دش دار و لباس چرکن  
داشت.

بادین هن گفت: برادر، اسمم فرید است  
سپس دست خود را بلند کرده دو انگشت  
چنانچه پیداست، چنایتکاران و خانه  
امروز بش از هر وقتی نسبت به عالمه مردم از  
حقوق مدتها برخودارند.

به شما چه ارتباط دارد؟

قدای او از شنیدن این جواب تفسیر کرده  
آلار خشونت در آن بیدید آهد و اظهار داشت:

سعی کنید یک همسایه خوب باشید.

فردای آن روز از روی تیارکه بین گلبه  
هی هاوای خاصی را که گردهم جمع شده  
بودند، توسط دوربین تماشا کردم. پسر  
مطلوب دلیل خوشحال گشته: باور نمی  
ترزندگی داشتند. پنج دختر جوان باوهای  
زولیده و جرگین و در ایساپای یلوچین و هشت  
بسرجوان که اکثرشان بدون براهن وی ای

مردن کاپیتان بخاطرش آمد و مغزش با خیالات

ماریا به آهستگی گفت: من حالا بسیار دوست دارم واز اندازه که شوم برسد.

درحالیکه سرشن را مالش میدادازا تا قی

تو نکر میکنی افسانه است.

به اتاق میرفت و میگفت:

استراحت، استراحت، اگر من بتوانم

یک کمی خواب کنم میتوانم زندگی همان واز

دارای خوبی خوش حظ برم همه چیزها میخواهم

فراموش کنم همه چیز را بشنید که این شب

لعنی به یادان بررسد هاریا بطری اطاق

شوهرش دوید و جبهه ای که در آن دوای خواب

کاپیتان بود باز گردید و چشم ازان در گیلاس و بخت

واندازه دوای خواب به اندازه ای بود که هر

شب به کاپیتان میداد. آب در گیلاس ریخت

و پس از شور دادن آن راس مرشد و به لیسا

گفت.

جندساعتی میخواهم.

لینا من دیگر بیدار هانده نمی توامم.

وقتی که ماریا در بستر داخل میشد با خود

گفت.

حالا من به استراحت ضرورت دارم و بعد

از استراحت زندگی خوش بی سروصدای خواهم

دانست.

ماریا لحاف را روی سینه گردان و صورتش

که خیلی سفید و کمرنگ شده بود کشید و

با زانش و از پسرش گذاشت گیسوان مواع

و در ازش که مانند رشته ای ابریشم بود دوی

بالشت بین شده بود.

وقتی صبح ماریا را در بستر یافتند یعنی

حالی بود که شکننده خواب کرده بود

کوشش برای بیدار کردن ماریا بعای نویسید

ماریا به این بیانی بحسبتر رفته بود گفتند.

بعاند زندگی خوب و درازی داشته بیاند او

کوشش نموده بود که خواب کند البته برای

جندساعت نه برای اید.

شنبه سوم هرگز کاپیتان بود بیوه ای جوان

خیلی تنها بود سخنان میت معنی عمیق به

او داشت مخصوصا در حالی که ماریا بود او

احساس میکرد که بی جان روی زمین خواهد

الناد.

اوتوسط هر دوی که همه مصیبت و آلام دارد

بخاطر وی قبول نموده بود مسخره دانده و

محکوم شده بود هاریا با خود میگفت:

من ترانمی خواهم! بایوی که دارم چندین

شوجه که بهتر از تو اند میتوانم داشته باشم!

بایوی که دارم میتوانم برای خود یک مرد

طلایی بخرم!

این سخنان بود که ماریا میخواست بعد

از آنکه میت اورا ترک گفته بود از عقبش برایش

بگوید ولی در آنوقت صدایش بلند نشد اما

اکنون عین سخنان را خود بخود میگفت تا خود

راتسلی بدهد که دابرهائی بامیت خانمه

یافته است بالآخره کوشش گرد یک عدو بگوید

زندگی چقدر زیباست و بول هردم را چیزی

سعادتمند ساخته واو بالروتی که دارم چندین

خوبی بخترین زن روی زمین باشد! برای دقیقه

این تغیلات ویرا مسروط ساخت بعد فکر

و فانیکنی!

با صورت خشمگین میت گفت:

- آیا تو عبدت واتکه گردی و تومیدا استی که

که دیک بیسو ه می شوی و می دا نستی

چحوت، ماریا به آهستگی گرجه قلبش بسرعت

میزد گفت:

من میدانستم و دیدم که او میمیرد دور نه

خانمش نهشدم و میدانستم که تو میمیغواست

ذنت دولتمند باشد و این یگانه راهی بود که

من میتوانستم دولتمند شوی و این همه برای

بدست آوردن تو بودمیست.

میت باعصابیست گفت:

- تو قولت را قبل شگستندهای قبل از آنکه

برای بدنی آوردن فرزندت دور از چشم همه

به تائین رفته بودی شگستانده ای.

زن جوان درحالیکه صورتش دامی بوشاید

فریاد زد:

سیست!

درحالیکه میت زهر خنده بیلان داشت

ادامه داد.

- تو گمان میکنی همه گورند و همه احمداند؟

چرا هاباید درین باره سخن نزیم؟ من قاضی

نیستم و بگانه چیزی که من میخواستم بگویم

این است که تو اولین کسی بودی گه چندین

بار عهدت راشکستانی نهمن.

ماریا با صدای التماش آمیزی که حتی دل

ستگ را آب میگرد گفت:

- بس تو بایک دیگر عروسی میکنی ومرا

دور میگنی؟

میت باساده گی جواب داد:

- بیلی من باکس دیگر عروسی میکنم.

از: ادوارد دوبله مترجم - میر ناصر الدین انصاری

# قریب اندی پول

خانم اندرسن شهارا چی میشود؟

- ماریا باناله گفت:

- حالم خیلی بدست میخواهم به مسترس

استراحت کنم ولی لینا باید تو همایی من

بایی زیرا من به تهایی نمیتوانم استراحت

کنم لینا از راه بستش برد و خودش در پهلوی

ماریا روی بستر دراز گشید. ماریا تا صبح

تاب داشت ولی در اوایل صبح گمی خوابید

آن روز ماریا خود را گمی خوب احساس

مینمود شب باز دوباره تب داشت هدیان

میگفت و به اندازه قیمعت شده بود که گمان

میرفت او هفت ها است که میریض میباشد.

میت در روز دهن کاپیتان هم نیامد صبر ماریا

بایان رسید لیاس نو خود را پوشید سرشار

شانه زد و بطرف دهکده روان شد در میان

چنگل و درختان دور از همه رخسار های

خود را مایل نارنگی زرد گونه ها یش بزیگ

سرخ گردد نزدیک حوض آب سرو وضع خود را

در آب دید و بطرف خانه میت روان شد و دوقتیکه

ماریا از دروازه خانه داخل خویلی گردیده بیت

قد بلندرا دید که در بالجده خانه استاده است.

ماریا بطرف بالجده روان شد و در مقابله میت

که تباشد بود و دنگش سرخ شده بود استاد

عیچکدا م شان سلام و دروز بخیر بیگد یکسر

نگفتند. با چیزه گرفته درحالیکه دسته ای

شاخی گردیدست میت بود محکم گرفت بطرف

او تکاه گردید گفت:

از سفر مراجعت گردی؟

بلی من آمده ام.

- نیامدی گه ماریبینی؟

- چرا هی آمد؟

- غیت مقصدت چیست؟

میت تکرار نمود:

سدن چرا هی آمد؟

چشمان ماریا از صورت سودهیت بعده استش

زه کی بی اعتراف و کی په مستونی او رنخو  
سره گمکی (سین) خواب در کی .  
ورنخو شی نوبی دیوی سوالکری بودیغیر  
خیل خواهه وریه غور شوجه یه ذاریو ذاریو  
بی خیر غوست . (سین) په منع دخواشیت  
اوغم خیل راگلی لاس بی جیب ته کی اووهنه  
تملی خیروکر سر اوپشنو یه بی خیر خیز  
وکتل اویو لنه کی اسویلی یس وکیس او  
باله «یمن» سره روان شو .  
لبرک سوزی او داشتک په کی دریتیپری او  
دیدرخ شیپری خوری ...  
داتوله ناروته د او سخته ناروته ...  
پیا هم پریتیا ۱۱  
له پری دودی رایدیخواه زه دی ته  
متوجه شوی یم په کیه دی هیواد کنی هن  
خه تیرپری چه دنگ ویله . داشتک هفه  
پسمرغی گالی په سهاب ورته نشی گیدای ..  
اودا اولس دوره کریپری چه له اساتی (نم  
نه پورت خبره ده دلنه قول په فسادکسی  
دوب دی ... دلنه خلک دیجیوپشان په خوسما  
اویوکی سره غری اونوم یس هم ورته ایش  
دی ... دلنه دازوند بولی ۰۶ )

اویايد دوی نظام چاره مظلوم له هری نه  
لری کیو ... که هر خوبه چا ورته ویل د  
پلانی کلیوال زوی چه په پلانی خای کی کار  
کوی خلود ، پنهنه کوتی یی جویی کمکی دی او  
موتویی اخستی تی دبه به بنه نیت پنده او  
ویل بیهی چه :  
- پسانی چه زیار یی کنبلی وی پیسی نی  
سیمولی وی او او نتیجه یی داشوی وی چهفقوی  
دی «کوتی جویی کمکی او موتویی دی  
واخلي ... »  
خو وروسته لهدی چه (بیری) دخوی  
داستان اود خنانو له قیامت نه ددکوکروو  
پروکیس اویه حکومت کی (بیری) پشان د  
زرگونو خلکو د لالهاندی درامی نی اویدلی  
وی توشهه بهتل یه سوچ کی دوبوه ، هفه  
چه له خانه سره سوچونه کول کوهی نتیجه  
نه ترسینه او یندی کی شل درخی نوری هم  
ووتلی .  
هفه ورخ هازدیکر یی خلک ملکری ویس  
ملکری یی دیوت دوغیز ورسره وکی اوودهه  
یی وویل .

عنه سپه «سین» نه هیچ خوبه نهورانی .  
بریپی سپی پاروی له یوهانه او پستیله  
دی چه سترکی یی سره ورنسی او خو پیسی  
بوسی . یو وار دیوی سپیله له پاره خو پ  
ورغ خوبه همکی وخت کی یی و لید لید  
دیوی کروندی په منخ کی چه نوی خردی  
سپیله روان دی عره خوا په تیاره و په  
زحتم سر یی په خیل مخکی خه لید لی  
سول یوله ناخابه په سین کن کی یودد  
نکه اوهدو وکیزه انسانی ونه وینی چمپی  
نهی داولا پیزی او یوه اورد نور ور سره  
نه چسد وچی او پرله پسی خندا کوی  
له همدو کونه یی یو په چار خیزی او ده نه  
دایی .  
زه هم ههدی خبری اربان کمهی دم .  
زوچل کسات له تاسو نه واخلم )  
او ییاپی چسد هیخ نه نخیزی ... یوه له  
زیری اوو حشت نه دکه نخا ... (سین) په  
نوره ازونه می کی خپلی ستر کس موبیسی ا  
یا وینی چه همدا یو چسد خو اوپه سوچونو  
نوتی شوی دی ... له هری تو آن نه یی یو  
چسد جوی دی ... دتو لو په لاسونو کسی  
نورونه نی او عفنهه په چینو چینو سره  
دایی .

سعود خیل کسات اخلو ... په مون ظلم  
اویتیری شوی دی ... په زوند کی ز مو ب -  
نا موس برلن شوی ...

اویه زر ها و دغسی نوری چیغی .  
یو وار ، داسی احسان کره چه هما گه  
لومپنی چسد هفه ته دانزدی کیپری خپل  
وچ اوهدونو کیز لاس دهنے هری نه ورتن دی  
کوی هری یی گیکا یی او ییا چیغی و هن .  
(خنگه ده ؟ په مون هو چه ظلمونه اویتیری  
کول اوس نو ور نه تینک شی )

نژدی وه چه سا ه یی و خیزی خوناخایه  
یی چیغه کرده ... او په خیل خای کی کینا سست  
سر مله دی چه سخته و دو خه و او پیه  
کونه کی له بخاری نه تود تاو پور ته گیده  
خوهه په سرو خو لو کی لوند خشتشوی  
وهوی لیدل ج شا د خوانه یی (بیری و خمرک)  
وینه دی هیخ خبره هم ناده خو بیاعم و پیربله  
اویوی ناملو می و پیری د هفه یه رو ج کی  
خاله کری وه او (سین) شیه له همده و پیره  
سره سیا کره سبا ته همدا چه سین لنه  
خوبه پاخید سخت یی خوبه اوستومان وه .  
هفهید خیل عمر کی داسی نا کراوه شپهنه  
تیر گیری . هفه ته (بیری) کرا وونه او د  
هفه رنخونه یوازی د هفه خانگری که اوونه  
اور نخونه نشکا رد ل هفه له خان سره دا  
سوج گرمه چه دا در دونه او دازور او عمق  
نجونه دیو ولس او یو هلت نا یا یه دردونه  
اویعیسایه که داونه دی .  
او دندی تولو درد یو علاج او دارو در مل  
پیکار دی «خویدی تهیو هیده چه خنگه ؟  
سره له دی چه له (بیری) سره یی و غم  
وکر چهیده حکو هن خانکو که په رسه  
مندی وکری خو په خبره یی تسل نکیده  
هفه په دیرو نور دو سو چو نو گی د و ب  
شوي و ... اویدی کی هم دوه ور خی تیری  
شوي پهی دوه ورخو کی هفه یوه شپیه هم  
دیپری دخوانه گخوی دو زلکیدو او دیوی  
نامرادی گندی دیده یه داستان نشونه .  
هیرو لی اووهداشان هم یوه شیبه د هفهید  
نوتی خری دیوبن شوی کرونده یی کی د بی شمیره  
چسد و نو گوا یی له ذهن خفهنت هر  
شیبه له همده سو چو نو سره لکیا .

۵۰  
(سین) هسی په زوند کی دیر چرتونه له  
خانه سره وهل هفه پهی دیوی هنده چه دیچل  
چایری بال کنی یی یوه دله چیرچی کوی هوسا  
زوند لری او زوند تیله هرمه پسلو تامین  
شوندی ... اویوهده دلیلی بدمرغی ساونایوه  
تیری دخپری خوری . او هیخ داسی شای  
هم نشته چهدا دله له هفه خخه پوشته وکری  
چه مون خنگه اونور خنگه خوره وار به چه  
به یی تختاوه نوبه یی خانته دام ورگاهه  
داخبری ساده دی ، دلنه حکومت دی ، دلنه  
داپویشته دهنے ذهن ته رالله اودجهه احسان  
عدالتی ، دلنه معکنه ده او داسی نور ....

دایکسیه چه سره همده گنی خخه یس خپریدل پیل کیری ، دزایه نظام دنگیدواو  
دیوه نوی دوران دجوپیدو نیم دون تصویری ، عفوولس تدچه لموخیرستانه هینی سره دنگی  
کیری چه نن سپایی دویار او انتخابیر تیمه جنده دسیری او ریپری ، او ییا هم هفه  
ولس ته ویاندی کیری چه دانقلاب مشر اوسر غنولی یی دزوند او برسیو نوو نوو  
الفونو نه لارتبونه کوی ، او بالآخر دجمبوری انقلاب مشر ته ویاندی کیری ، هفه چانه چه  
دهیلو سپین گلان یی نهوند دولس یه نیه کی وکیل .  
الف الف  
یادونه: یندی کسی کی تولی سختی او نومونه دلیکوال دخیال محصول دی .

دوزخ گرخیس اوما وناته هم زعیم دعمسکری  
دوزخ گرخیس اوما وناته هم زعیم دعمسکری  
داغلی او غمجن چایریال .  
او (پیمن) بیا وویل .  
- (دلنه) کمروزد یه درنایی او سرمه چه  
نوتاوس ورایه چه موریو نه خورینه .  
موریو نوی دی اوکی نه سوژو ۰۹ )  
(سین) دلمری خل لیاره خوله پر آستله:  
- (داوضمه به زغمونو چاره شه ده )  
او (پیمن) ورته وویل :

- (دلنه) پاره دنگه دنگه هه کوه (سین) ...  
زه من چوی ... آخر ما خو درنه وویل .  
دهنه سوگند په اخاطر چه هادیری لیک دانسته  
په خورخ کری وه جهودن ته به خدمت کو او همه  
به ساتوارا شه او زملاس و قیسه ... دالاس  
دملکریا به تو دخن کیکاره ... دالاس چه  
دیهاد اول خلکردن خورلوباره ستاد قول استنلر  
نه در اور دشونی و قیسه اور دهه بی مه !  
(سین) دستگو به یوه دب کسی بیا  
کوتی یه دیوال بادی خیل عسکری خولی  
اویری لیک ته وکتل دستگو به دب کسی د  
(بیری) دشونی مرگزه دیوی کسیه وریاده شو ...  
-



# مِنْدِي بَانَفَابِ

راى باصدای لرزانی پرسید:  
پسرم، آیا من بخشی؟ من چاره ای  
جزاین نداشتم. اگر تن به این شغل  
نمی دادم از گروستنگی هلاک میشدم.  
چون فارغ التحصیل طب هستم،  
اجرای این کار وحشت انگیز  
نیود. من در تلاش هر کاری بر آمدم  
تا از طریق آبرومندی زندگی کنم.  
اما موفق نشدم و سر انجام این شغل  
را پذیرفتم. لیکن در تمام دوره کارم  
از هردم هراس داشتم که نشود مرا  
با انگشت شان نشان داده بگویند:  
بیینید چنان پنت جلا د بالای  
وظیفه اش می رود!  
راى متعجبانه پرسید: جlad؟ تو  
آنچه هست؟

پیرمرد باسر اشاره می کرد .  
ازبیرون اتاق صدای مدیر زندان  
شنبیده شدکه میگفت : بن، بیرون  
بیآید .

قول شرف میدهم که تا فردا اجرای حکم اعدام را ملتوی بگذارم . من نمی‌توانم دیرتر اینجا بمانم .  
جان بنت نگاهی به رسمنان بریده انداخته پاسخ داد : حکم اعدام را نمی‌توانید امروز عملی سازید .  
زیرا نظریه مقررات که می‌کوید برای اجرای حکم اعدام باید رسمنان دار گره تغورده باشد و یک پارچه باشد .  
و حال تاریخین رسمنان جدید از طرف شعبه پولیس چنان بی حکم اعدام بخودی خود ملتوی شده است .  
تمام لوازم اعدام حتی یک پارچه تباشیر که در محل ایستاد شدن محکوم یک ت توسط آن رسم می‌شود ، از بین رفته و باید از زندان یو لیس مرکزی فرستاده شود .  
جان بنت قفلک دروازه را باز کرده .

از اتاق بیرون رفت .  
صورت اشخاص حاضر در زندان  
مثل مرده سفید شده بود .  
دکتر زندان سخت دچار بحران  
روحی شده، مامور نظمه محل به  
زمین نشسته دستها را جلو صورتش  
گرفته بود .  
مدیر زندان اظهار داشت : من  
موضوع راتلگرافی به لندن خبر  
میدهم . بن من شمارا نسبت به  
کاری که کرده اید، نفرین نمی کنم .  
بن پیش آمد بالاتر از تصور هر کس  
نهانده :

تاینچای داستان :

گنتر مامور لایق بولیس به تعقیب سازمان بقه‌ها زندگی اش را از کف داد.  
لک معاون کمیسر پو لیس به تشویق دیک گاردن به تعقیب هایتلند پیر که هر دهر هوزی است می‌پراید. رای بنت جوان که نزد هایتلند کار می‌کند، به‌آخر تشویق لولا با نواپارتمان لوکس به کرايه گرفته می‌خواهد به خدمت خود نزد هایتلند پیر خاتمه دهد و تلاش خواهش برای ادامه کار اونزد هایتلند به کدا متنیجه نمی‌رسد و او را ترک می‌کند.  
دیک از طرف وزارت خارجه انگلیس مامور حفاظت یک سند می‌شود. اما سند از سيف هنzel لارد فار می‌لی بطرز اسرار آمیزی به سر فت می‌رود با تحقیقات پو لیس هاگن هدیر کلب هیرون گرفتار می‌شود. اما هاگن بطرز عجیبی فرار می‌کند و اکنون بولیس به آخر اشتباهی که دارد بکس هایی را که مرا جعین در شبعت حفظیه استیشن های ریل به اهانت می‌سپرند در دفتر هر کثری تفتیش مینماید. در اثنای تفتیش بمی در دفتر پو لیس منافق می‌شود و اینکه بقیه داستان.

پدر و فرزند، جلادو محکوم مقابل شهادیو اه شده اید آقای مدیر،  
مدیگر قرار گرفته بودند. با  
نمایی که به زحمت شنیده شد،  
آن بنت توانست نام پسرش را به  
بان آورد؛ رای؛ رای پسر اشاره  
کرد. در همین لحظه رای علت  
سافرت های آنی و مشکوک پدرش  
بی برد. رای فکر مینمود که اگر  
ملاز شغل پدرش آگاه میشد تاچه  
بدودی نسبت به او پدرش نفرت  
میگرد.

جان بنت جلادیک مرتبه دیگر  
صدای لوزان و بسیار آهسته نام  
عکوم را به زبان آورد: رای!  
- شما این مردرا می شناسید؟  
این صدای مدیر زندان بود که  
آن بنت از پشت سررش شنید و  
را عقب گرد کرد.  
پسرش را از دروازه باز بشدت به  
طرف اتاق اعدام به پیش رانده،  
خودش نیز بدنبال اووارد اتاق شده  
دروازه را از داخل بست رای رسمنان  
زردی را دید که (زیست) آویز ان  
بود. ضمناً متوجه دریچه زیر پایش  
شد. رای چشمها را بسته روی شرابه  
طرف دیوار برگرداند.

جان بنت ریسمان دار را قطع  
کرد. با تبر ریسمان را از چندین جا  
بریده به روی زمین انداخت. صدا  
هایی برخاست و دریچه زیر ریسمان  
بازشده توته های ریسمان بداخل  
دخته سرازیر گردید. رای بی اختیار  
آن جریان راتماشا میگرد. وقتی  
کوبه دروازه بصدای درآمد، پیر مرد  
بطرف پرسش آمده، صورتش را  
میان هردو دست خود گرفته او را  
و فرزندم را بدلست خودداریز نم؟

زیرا میدانست که این خوبی موقتی  
زود گذریده، ضمناً وقتی بازو به  
بازوی کشیش انداخته در صحن  
حویلی قدم گذاشت، حدس زد که  
چرانسبت به او اینهمه ارفاق بعمل  
می آید.

افراد زندان مقدمات اجرای حکم را فراهم می‌ساختند و دریک اتفاق مخصوص ترتیبات دار زدن را می‌گرفتند. نیم ساعت بعد مجدد او را از سلولش برگردانند.

— آیا نمی خواهید اعتراضی کنید .  
آقای کارتر ! شما نصیحت ووصیتی  
دارید؟ نمیدانم اسم شما واقعا کارتر  
است یاچیز دیگری ؟

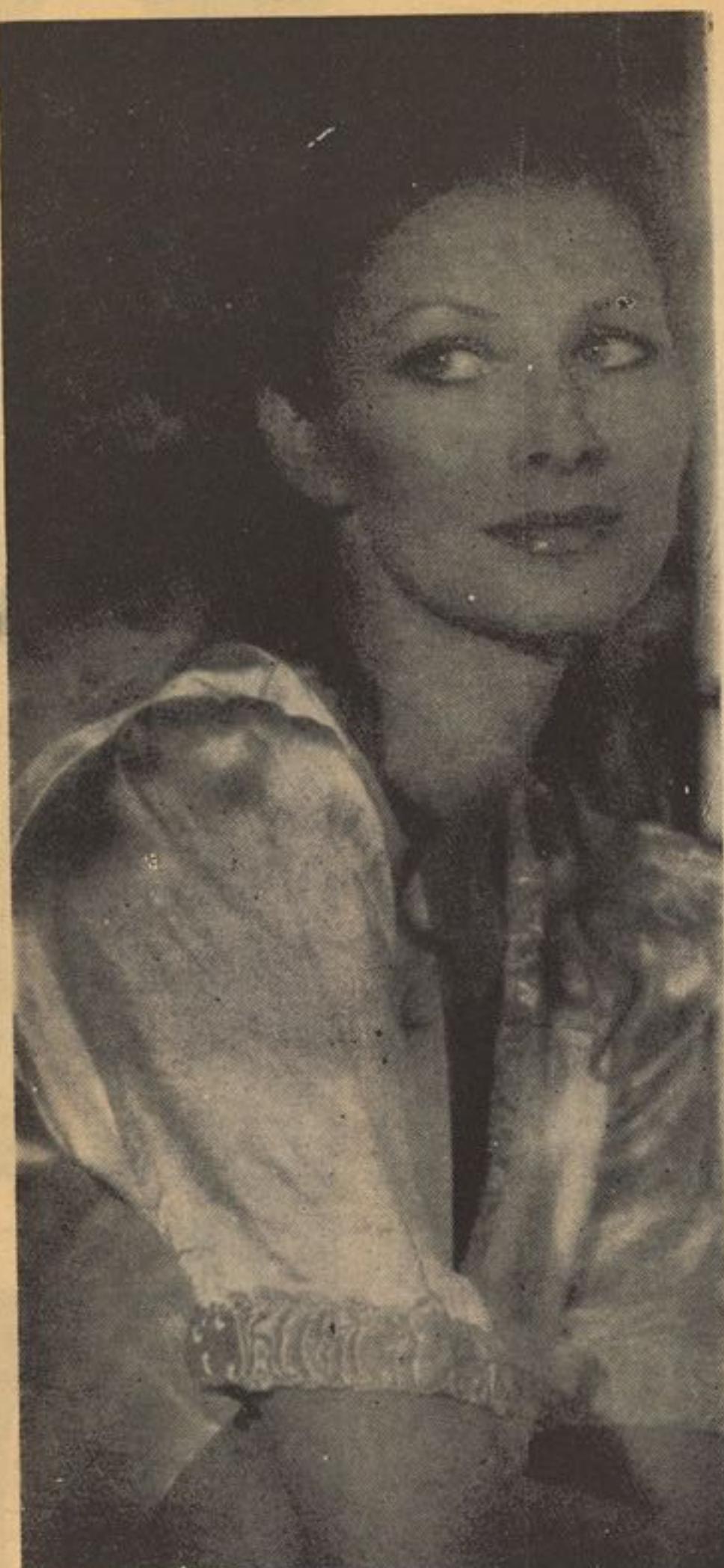
دیگر است . مگر به موضوع هیچ  
صدعه تمن زند اگر اسم اصلی من  
هم نباشد .

— شما آن مرد را کشته اید؟  
رای پاسخ داد: اینرا نمی‌دانم  
چون میخواستم اورا بکشم، بنابراین  
امکان دارد چنین عملی از من سرزده  
باشد.

ده دقیقه کم هشت مدیر زندان  
ومامور نظمه محل وارد سلول رای  
شدند قاباً اودست بدھند . عقربه  
های ساعت داخل زندان به کنندی  
حرکت میگرد . اما این حرکت به جلو  
بود و امکانی برای توقف نداشت .

رای از لای دروازه نیم باز سلسله  
می توانست ساعت را ببیند . مدیر  
زندان که متوجه موضوع شده بود ،  
بامیرانی دروازه را بست . زیرا  
هنوز یک دقیقه به هشت مانده بود  
دروازه میباشیست مجدداً باز میشود .  
رای دید که چگونه قفلک دروازه از  
بیرون چرخانده شد . برای یک لحظه

تعادل را از کف داد. رای رویش  
برگرداند تا مردی را که هم اکنون  
وازدستلوں زندان میشید، نبیند.  
احساس نمودکه دستهایش را در  
پشت سرش بستند.  
یک نفر پشت سر رای غم غم کرد:  
خداوند مرا ببخشد، خداوند مرا  
ببخشد رای باشندیدن آن صدا به  
سرعت برگشته، بصورت جلاددخود  
نظر انداخت.  
جلادجان بنت پدرش بود.



- پدر توجه وقت از موضوع باخبر - بله امروز صبح .

بنظر ایلا بسیار طبیعی آمد که  
جان بنت به آرامی یاسنخ داد: امروز پدرش او را امروز صبح دیده باشد  
و علاوه‌تا بهیچوجه ایلا به این موضوع صبح.

ایلا پرسید: درک موضوع برای تو نیاند یشید که چطور برای پدرش ملاقات رای از پشت دیوار های بلند دهشتناک نبود؟  
جان باسر حرف دخترش را تائید وغیر قابل نفوذ زندان میسر شد؟

کرد . و اظهار داشت : جانسون می خواهد رای رایه حیث آمر شرکت نکنم که رای پیشنهاد جانسون را بین زیرذ تعدادیه مایتلند مقرر سازد . این کار تا جاییکه من او را می شناسم رای

بزرگیست برای رای . پسر ما اکنون یقیناً این کاررا نخواهد کرد . غالباً بسیار تغییر کرده است . کارآماده لقمه آماده را نمیخواهد مایل

ایلا باشتاپ پرسید: تو اورا است خودش تباو؛ کندايلا او دوباره  
بقیه در صفحه ۶۳ زیدی؟

٤٣ صفحه

میباشد که شما راضی به اجرای برگشته بود . آن باشید . در همین لحظه یک دربان **ایلا پرسید** : ساعت چند است ؟ شتابان در هرروی پیدا شده به مدیر زن پرستار یا گیلاس آبی که در زندان نزدیک شد . از عقبش یک نفر دست داشت کنار بستر **ایلا آمده** پای لج که هویتش ارزیز کرد و خالک گیلاس را به او داد و ایلا با عطش معلوم نبود و چندین جای خراش به زیاد آن را نوشید .

صورتش پیدا یود. نیز از دنبال پس از آن پرستار جواب داد:  
محافظه لنک لنگان خودش را به مدیر ساعت ۷ است.

زندان رساند. چشمهاي آن مرد ايلا در حال يكه از شتنيدين جوا ب از شدت خستگي زياد ورم كرده پرستار بي اراده تکان خورد باشتاپ يود. برای يك دقيقه جان بنت او را وعجله مجددا سوال کرد: گفتيد نشناخت. هفت؟

دیک گاردون درحالیکه نمیتوانست ایلا فریادی از روی وحشت کشیده اضافه ازین روی پاها یش بیایستد گفت: شام شده است . بنن بگوید اظهار داشت، امرالتوای حکم اعدام چه واقع شده ؟ رابه امضا ملکه آورده ام . پدر شما در یرستار پاسخ داد: پدر شما در

پس ورقه کاغذ خون آلود را به پائین است ماد موازل من او را صنایع طرف مدیر زندان دراز کرد . هیز نم و خبر میدهم که شما از خواب در طول تمام روز ایلافت نیمه بر خاسته اید .

بیدار به روی بستر افتیده گاهی  
پینکی میرفت ولی زود تکان خورده  
از خواب می‌جست . ایلا پسانتر بیاد  
آورد که یک بارد اکثر آمده بعده اثر  
التماس الک مشرو بی را که برایش  
آوردند سر کشیده بود . اگر  
چه همان لحظه متوجه آن شد گفته  
مشرو بی می‌توانست باشد .

معهداً باوصاف مقاومتی که براي  
وشيدين آن از خود نشان داد سر  
نجام به تقا خای داکتر والتعاس  
لک تقدیر داد و آنمشر وب شب هانند

سر کشید. «یلا میدانست که  
ز یسن هیجان و جدال روحی حتی  
عقل و مستجسس صحیح را از دست  
داده واژ حال رفته بود.

ر پستری افتیده است و کسی - اوه چرا؟ من حقیقت را بشما روشنگاری نمایم.

موها یش را باز کرده بود. او بسیار ایلا متوجه شد که خانم پرستار و تها یش را از پاهایش در آورد و گفت: «ام».

مشکل توانست چشمها یش را پوزخند میزند .  
از کند و دید که یک خانم در گستار خانم پرستار از اتاق بیرون رفته  
باکن : نشسته کنار خانم را نگاه کنید که از اینجا خود را بگیرد .

ایلا نا خود ذمہ کو دیک گئیست: اگنیشیت  
ملکین نصسته کتاب میخواند. آتا ق دیری نکدشت لهجان بنت وارداتا<sup>ش</sup>  
حتمالاً متعلق به یک مرد بود زیرا شد. ایلا خودش را در آغوش او  
زی سکرت میداد.

ست . آن خانم کتاب را گذاشته از پدر حقیقت دارد ؟ پدر واقعاً ناشی استاد است .

ایلا متعجبانه نگاهی به آن زن بنت در جواش گفت: بل، حکیم ایس ایستاد.

فکند. چرا آن زن کلاه سفیدی پروری گوشة من حقیقت دارد. تا فردا رای داد

روهایش پوشیده و بالا پوش آبی با کمه های سفید به تن کرده بود آنچه فورمالیته هایی انجام نشده که باید انجام شود. برای آنها مشکل بود که اینجا اورا او رها میگردند. طور یکه بیان میکردند، اینجا خواهد بود. هنوز بعضی اینجا اورا او رها میگردند. طور یکه

ایست ویه خوابش بود .  
ایلا بار دیگر از عالم بیخبری چشم میسر نبود . ماعم اکنون در باره شود و خانم پرستار هنوز آنجا بود . آینده اش صحبت میکردیم . آخ دخترک بن بار حواس ایلا کاملا سر جایش بیچاره ام .

# در جستجوی داستان قلم

اینجانب محمد اشرف «بیات»  
میخواهم با برادران و خواهران که  
در قسمت ادبیات و علوم اجتماعی  
معلومات داشته باشند.  
مکاتبه نمایم.

آدرس - مزار شریف - نورآرت  
محمد اشرف بیات

بنده عبدالحید میخواهم درباره  
مسایل تختنیکی مخصوص صبا تختنیک  
موتو معلوم مات داشته باشم.  
کسانیکه در این قسمت میتوانند  
مرا کمک کنند لطفاً به این آدرس  
مکاتبه نمایند.

آدرس - عبدالحید متعلم صنف  
یازدهم لیسه تختنیک

مایل به مکاتبه با برادران و  
خواهران خویش که با مطالعه  
علاوه‌مند باشند و مخصوص صبا با  
کتابها اعلمی دلچسپی داشته  
باشند دارم. لطفاً به این آدرس  
مکاتبه نمایند.  
نادره متعلم صنف نهم عایشه  
درانی.

آزوی مکاتبه را با کسانیکه  
به موسیقی و شعر علاقه داشته  
و درین قسمت معلومات کافی  
داشته باشند میخواهم مکاتبه کنم.  
آدرس - محمد فرید محصل  
یوهنگی ادبیات.

میخواهم در باره صنعت کاغذ  
و چاپ معلوم مات داشته باشم  
آنها نیکه درین قسمت معلوم مات  
دارند لطفاً به آدرس ذیل مکاتبه  
نمایند.  
آدرس - کابل - لیسه محمود  
طرزی - محمد وحید متعلم صنف  
هشتم.

اینجانب خواهان مکاتبه با  
کسانیکه به آرت و مجسمه سازی  
علاوه‌مند استند و در باره آرت جدید  
معلومات تازه دارند میخواهم  
مکاتبه کنم.  
آدرس - عبدالفتاح متعلم صنف  
نهم لیسه نادریه.

روان‌شناسی جوانان

## هسترو یا



این بیماری نیز یک نوع عکس انکشیت نما می‌سازد. العمل است در مقابل مشکل آنچه پنهان و مخفی است همانا هیجان که راه حلی نداشته باشد. علت وانگیزه هائیست که برا فروختگی را به میان می‌آورد.

نوریستنا و هسترو یا در خود طور مثال دختری به مریضی شخص است در شرایط و کوایف هسترو یا دچار بوده اگر معلم دختری خارجی که موجبات آنرا فراهم را اندک تو بیخ میکند.

دختر بیک انفلونزا شدید گریه عکس العمل میدهد یا اینکه کدام صesse از بدنش فلج میگردد شاید سطحی گمان شود که همان تو بیخ نموده و آرزوی مجادله از وی سلب شده یک نوع شخصیت منفی را اختیار میکند. بر عکس کسیکه به هسترو یا گرفتار است بایترو وفعال میباشد ولی خویشتن را کنترول

نتوانسته بیرون گرایمی باشد و است نشست کرده و مشکل نمی‌خواهد خویشتن را قریبان موقتاً پنهان مانده و به مجرد توبیخ مشکلات سازد ولی که نا هنجاریش معلم مثل سیلاب جریان یافته کردار هسترو یا همیشه بصورت ویرا به تباهی بکشاند.

جوا نانیکه هسترو یک باشند سطحی مخفی می‌ماند و باشد عکس العمل این عقده میتر کد هیجانی شان بزودی ایشا نرا وحملات این مرض شروع میگردد.

دخترو هنر و مدد

# کلید نجات از تنہائی !

گذشته از این سعی کنید مردم را قبول  
دانسته و میراث شنای باشید و توجه داشته با  
باشید که هر یک از گسانیکهه مایا ایشان در تماس  
هر یک از گسانیکدشما با ایشان در تماس  
ستند در خانوادهای غیر از خانوادهشما بزرگ  
ده تر بیست خاص یافته است ، وی  
زندگی بوای خود آد مانها و آرزو های  
آرد و همچنین معتقداتی که شاید همکا ملا  
سلع معتقدات شما باشند . در جوهر یک از این مردم  
یب های است همانطور که مفاهی ممتاز هم  
ارند . نباید فقط به عیب های وجه کرد و یا  
سفات ممتاز را در نظر گرفت . دیگران هم  
مثل شما از نقاط ضعف بر کنار نیستند . این  
مردابه عنوان یک واقعیت پیدا نماید و اسرار  
اشته باشید و با آنها معاشرت شما محل بی خار  
اشید . مردم را با عیب های که دارند قبول  
داشته باشید و با آنها معاشرت و درستی کنید .  
دروستی خود را توقعات خود بگاهید و بر  
جیب خود افزود نماید . الیه محبت بجا و  
رسست ... مخصوصا سعی کنید ویاد یگیرید  
که چگونه خود را تشنان بدھید . مردم وقتی  
نه « دارند به تسکین و همدردی شما نیاز دارند  
ما از نظر اینکه شما تجربه زیادی در درستی  
دارید ممکنست در فتار قان اشتباه کنید .  
زاشتباهات خود نترسید زیرا مردم زود تر  
زان چشمها تصور میکنند ، اشتباهات شمارا

بیخشد و باز هم شما فرصت های برای جبران  
فتار تان میدهید. این فرصت هارا از دست  
دهید، بلکه با تعلم وجود آنها استفاده کنید.  
نکه مهم دیگر اینست که فراموش نکنید.

اید دورابطه خودبا مردم صادق باشید البت  
راقب باشید که کسی از صداقت شما سوء  
ستاده نکند. بنا بران دقت گنید صدا قدر  
با سیاست پیش ببرید، به مردم دروغ تکوین  
پیش همه کس دروازه دلتان و اباز نکنید  
معنی گنید تاحدو دی هم یک زندگی خصوصی  
راخ خودتان داشته باشد. هیچ لزومی ندارد  
که همه مردم به تمام جزئیات زندگی تان بی  
ببورند. زندگی شخصی شما از خود شهامت  
ها غافور که زندگی خصوصی دیگران متعلق به  
خودشان است و تاوقتی از شما کسی نظر نه  
خواسته باشد ابواز نظر نکنید بدین ترتیب  
حترام خودتان را محفوظ نگهید از این مردم  
همیشه از شما به یاد دوست باشخوبیت یاد  
بگذند.

نکته دیگری که به خصوص در عصر حاضر  
عهمت زیادی دارد اینست که خود را مقید به  
یک طبقه اجتماعی خود نکنید. کمی هم به اطراف  
خود نقل اندازی داشته باشان می بینید که دنیا

بزرگتر از آنست که شما تصور نمیکردید. بسا  
افراد همسن خود بدون توجه به آن گهدار گدام  
موقعت است معاشرت کنید و اینکار اذشان  
شمایم نمی کند. اگر از هر دوست تجربه ها  
آنقدر بخوبی این تجربه را تحدید نماید

راه آینده شهار روش میکند. اگر تاوقتی که جوان هستید از موقعیت های خوب معاشرت های خود استفاده نکنید، فردا که به سن بزرگترین میگذارد یک مرتبه متوجه هیشود که قدر تبا هستید و این تبا الی تاچه حدود دارد دعنه است.

گافیست که یک قدم برای دوستی با مردم  
بردارید، آن‌ها دو قدم به طرف شما می‌اید  
اگر به تکات توجه کنید و از آن‌ها استفاده کنید  
محبوب همگان خواهید بود و این هم خیلس  
لذت بخش است.

از آن به بعد هیچ کوشش برای برقراری مجدد  
بطه دوستانه با مردم انجام نمیداشتند کم کم کار  
جای میرسد که احساس میکنند خیلی زیاد  
مردم فاصله گرفته و دور شده اند و دیگر  
در نیستند خود را در میان مردم بینند و جزء  
با بشمار آورند، آن ها را دوست بدارند  
در غم هاوشاوی های شان شریک باشند  
راین زمان است که احساس تنهائی بروجود  
ایه هم افگند و آن را دیر میگیرد و کم کم  
سیر شان میکند، «ظلمینم عده زیاد از نوجوانان  
بهاین وضع دچار شده اند حرف هر دوک  
میکنند و واقعاً دلشان میخواهند از اسارت و  
نهایت بیرون بیایند، یه همیان مردم بروند  
راستی با مردم زندگی کنند. اگر شما هم از  
من دسته هستید یا اینکه هنوز تجربه ندارید  
نمی خواهید با مردم رابطه ایجاد کنید. چه

ایجاد رابطه متقابل بادیگران یکی از مهمترین  
ضوئات است که برای هر جوانی مطرح است  
بروز دیگر نمیتوان در طبقه بنده سنی تبا  
گروه، خردسال و بزرگ سال و اعنة خود گردد  
که گروه دیگر هم خود به خود درین دوسته  
ردسال و بزرگ سال چامگیرد که از آن  
جوانان و جوانان نامیده.  
تعداد جوانان در عصر حاضر رقم غنیمی از  
میعت دنیا را تشکیل میدهند و بدون تردید  
مع و موقیت آنها، علائق و دلیل‌گشایی های  
آن، بیزان کوشش و فعالیت‌های فردی و جمیعی  
ها، تا حدود زیاد در وضع عمومی جامعه مؤثر  
ست.

اما برقراری رابطه بادیگران برای نوجوان  
ه تاحدی پیش بچه محسوب میشد و کسی او  
اه بازی نمی گرفت خود مشکلی است ...

اسمهش میتوش متعلم حستف نیهم

لیسه زرغونه است.

او دختری است کم حرف  
و هنرمند . هنر را برای هنر  
دوست دارد به رسامی و خطاطی  
علاقه زیاد داشته و یکانه مشوق  
خویش را در خطاطی برا در شن  
دانسته میگوید :

در اثر تشویق برادرم واستعداد خودم در خطاطی توانسته ام که این هنر را تا اندازه بیا موزم . چون در جریده های مکتب کار میکردم واکترآ امور خطاطی آنرا به من می سپردند از همین سبب آهسته آهسته به این هنر علاقه بیشتر گرفتم و در اثر تشویق دوستان توانستم به شکلی خطاطی کنم که رضایت او لیای امور مکتب و دوستداران این هنر را فرا هم کنم و این باعث شد که من بیشتر کار کنم .

او عقیده دارد که یک دختر اولتر از همه باید دارای اخلاق حمیله و پشتکار داشته تا در زندگی موفق باشد . در پهلوی هنر ، هنری که باید باید از امور منزل و آنچه که به خانه و زندگی هربو ط میشود مطلع بوده و دختر امروز ناگزیر است که به این امور آشنایی کامل داشته باشد :



قسمتی عقليه مشكّل ازان جاناني هيشود که  
جوان که ميغواهد به طرز فعالتری با هردم  
هماس برقرار کند واقعاً بی تجربه است.  
نتوز بدرستی هردم رانه شناسد، بعروایات  
خصوصيات آنها گه کاملاً از فردی به فردی  
تفاوت است آنها نیستند و مهم تراز همه نمی  
انند در مقابل رفتار که از هردم میبینند چه  
کس العمل نشان بددهد گه به چاباشد و در  
نقطه و تثیت شخصیت او نزد هردم موافقمد  
اقع شود.

متاسفانه عده از توجوanon که به علت همین  
الاثنانی هادر ایجاد رابطه با هردم تا حدود  
نیکست میخورند و به اصطلاح احسان هیکند  
نه هردم آنرا قبول ندارند، غمگین و ناامید هیشوند



# ورزش

## قیم‌های ورزشی مابه شور وی مسافرت کردند

بناغلی عبدالقیوم چنین معرفتی کرد: بناغلی عبدالقیوم علم روی به حیث رئیس هیات.

### اعضای تیم منتخبه والیبال:

بناغلی عبدالقدیر محصل پوهنتون ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل. بنای اعلیٰ عبدالله نوابی محصل پوهنتون ادبیات و علوم پسری پوهنتون کابل.

بناغلی محمد انور محصل پوهنتون طب پوهنتون کابل، بناغلی محمد هاشم محصل پوهنتون طب پوهنتون کابل. دوکتور شیر احمد کتر در حفظ - الصحوه معارف.

بناغلی آدم خان محصل حر بی پوهنتون.

بناغلی باز محمد محصل حر بی پوهنتون.

بنای اعلیٰ محمد نعیم خوب مند محصل کورس احتیاط.

بنای اعلیٰ محمد عارف مامور در د افغا نستان یانک.

بناغلی محمد ایوب معلم در ریاست دپارتمان پولنه.

بناغلی رحمت الله متعلم در یکی از مکاتب مرکز.

بناغلی تجلی کار گر در تفحصات پترول.

بناغلی عبدالحکیم افراد در قطعه ۴۴۴ کماندو.

اعضای تیم ملی باسکتبال: بناغلی محمد اسماعیل ترینر یم

بناغلی نذیر احمد محصل پوهنتون

بناغلی محمد نعیم مامور وزارت

باقیه در صفحه ۹۴

فرخنده یکه نظام جوان ما رویکار آمد توجه بسوی بهتر شدن زندگی

مردم افغانستان و مسایل مربوطه آن

آنهم در رشته های بخصوص صنعت

مبتدل شدوبه المپیک که در راس

همه ورزش ها قرار داشته ولی

متاسفاً نه در گذشته جزء نام ازان

چیز دگری موجود نبوده یکباره رنگ

ورونق خاص گرفت نظر به توجه

نظام جدید اکنون ورزشکاران را

تشویق و پوهنتونی مامور د، ایده اساس

برو گرامهای نخست تیم های ملی

تامیس و تحت تربیه قرار داده شد

وبرای او لین بار تیم های مذکور

بخاطر بهتر شدن تکنیک و تخفیف

خارج اعزام گردید.

این اقدام نیک ریاست المپیک را

به نظر قدر تکریسته و موافقیت

همه ورزشکاران را خواستا زیم

امیدواریم ورزشکاران را

ما نیز مشغلو لیست

علی خوش را در نظر داشته باشند

صورت گر فتن همچو سفر

ها به تجارب ورزشکاران را افزوده

و تناقض مثبتی برای شان بازخواهد

آورد.

اینک بخاطر آشنایی بیشتر علاقه مندان ورزش با اعضای تیم درجه یک که اسمای شان از در ذیل مینویسیم به خوانند گان محترم خوش و عده میشند که در وقت

مرا جمعت آنها مصاحبه مفصلی

گزار شات سفر شان تهیه و در همین

صفحه به مطالعه شان حوت هم رسانید.

### اعضای تیم:

یک منبع ریاست او لمپیک دولت

جمهوری افغانستان اسمای ورزش

کارانی را که در تیم ملی والیبال

حصه گز فتند.

نمی کرد تنها چند ساعتی صورت می از

حرکت اخیر ریاست المپیک مبنی بر گرفت.

سفر تیم فوتبال بخارج در یمن خبر

دیگری داریم از سفر ورزشکاران خود

به اتحاد جماهر شوروی که هم مایه خوشی حلقه های ورزشی شده و هم

برای بهتر شدن ورزش د، آینده بله همه نوید میدهد ما را بخود جلب

کرد، این خبر که از چند جانب مایه دلگرمی ورزشکاران شده یکی هم

آنست که دگر نمر زحمات یک

ورزشکار به تاق نسیان گذاشت

نخواهد شد نه تنها آنها در تیم های درجه یک قبول میگردند بلکه در

برورش استعداد آنها مساعی بخرج داده خواهد شد.

به همه معلوم است که مسافت

ها و دیگر بازدید های ورزشی در امر

بهتر شدن ورزش رول بسرا نی

دارد بدینختانه در گذشته به این اصل

عمده توجه ای تیشدواکنرا دعوت

نامه هائی که به ریاست المپیک

یکدیگر یلد نبوده و سیستم عمل را

در میدان باهم نمی دانستند.

به هر صورت از نخستین روز



اعضای تیم با سکتبال هنگام عزیمت جانب اتحاد شوروی با

بناغلی اعتمادی سر پرست المپیک دیده میشوند.

# در جام جهانی اخیر ۹۷ گول به ثمر رسید

در انگلستان در سال ۱۹۶۶ به ثمر رسید که او سط نمرات آن به ۳۲ مسابقه ۸۹ گول به ثمر رسید که او سط گول در فی مسابقه ۷۸ بود. به این اساس از اولین مسابقات جام جهانی فوتبال تا امروز که ۴۴ سال از آن میگذرد مجموعاً در جام اوسط نمرات در فی مسابقه به ۲۹۶۴ گول به ثمر رسید که در ۱۹۷۴ به ۹۵۴ گول در ۲۷۱ مسابقه می‌شد. در جمهوریت اتحادی المان در سال ۱۹۷۴ در ۳۸ مسابقه ۹۷ گول به ۳۵۲ میباشد.

خوانندگان محترم اطلاع دارند ۱۹۷۴ بی سابقه بود ولی ۱ مسال که در آخرین جام جهانی این این اوسط به پائین ترین رقم خوشیش رسید. و بلند ترین آن در سال ۱۹۵۴ بود که در کشور سویس به ۵ گزار شد ۵۳۸ رسیده بود. اینک لست مفصل همه بازی‌ها را از ابتدائی مسابقات جام جهانی تا امروز خدمت خوانندگان تقدیم میداریم: در پو رو گوی در سال ۱۹۳۰ در ۱۸ مسابقه ۷۰ گول به ثمر رسید که او سط گول خورد که به این آمید نداشت خود را به مقام قهرمانی در حالی رسانید که هالند را دو گول زد و خودش در همان مسابقه یک گول خورد که به این ساس تیم هالند درجه دوم تیم پولند درجه سوم و تیم برزیل و قهرمان

## د جمناستیک نوی قهرمانه

### چهد پهلوانی له چار و سره ۵۵

#### عالقه لری

هر کمال دجنما سنتیک په ورزشی درومی. نوبو کبیه د خوانانو او نجونو دتو تاکل شویده چه «هانکا» در ۱۹۷۴ استعدادونو او د دوی د تشویق له کمال دور و سیور خود پای ته رسید او پاره د نپری د بیلو بیلو هیوادو د ورزشکارانو په گیون د جمناستیک ندمخه دخپلو کالنیوار موینو له لوبی کبیه چه دادی در ۱۹۷۴ کمال دباره د خوانانو او نجونو د جمناستیک لو بی دچکو سلو زکا د جنو بی بو هیما په بشار کبیه و شوی از به هفه کبیه دچکو سلو کیاشیباو س کلن ورزشکاره «هانکا» د جمناستیک لوبو په دوهم رونه کبیه داومه دی درجی مقام په سرتک و کو لو بریالی شووه.



«هانکا» چه د جمناستیک د لوبو په گیون دتو لولو ورزشی لوبوسه ه مینه او علاقه لری سر بیرون بردن چه کو چنیانو درو زن. موسیقی او مطالعی سره مینه لری: تو زنیده تو چارو په تیره د پختلی او آشیز خانی د ورخنیو چارو سره زیاته علاقه بینی دغه خوانه ورزشکاره بنکار کول هم د ورزش او فیزیکی تمريناتو یوه بیرون کنیه لود کال بیلو بیلو برخو کبیه د آس په سیر لی، یانورو نقلیه و سیلو په واسطه د بنکار کولو مرکزو تو ته



گرزیمنو و مولر دوفیر هایکه با گول های خوش شنیش تیم خود را به مقام قهرمانی رسانندند.

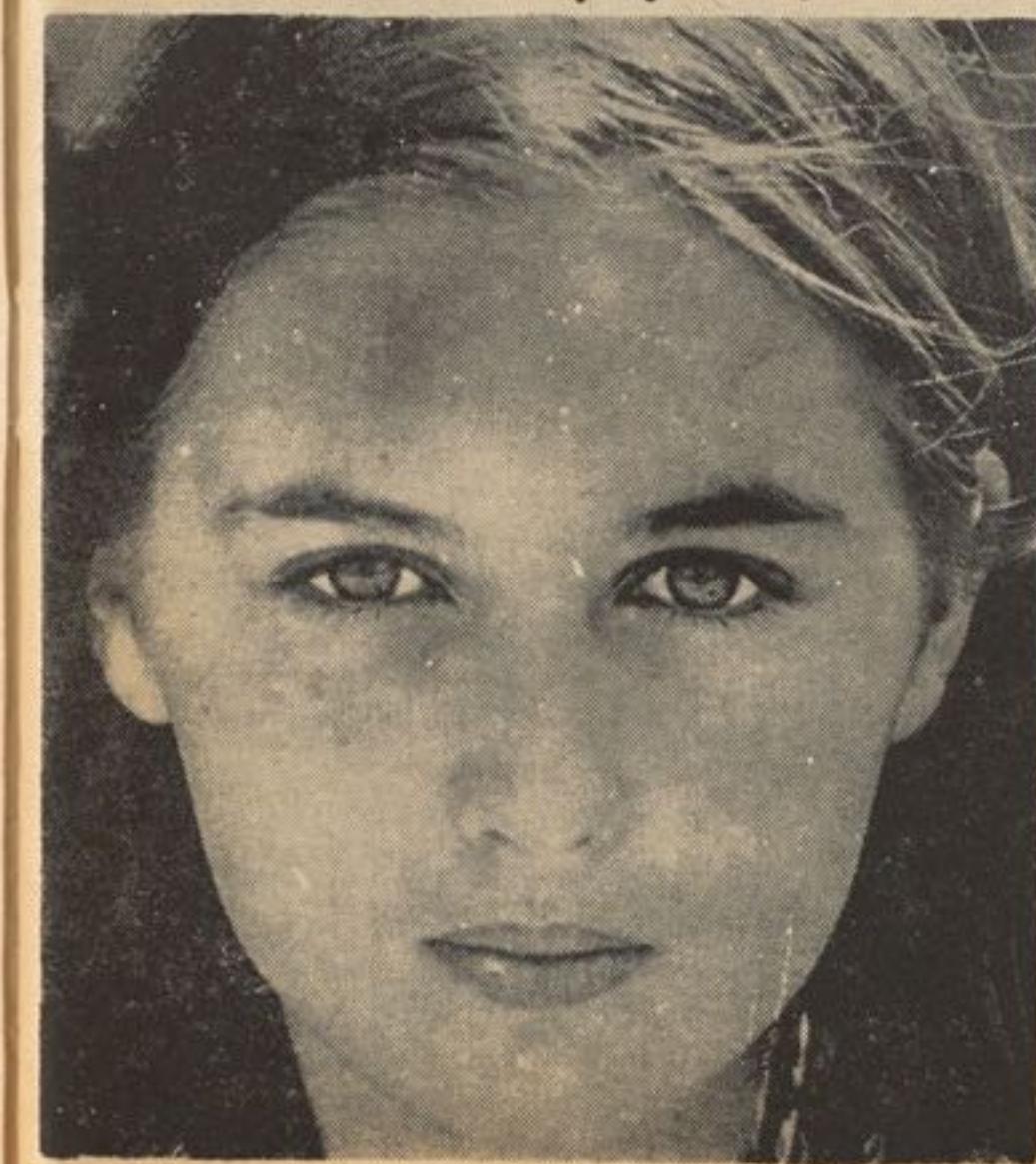
جام سال ۱۹۷۰ او برند جام که آنهم در فی مسابقه ۳۸۸ بود بعد از سر برد آنرا نصیب میشود. مسابقه ۷۶ گول به ثمر رسید که مقام چهارم را حاصل نمود. جام فو تیال که برای اولین بار در اوسط گول در فی مسابقه ۴۲۲ بود. در فرانسه در سال ۱۹۳۸ در ۱۸ مسابقه ۸۴ گول به ثمر رسید که اوسط گول در فی مسابقه ۶۶ بود. در برزیل در سال ۱۹۵۰ در ۲۲ مسابقه ۱۲۶ گول به ثمر رسید که اوسط گول در فی مسابقه ۴ بود.

ولی امسال برای اولین بار این اوسط به ۵۵۵ پائین افتاد که قبل از هیچ جامی مثالش دیده نشده بود. و نهایا در سال ۱۹۶۲ در چالی و در سال ۱۹۶۶ در انگلستان اوسط گول مسابقه ۸۹ گول به ثمر رسید که هابه ۲۷۸ رسیده بود که تا سال اوسط گول در فی مسابقه ۷۸ بود.

شان می‌سازد اگر زیرکانه سور و نزاع زن و شوهر را کاهی که بالای یک موضوع کوچک و بازرسک جریان پیدا می‌کند و ساعتها بکوچک شان دوام می‌کند و مورد مطالعه قرار گیرد پیدا است که اختیاب این دو شخصیت پسرگ جامعه به اثر کثرت عوارض هائند « ترتیب پروفس طلله، فعالیت درخانه و تدبیر هتل نبه لوازم و ضروریات روز مر» وعلی‌هذا قیاس تلاش مرددی معانی « وگردانیه یانی وبالا، فعالیت‌های متواتر ساعت گار، اختیاب شان راهنمای گردانیده چاره چزیمه وانتقاد که آنهم چز فاز وشیوه تناول فعالیت شان است که بروی یکدیگر من کشانند چیزی دیگر نیست درواقع بعل قضاها بفرنج بیچیده

می‌بردازند تا به این ترتیب سوت‌فراهم نایل گردد. البته درین صورت بکوچک‌ریک فضای خالی از همه نایاکی بدون مداخله دیگران اگر صورت بکرید دست سومی بعل قضا بیل دخیل می‌باشد حداده مطابق قانون واقعیت عادلانه فصله بین شان خواهد شد علاوه میدارند یکدیگر این دو شخصیت که حس خودخواهی، غرور شان برهم خوده با تحریکان آنی عصبی شدند باهم گله و شکوه سرد هستند، عده دل خود را بروهم بگشایند، تا این‌

جهعتی می‌گویند، شرط انصاف نیاشد که بالای یک نوع کوچک دعوی و وکیل بر عالم احضار گردد این کار عاقلانه نیست که چهره بشناس و خندان بکوچه آتش تبدیل کرد آنهم بخاطریک اشتیاه کوچک و غرور، باید اندیشه که اختلافات از کجا منش گرفته و عمل وصول آن جیست. خداوند بمعقول ارزانی گرده تادر انتخاب همسر و شریک حیات مطابق سویه محظوظ ساز گاری اجتماع و توافق آن- هی بلطف بخرج دعیم، متوجه گفتار، پندار و گردار خویش باشیم هیچ چیز در جهان لا یعنی نمی‌ماند و با حرکات مدبرانه و اندیشه‌های کامل میتوان بر جهان کنترول گرد، بیکر اجتماع را از صدمات و تحریکات بیسوده و خارجی درینه واقعیت ها حفظ و مسون تکه داشت و آنچه که مستعد بعمل است از قابلیت استعداد ارزشی های معرفتی و حقایق واقعی بالا می‌رسد ترتیب در نفس سیر تعقل بسط بخشید.



ژوندون

براد  
شر  
نامه  
بس  
صح  
نامه  
بود  
منص  
خوب  
منکر  
ذلل  
فرام  
شما  
های  
مشکله  
مشت  
نایم  
یکز  
به قلم  
وکوه  
پسان  
عاده  
باشد  
قابل

بعضی برآئند بعجردیکه بکو بالا ی یک موضع و لوگه قابل بحث باشد و یابانش سروع شد خواه بطرز مستقیم و بغير مستقیم از پیغام و علاقه خود نسبت یا هم دوری می‌گویند اندک اندک وضع معنی خانواده بیهودان تبدیل بالآخره متول به استعمال آخرین اسلحه مغوف و بینانک مشوند «فاحش راز عای غیرقابل اشکار شدنی صله های نفرت انگیز، تهمت و دروغ اینجاست که فرمست بدیغتشی این دو دامن زده و آنچه که تابحال پیشان بود الساعه یکدیگر را نسبت بخطایها و اشتباها خود ملتافت اندزه بیرون می‌گردند حس انتقام جویی، یکنه تویی، و بغض کهزاده تغلیل نایاک شان است بطور غیر مترقب تبارز می‌کند، مداخله اقام آغاز می‌گردد، رسوانی و خل خندی دامان مجموعه خاطرات شان را برای ابد الوده هیسازد. به عقیده این عده قبیح ترین جنایت و فجیع ترین اعمال زشت مداخله اقام درامور زن و شوهر است. به نظر عده دیگر، بکوچک‌ولت خاص بدیغتشی و مهیبیت زن و شوهر نیست این شود و نزاع زن و شوهر آیینه اشتباها و خطایها هر دو عصر است که یکدیگر را ملتافت احوال خود

می‌خواهد حفاظت‌کننده زمان که پایه استحکامات علن مختلف داردگه برش آنرا مطرح این مبحث قرار ونقده کلام برآن می‌گذاریم. برش عقیده دارند بکوچک دایم چهره بشناس و خندان زن و شوهر را بکوچه آتش تبدیل می‌کنند در اثر اشتباها ناجیز و مسو قلا هم کوچک یکی از طرفین بود. این عده از روی شواده برقا استدلال و متعلق برمی خیزند و علاوه میدارند. مردان در طول قرون متعدد از عده لحاظ نسبت بزنان در همه امور اجتماعی رول باز را بعده گرفته و نایق تاریخ خویش داطور زنده و مکمل در نفس خویش مانند هیولای مدهش قرون وسطی با پنجا

تبیه و ترتیب از مردم معحب

تابع و ترجمه اینست

## کشمکش‌های زن و شوهر



تبیه و ترتیب از مردم معحب

تابع و ترجمه اینست

## کشمکش‌های زن و شوهر

می‌خواهد حفاظت‌کننده زمان که پایه استحکامات از ادی و مسادات را برای حفظ حیث آبرو خویش بخشید تاریخ برای حفظ حیث آبرو خویش فعالیت زنان داتنها محدود بچهار دریوار منزل روا ندانسته بلکه دست کار و فعالیت‌های خسته ناپذیر و امتیازات خارق العاده زنان را درفتح و تسخیر، اختراعات و اکتشافات به نظر تقدیر نگریسته، فلکهای موقوع قیود و زنجیر اسارت وادرهم ویخته با تعبین قدرت و کسب استعداد گویا در سیر نظام تعقل، تفکر و تغیل بامداد می‌گردند. مردان در طول قرون متعدد از عده لحاظ نسبت بزنان در همه امور اجتماعی رول باز را بعده گرفته و نایق تاریخ خویش مانند هیولای مدهش قرون وسطی با پنجا

# چناق را شکستهم و بدمولی دیگری

از نزد من ربود

## لطفاً فکری به حال من بگنید

شاید اولین باری باشد که این چنین نامه‌ای به مدیریت ژوئن و سیده است. ما نامه را اگر فتحم و ازرا خواندیم البته سخت تکلیف داشته بود با گمی سانسور آنرا چاپ می‌کنیم تا بتواند زرده از دردخواه‌های میرمن نزدیه فرادرمان نماید. البته در این گونه موارد باید گفته شود که زندگی مشکلات آن مثل رودخانه‌ای را ماندگاه هر لحظه امواج تازه‌تری را با خویش می‌آورد خواهاین امواج توفانی و سرکش باشد و با خواه درغیر آن این گونه مشکلات گویانگیر همه است منتها بامتناع بودن نویست آن و مشکلات آن خواه مامیرمن فدرنامه شان بعداز یکسلسله مقدمه چیزی های می‌نویسد.

واداشت تابیرای شمانامه بنویسم موجودیت  
ذنی دیگری درذندگی مامی باشد. شوهرم  
بابی و خواجه ترین شکل و بهوشیانه ترین دفم  
آن پشت یا به همه چیز زده حتی آنقدر در خود  
حل شده که موجود دوظلف معصوم از  
ذهنش محظوظ بودیده است شاید شما باور  
نکنید که اگر بکویم لیسانسها عالم ولی در منزل  
خانه جارو میکنم وخت من شویم و حتی در این  
واخر تندرور هم میکنم منظوم این است که  
او نمی گذرد تا از تحصیلات خویش استفاده ننمایم  
شوهرم نامه برایم فرستاد تادر قسمت زنگ فتنش  
باوکمک کنم یعنی برای دختر مورد علاقه اش  
به خواستگاری آن بر قوم هر چند التمام کردم  
به نزد پدر و مادرش ڈانوزدم فایده نه بخشید  
خلاصه آن ها میگویند مرد حق دارد هر وقت  
از زن اولی خسته شد زن دوم و سوم بکسرد  
در ابتدای زندگی او بامن عبد کرد و بود  
اصطلاح چنان را باشکستم و آنرا برهم اما اکنون  
ذنی دومی بذندگی هارخته کرده نمی دانم چه  
کنم وجه چاره به جویم.  
به امید راهنمایی تان

## سسلوی وار قان رقیب بر یزیت بار دو

سلوی وارثان ستاره مشهور فراتر از  
رقیب سر سخت بیزیست باردو سخت  
عالقمدن فرانک ستا ترا شده است .  
شلوی میگوید .

من میخواهم بربیزیت باردو را باشتم مو زون  
وچهره جذابی که دارم از میدان بیرون کنم—  
او هدست ده سال است که در امریکا و دیگر  
مالک اروپایی اقامت گزینده و میخواهد که در  
اولین فرستاد به فرانسه باز گردد.

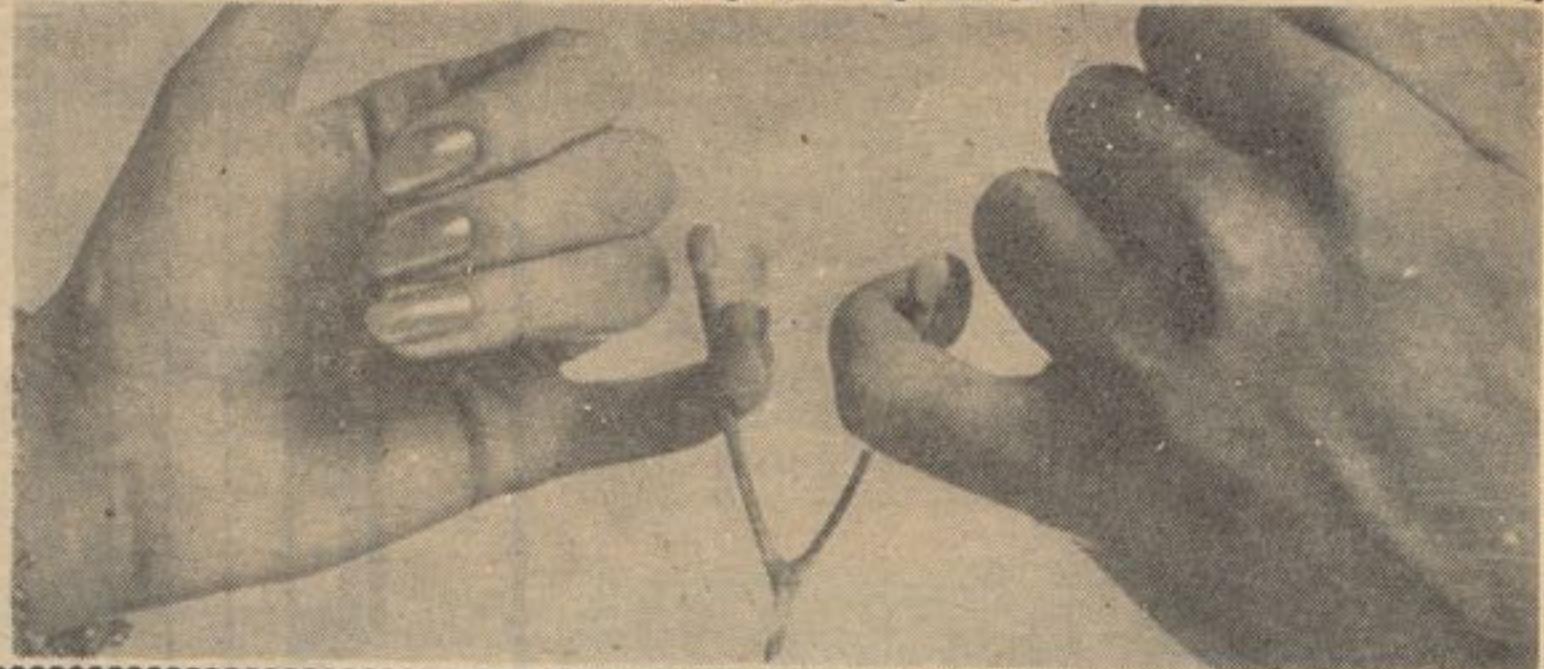
تپیه گنندہ : س شامل

زن دلخواه‌مودها

دروگات میخ تلف دنیا

اسپانیه: زنی که خوب برقصد  
ویتانم: چریک یا پیچیریک باشد .  
ایرانیان: خوب اسما گتی تبه کند .  
انگلیسی: محافظه کار باشد .  
ژاپن: وادیو ساز باشد و خوب برجیزد .  
فراتنه: طرفدار ناپلیون و بی بندوبارت باشد .  
ایران: همه دستورات آفارا اجرایکند و دربرابر  
عملی عکس العمل نشان تهدد .

شایمیوی مورد تئوری شسته و آنرا اشانه بزیید در سایه  
وجای سرد استادی شودتا آب آن خشک شود باید  
متوجه بود که دووقت تربودن و از حمام خارج  
شدن آر اتوسٹا بیکوودی نه پیجید چون انجام موهای  
نان می شکند و بایعث تولید مخورد هیگردد و  
باشدیده خطیرد است که اگر امکان داشته باشد بعد  
از زد و غلت و بایه هفته موهای تائزادرد مقابل  
شعاع و گرمی آتش بگیرید چون این کار یعنی  
زده حان رانایابود میکند و اتر از بین میسرد



بلا هایکه باعث از بین  
رفتن مو های سیاه و ند

بلایکه مو را بعزو و ترین فرم صیلیز ناندو آفر  
ازین میرد صابون و پودر است برای تکه داری  
ویتان باید در نثار داشته باشد که صابون و پودر  
برگز استفاده نکنید \*

نکی از متخصصین آن دراین مورد میگوید .  
موثیل جلدین است اگر همانطور یکه جلد  
را قبیت نمیشود موی سرتکیداری بگردد احتمال  
باددادار گم خراب گردیده ازین بروزه موناید  
هر گز چرخده شود چون مشکنند و باعث خرابی  
ن شده قدرت خود را ازدست میدهد عموماً تقریباً  
۸۰٪ از مخواهه از جرسی و چرخدن بوجود  
آن آید و شما اگر به این هر فیض بسته باشد سر  
ناورا با خشم مرغ و کمی هاست بشید چون  
ین کار در زیاد شدن قدرت مو های تسان  
خت کمک می کند مو خوره را گم

نماید و از دفن مو جلو گیری به  
می‌آید.

به پاسخ نامه آقای (ح-ب-ع) از  
والسوالی بر کی بر ک لو گر

برادر عزیزم - نماینامه که همین اکنون در کجا  
تشریف داردید و در چرا هستید تا بتوانید جواب  
نامه تازرا که عنوانی «قابل توجه خانم ها»  
بما فرستاده بودید با لگروایشه  
صحح آنرا بخواهید و مطابعه کنید  
نامه شما برای گروه مشورتی زندگونه سیده  
بودولی خوشبختانه که تصادف آید به دست  
متصرفی این مفعه اللحاد و اثرا خواندم .  
خوب برادر : تقدیم دانم چطور شده گشته اند  
هنگام نوشتمن این نامه از هاراه مغل آلتینهدر  
تلر بجسم ساخته و مرد های عیتنی و چود خود تان  
فراموش تان گردیده است من نکر میکنم که نامه  
شما مطلع از یکسلسله خودخواهی ها و بدیشی  
های است که شما در مقابل زن ها دارید .

برادر زندگی نشانوهری آنقدر پر از  
مشکلات و گشکش هاست که زن بیچاره باشد  
ماشیت یوسف کلشونر به او تعارف کرده خودو  
فامیلش را فراموش میکند من فکر میکنم که  
یکزن نسبت به هرجیز دیگرحتی نسبت به خود  
به فامیل خود و شوهر و فرزندان خود فکر میکنید  
و گوشش میکنید که تا زینه خوشبختی دامساعده  
بسازد ناشوهرش از او راضی باشد .  
من فکر میکنم که در هنگام نوشتن نامه  
عادات و رفتار خودشما بکلی فراموش تانشده  
باشد ، شما خشن بودن خود را «برخورد غیر  
قابل تحمل خود را در مقابله فامیل وزن بیچاره  
شماره ۲۴۵۳

# میوه فروشی مسابقات

## این شعر را تکمیل نموده و شاعر آن را از معرفی سازید

ندارم آن ... زاده ...

که در ... فرود در ... کاست

### سبک شناسی

این شعرای وطن ما بکدام سبک شعر میسر و دند.  
ابو شکور بلخی، عنصری، فخری، میرزاچهی - انوری، فردوسی -  
رودکی.

### اینها کیستند؟



\* او را معلم ثانی میگفتند در  
بسیاری از علوم مانند ریاضیات  
نجوم، فلسفه، منطق و موسیقی  
تبحر کافی داشت از آثار  
اوست: رسای آراء، اهل المدینه  
الفضل، فصول الحکم، علم النفسی.



\* وی بزر گترین شاعر و نمایش  
نامه نویس مکتب کلام‌سیسم بود.  
در سال (۱۶۱۶) وفات کرد. از  
آثار اوست: اتللو، تجرونیسیری  
هملت.

### آیا این هنرمند را میشناسید؟

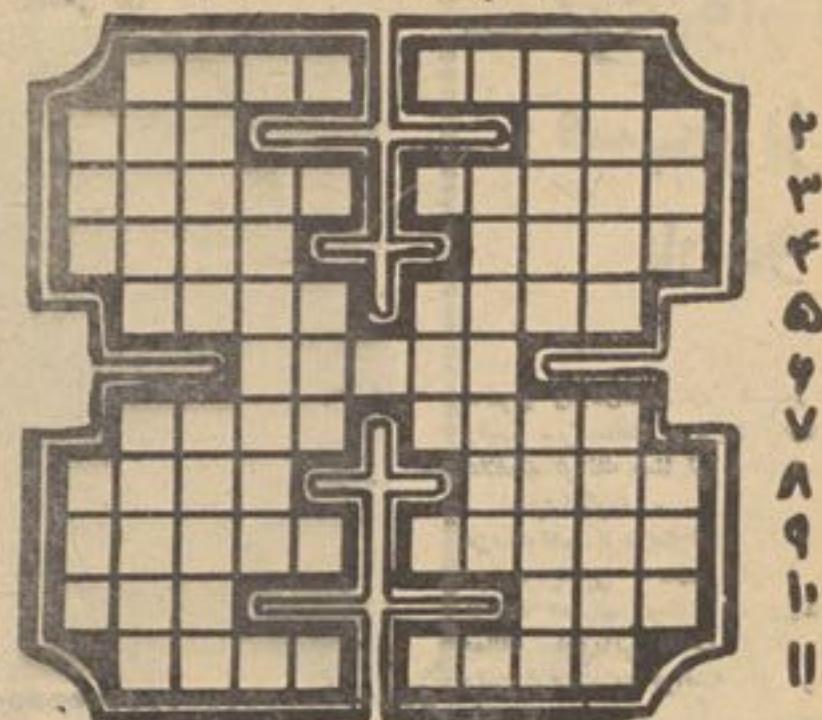


## شرح جدول

افقی:

- ۱- جایز و روا - پا بیو ش ها - ۲- گاهی از آسمان فرود آید آرام  
ومطمئن، ۳- رسیدگی پکاری و چیزی - بکس و خریطه را گویند، ۴- تعجب  
خانمانه و هم از مار کهای را دیو - نصان و ضرر، ۵- از حالت  
اعضای بدن که از سروی عاید شود - از مواد تسخین، ۶- از دندانها،  
۷- اثر زخم در چهره - شایسته و سزاوار، ۸- از سلسله هایی که بعد از  
خلفای را شدین روی کار آمدند - استوانه و کاغذ پیچیده، ۹- از آلات  
طریب از میو چات ز مستانی - ۱۰- بزرگی - دیو مشوش،  
۱۱- بیبا کی و دلاوری - آزرده و رنجور.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱



۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱

عمودی:

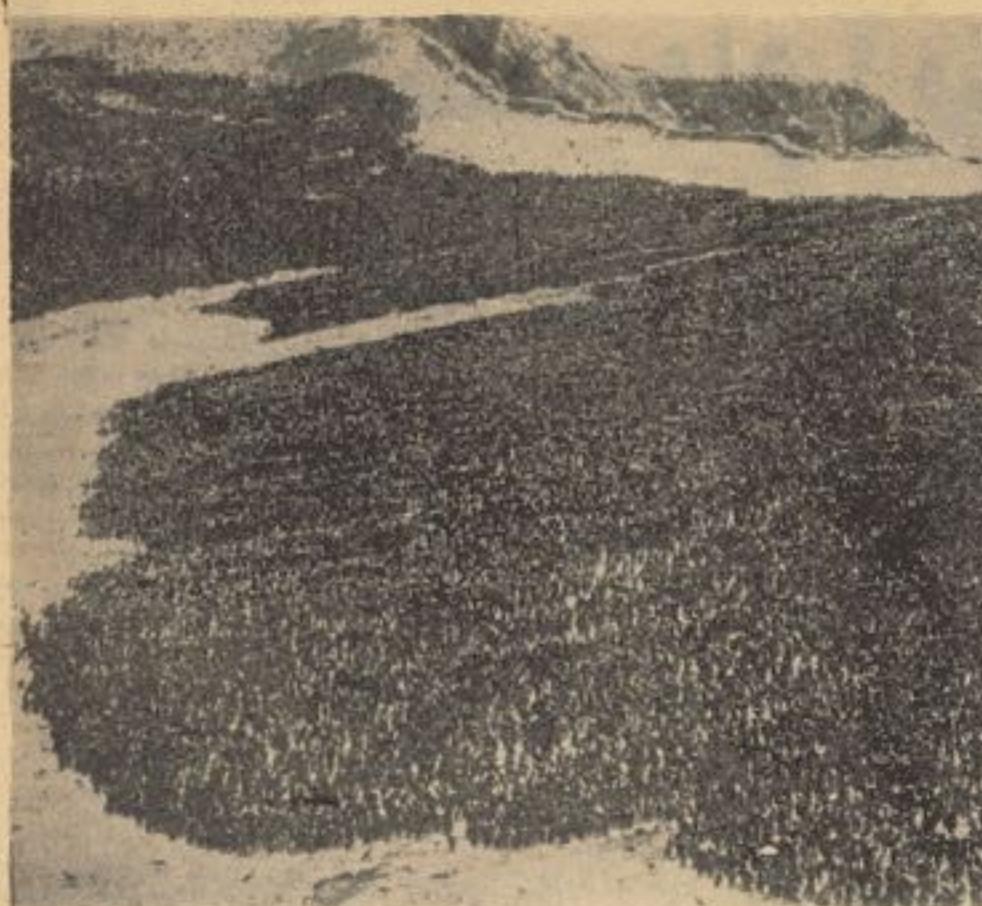
- ۱- از خز ند گان خطیر نا - اینراهم هر کسی دارد، ۲- از موجودات  
نورانی آسمانی - شله کی و یافشاری برای به کر سی نشاندن مطلب خود  
۳- باردار است و بار دهنده رگهای که دارانی خون نا صاف اند، ۴- شبیه  
جزیره نبی در انتهای شرقی شوروی - تاک ترک - ۷- از حروف الفبا  
۸- از تغییحگاههای کابل، ۹- پایتخت اروپائی - ماده ایکه برای او لین بار  
از آن ماده عضوی ساخته شد، ۱۰- چهره مرد آزاده بریده از دنیا  
۱۱- راه زیر ذہینی - بد گویند.

با پوشیدن جو دابهای ۳ بیا و  
شیک اسب نشان نه تنها به اقتصاد  
خود کمک میکنید بلکه با عث  
تقویه صنایع ملی خود هم میشود.  
برای یک نفر از جمله گسانیکه موفق به حل  
معمای صفحه مسابقات میشوند بحکم  
قرعه یک سیست جوراب اسب نشان



HORSE-BRAND-SOCKS. جایزه داده خواهد شد.

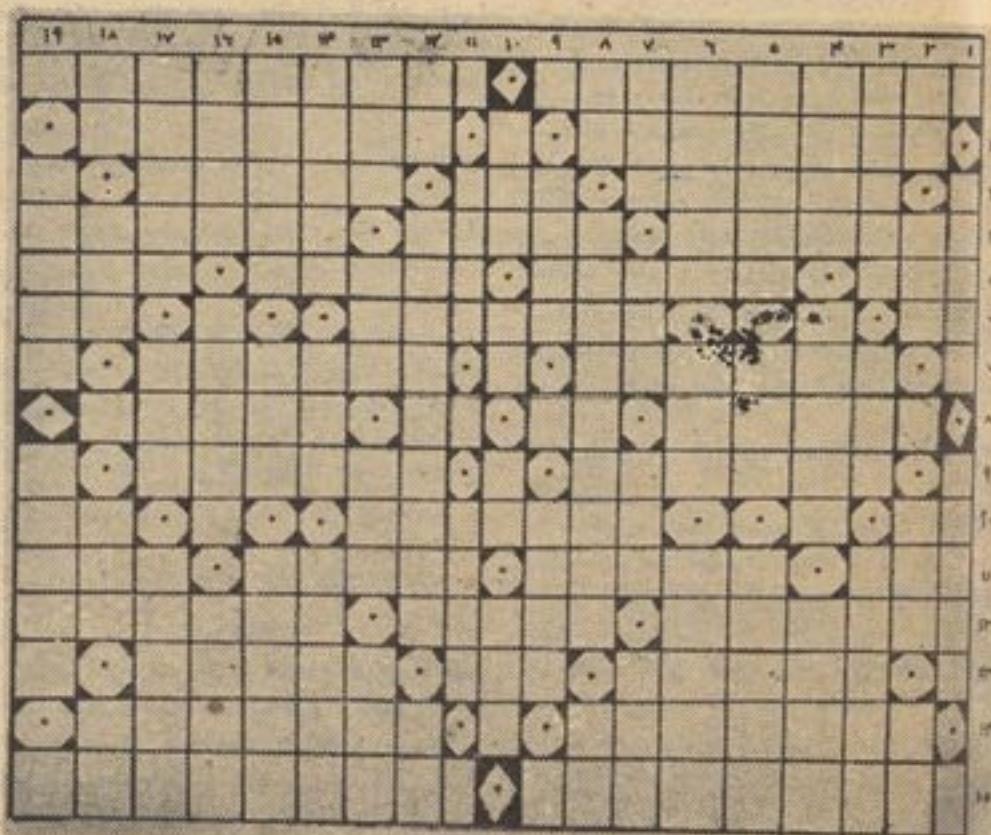
## این عکس چیست



## شرح جدول

افقی:

- ۱- این کتاب که مشتمل بر حکایات دلپذیر اخلاق است در سال ۴۷۵  
تو شته شده. این کتاب رانظا م‌الملک در سال ۴۸۴ تحریر نموده.
- ۲- نویسنده روح القوا نین-ائز شاتو بربان.
- ۳- هنر مند - از اعضای بدن-حامل مرد.
- ۴- پدر و ما در نا خلف-کشتن-حکیمی مشهوری.
- ۵- واحد طول - نبی از مصدر فرانسه- رفیق موم.
- ۶- نقش- نشست (یشتون) - ضمیری.
- ۷- نز دیکی - مختصر قلم خو در نگ.
- ۸- جمع مرتبه - توان- و احد سطح- فیلسوف فرانسوی.
- ۹- شرکت هوایی مشهور ری - جزء اول از لباس عسکری و جز عدوی  
آن طرف.
- ۱۰- سایه - از انگلستان - درو (یشتون).
- ۱۱- شتر (یشتون) - قوم مشهوری (معکوس) - صلب برخی موش (یشتون)
- ۱۲- جنگی و جدل - یک نوع رنگ شخصیت از ترکیه - ۱۳- لباس زفافه  
از زبان های میانی - هزارمه نویسنده مشهور عمان - ۱۴- مثل خون - از  
هنگسانان و هنرمندان فرانسه - ۱۵- شاعری فرانسوی - اوت آن  
زفلسفه و ذوق آن از شاعران یونان باستان -



## آزمایش فکری

- اسمش را چه گذاشتی؟  
دو نفر از دوستان، پس از سالها  
بی خبری از هم، یکدیگر را دیدند،  
همان اسم مادرش  
- هلن کو چک سال دارد؟  
یکی از آنها میگوبد:  
حالا شما بکو بیند، در حالیکه این  
دو نفر از زمان کو د کی یکدیگر را  
دیدند.  
- مدتیها است ترا ندیده ام.  
دو نفر از زمان کو د کی یکدیگر را  
دیدند.  
- حالا من صاحب یکدیگر  
میگویم اسم دختر دوستش هلن  
است؟

## عبور از رودخانه

دونفر پسا حل تزد خانه رسیدند داشت. اما عن دو با آن و سیله از  
رود خانه عبور گردند.  
در کنار رود خانه قایقی وجود داشت آیا شما میتوانید بکو نید چگونه  
داشت که فقط گنجایش یکنفر را موفق شدند از رود خانه بگذرند؟

عهدی:

- ۱- شاعری از ابیورد - شاعری گرانمایه گنجه.
- ۲- مادر عرب - موى اسب - رنگ خام نیم پخته.
- ۳- بندراها - ضمیری ما لکیت - یک نوع میوه.
- ۴- بسته کرد (یشتون) - سنتگ تراشی - عضوی از بدن.
- ۵- وطن فرخی - آینده (مستقبل) از انبیاء.
- ۶- شخصیت از اتا زونی عرضی خطرناک - جزء اول من (یشتون) و جزء  
دوم رفیق.
- ۷- روشن - بورمه - میوه د نیا (یشتون).
- ۸- سمبل باریکی - از نقا شان مشهور مجا رستان - حرف تردید  
و شک.
- ۹- ضد ماده - محا فظه نمودن (انگریزی).



# یادی از استاد

## (شایق جمال ۰۰۰)

بجز از عشق تعلیمه فکر دست

بیاموزد خدا استاد ما را

شایق جمال من کلت : موسیقی غنای دروح  
است . به شعر نویم تمایل نداشت و  
میفرمود شعر کهندوتو ندارد . باید اصل  
وقواعد علمی و ادبی آنرا چنانچه استادان  
وضع کردند و رعایت کرد . خلاصه شایق جمال  
شاعر آزاد طبع و فقیر مشرب و مسمان نوازویا  
اهل خرایات و مناجات دمساز بود . و دریم  
جمبوریت راهم در پسمن اشعار اجتماعی خود  
استقبال کرده بود . شایق جمال - بعداز  
(۷۴) سال عمر : عالم دارالبتا شد و طبق  
وصیت خود آنمرحومی و باساز قدردانی دولت  
جمهوری در جوار روضه مبارکه حضرت لیث  
بن قيس معروف به شاه دوشمشیره (ع)  
و جناب پیر بزرگوار خود حاجی مصاحب درویش  
بروز شنبه ۱۳۵۳-۲۶ مدقون گردید  
و شایقین جمال خود را در فراق صوری متالم  
گردانید .

مانطور شد و خدای بزرگ جل جلاله  
در پرتو آن ایمان کامل و یقین راسخ - باردیگر  
چشمان شایق جمال رانوریانی بخشید و تا  
آخر عمر دیده بانوار تجلی روشن داشت .  
شایق جمال - بدلیل وکیری و ریاب راهم  
دست داشت و اطاق افتخاگاه موصوف از  
نفس مرغان مذکور و گلستان های گل و ناله  
طبیور؛ دوستان رامحظوظ می گردانید .

ادب رازگایت میفرمود و (جیا) بدهید اش با  
داشت . طبع رسایش طوفان میکرد . هرگز  
کس از صحبت شیرینش (خسته) نمی شد  
ونکه های ادبی اش (نوید) بخش اصل  
شایق محترم را بصرف شخصی خود پرسای  
معالجه بارویا ببرند حاضر شد و گفت این  
اشتری) و (جیدری) هم درس ادب را زمین  
کار دورازمشرب فقر و معرفت است .  
اگر لطف خداویگی پاروی کند باز تعمت  
بینائی را دعده خواهد کرد .

میرفلام حضرت (شایق جمال) پسر چلبی  
حافظ میر جمال الدین مرحوم از سخنوران  
نازکخیال و شیواپیان و فقیر مشرب کشوریوده  
و سلسه نسب گرامی شان ازطرف پدر و مادر  
حضرت میرزا علی صاحب علیه الرحمه حافظ  
معروف افغانستان منتسب میشود .

جناب شایق جمال درسته ۱۳۲۰ هـ ق  
جسم بدنبال کشوده و دره ۱۵ سالگی به شعر  
سرانی شروع کرده است . چنانچه اوین  
انساد شان درسراج الاخبار الفانی به نشر  
رسیده و درامان افغان هم آثار این سخنور  
توانان طبع گردیده است .

(شایق جمال) تعلیمات ابتدائی و خصوصی  
را از حضرت استاد بزرگوار خود جناب قاری  
عبدالله خان ملک الشعرا فراگرفته و بیناب  
استاد (بیتاب) مرحوم قزو آمیزش صیغمانه  
و سخت های عارفانه داشته اند .

این سیدعالی نسب : شاعر طریف طبع  
و حاضر جواب و نکته دان ماهر بوده اش معابر  
مجنوب - جناب سیدجان (بابه داده صاحب)  
جناب میر قبیر جناب میر صاحب قصاب کوجه  
جناب حاجی سلطانعلی خان هم با حترام  
یادآوری می فرمود .

با آنکه ارادتمندان دست های (شایق جمال)  
رامی بوسیدنند اماده داشتند شاعر صاحبدل دایین  
تشریفات علاقه نداشتند و چنین اظهار و عقیده  
س کرد :-

مغفور دست بوسی اهل جهان میاش  
(شایق) باعتقاد کسان اعتبار نیست

این سخنور خوش صحبت نه تنها شایق  
جمال بر دینکه شایق هنر و کمال تیزبود چنانچه  
در درساهی - نقاشی - بافتگی و موسیقی  
هم وارد بود درست مریضی به تو سید  
دیوان اشعار خود و انتخابات للبیه از اشعار

(صالب) و (کلیم) سرگرم می بود و گاهه کاه  
دیوان غزلیات خود را به پیغی دوستان  
می نوشت و اعدا می کرد .

شایق جمال دارای متعافت طبع و سخاوت بوده  
مدح و تملق را بینظر نفرت میدید و درین شیوه  
پیر و عاید ملکر تیزچون سری به آتشکده  
مولانا بیدل صاحبدل قلس شده بود .

## حامل بار امامت .

چنان دارد گه سفرد عالم بالاگند  
جالشین گبریانی علنه هارا و گند  
در زمین و آسمان هنگامه هابریا گند  
چون مسیحانم تواند هرده را احیا گند  
گو کسی چشمی با سرارتیعت و اگند  
هشت خاک را نگر محبوب بی همتاگند  
قدرتش هم می تواند قطه را دریاگند

آدمی از علم برواز فلک پیما گند  
زانکه انسار اخیله گفت است بروندگار  
قدر خود را گر بداند آدمی از معرفت  
حمل بار امامت گشته تهیا آدمی  
چشم او دیباچه عن العاقیق میشود  
نقطه راحسن شیر آشوب می بخشید خدا  
آنکه دریا دامیان قطه گنجاند (جیا)

## تاریخ وفات حسرت آیات شایق جمال شاعر نامی معاصر

ذیزم شعرو ادب شایق سخنوران رفت  
هزار حیف که از محل غریزان رفت  
دریغ و درد که آن یکه تازه میدان رفت  
حضور جد مقنس ذیپر درمان رفت  
گست رابطه از خلق و سوی بیزدان رفت  
هزار و سه صد و نیجه و سه شتابان رفت  
اگرچه شایق ما سوی خلد خندان رفت

خان که شاعر شیرین کلام افغان رفت  
غلام حضرب، شایق جمال معنی بود  
ادیب کامل و نازکخیال نامی بود  
گنشت عمر غریزش بدرد و بیماری  
چه بود سیدعالی نژاد و مرد نجیب  
به عصر جمعه و در روز پیست و پنج اسد  
و قابه فرقه اوگریه میکند شب و روز

مشیر جاری شو د پاکستان حکومت  
ضبط کر .

۵۴- چہلٹن مستونگ اخبار :  
په ۱۹۵۹ کال دبلو چستان په مستونگ  
کن دعبدالرحمن غورانی او گور بخش لالیه  
چلونه جاری شو مگر دیاکستان حکومت دوام  
نه پوری نہیو .

۵۵- شعلہ اخبار :  
په ۱۹۳۰ کال دعومندو دسایو په غازی آباد  
کن دالمجاہد ترنگزو حاجی صاحب دمشیری  
لاندی دصتوبر حسین مهاجر یہ چلونه جاری  
شو خوکله وروستہ دھیتو طباعتی مشکلاتو  
له کبلہ یاتی شو .

۵۶- المعاہد اخبار :  
په ۱۹۲۲ کال لوہی دسمخو او بیاد چھر گنہ  
نه دمولانا محمد بشیر په چلونه تر ۱۹۱۳ کال  
پوری په دری زبہ دوام درلود چہ مولانا محمد  
بشیر صاحب سید شو په ۱۹۱۸ کال بیسا  
دسمخو نه په بیشتو او اردو زبو جاری شو  
وروستہ دیاکستان حکومت بندکی .

۵۷- روز اخبار :  
په ۱۹۱۸ کال په بیشور کی دماسٹر کریم  
په سر پرسنی د خواتانو په هرستہ چھلکنی  
نسخی بہ لیکل شوی بیسا استعمار قید کری .

۵۸- دھریت افغان اخبار :

په ۱۹۲۰ کال دباجور خخه دمبا جرینو له خوا

دمولانا فتح محمد یہ چلونه قلم نسخی جاری

شولی وروستہ د نشراتی وسائلو له کبلہ



شاغلی حاجی میرزا علیخان

پاتی راغی .

۵۹- لمبہ اخبار :  
په ۱۳۵۴ ه ق کال دباجور چار منک نه  
دمولوی عبدالحق دمشیری لاندی دعبدالمنان  
(دردمد) په چلونه جاری شو وروستہ دمالی  
کمزوری په وجہ پاتی شو .

۶۰- اتفاق اخبار :  
په ۱۳۲۶ کال دباجور دکل آباد نه دمولوی  
عبدالحق او محمد شعب په چلونه جاری شو  
وروستہ طباعتی مشکلاتو په وجہ دنشر نه  
پاتی شو .

۶۱- خازی اخبار :  
په ۱۹۴۸ کال دوزیر ستلن د گروہ کنہ  
الجاج ایس کال دبیشور نه دعبدالحلیم  
اظہر او حبیب الرحمن په چلونه جاری شو  
دازادی دمجاہدی دیرہ بہ ترجمانی وکری .

۶۲- بیشتو نستان اخبار :  
په ۱۳۲۸ کال دبیشور نه دعبدالحلیم  
ورخ دوزیر سستان دسلطانی دکل نه دمولوی  
رمضانی په چلونه جاری شو په دیکستان دیکستان  
مشکلاتو په وجہ پاتی شو .

۶۳- لیوی پیشتوں اخبار :  
په ۱۳۴۳ کال دبیشور نه دعبدالحلیم  
جلونه دهلهی شخه جاری شو په ہمدنه کمال  
بندہ شو .

۶۴- انصاف اخبار :  
په ۱۹۰۶ کال دبیشور نه دعبدالحلیم  
په چلونه جاری شو پیا بند شو .

۶۵- گنجینہ حکمت :  
په ۱۹۵۰ کال دبیشور نه دسیدانور الحق  
په چلونه جاری شو مگر دیکستان حکومت  
بندی کر .

۶۶- پانچ حرم اخبار :  
په ۱۳۲۸ کال دبیشور نه دعبدالحلیم  
ایوب اخکزی دمشیری لاندی دبیشور نه دعبدالحلیم  
مودہ پیشی خبرونی دکر .

۶۷- صداقت اخبار :  
په ۱۹۵۷ کال دبیشور نه دعبدالحلیم  
مرمند شخه دعلی محمد بیٹی په مشری  
او چلونه جاری شو تراوسہ پوری دوام لوری .

۶۸- بولان اخبار :  
په ۱۹۵۲ کال دبیشور نه دبیشور نه جاری  
شو په ۱۹۷۳ کال دبیشور نه دبیشور نه جاری  
شو په چلونه جاری شو .

# د پښتو نستان د ملی

اوپنده کم .

## ۸۰- خورشید اخبار :

په ۱۳۴۳ ش کال دگرویک دمرکز نه  
پشغلو نیازعلی دمشیری لاندی دزمان جراح  
په چلونه جاری شو چه وروستہ دبیشور  
لخازی په چلونه جاری شو پیاپاہے پاکستان  
جور شو خورشیدی ضبط کر .

## ۸۱- پښتو مجله :

په ۱۹۵۴ کال دکمال خان په چلونه  
په کوئی کیسی جاری شو وروستہ دیاکستان  
حکومت مصادره او قید کر .

## ۸۲- غفار السلام مجله :

په ۱۹۵۹ کال دظرالله په چلونه جاری  
شو یوه موډه خبرونه وکر .

## ۸۳- ہیواد اخبار :

په ۱۹۵۹ کال دسلطان محمد صابر په  
چلونه جاری شویه ۱۹۴۷ کال دیاکستان  
حکومت بندی کر .

## ۸۴- ولس مجلہ :

په ۱۹۶۱ کال دامیر عنان په چلو نه  
چاری شو دبیشور نه دخیری دخیل  
ولس دارزو گانو ترجمانی پوره نشی کولس  
نوخکه ضبط نه پاتی شوی د

## خان محمد ایوب خان اخکزی

اوپنده کم .

## ۸۵- ولس بلوخي مجلہ :

په ۱۹۶۱ کال دبیشور نه دخیری جاری شوی  
دبیشور نه دیاکستان دکویتی پس منظر پوره رہا  
نشی اپولی نو دقید اوپنده دستگولانه د وہلی  
بولان جملہ :

## ۸۶- بولان جملہ :

په ۱۹۶۱ کال دستارانو محصلینو او  
شناکدانو په چلونه په بیشتو، بلوخي او ارادو  
زیوبنیر بدلہ دیاکستان حکومت قید اوپنده کر .

## ۸۷- میزان اخبار :

په ۱۹۴۷ کال دعبدالکریم په چلونه جاری  
شو خود دوام پی وکر دیاکستان حکومت بند  
کر .

## ۸۸- کارکن اخبار :

په ۱۹۵۹ کال دبیشور نه دخیری شویه په بیشتو  
بلوخي او ارادو ڈیوبنابه احمد په چلونه ب  
خیری و لاس پوری کمک دیاکستان حکومت  
دوام ته بڑی نہیو ضبط کر .

## ۸۹- ژوب مجلہ :

په ۱۹۶۱ کال دزدہ کوونکو له خواہی  
بیشتو ارادو او انگلیس ڈیوبنابه احمد په چلونه ب  
وروستہ دیاکستان حکومت مصادره او بندہ  
کر .

## ۹۰- اتفاق اخبار :

په ۱۹۷۲ کال دیویس منصور په چلونه  
دعباد دا خبار دمدیر صابر په مرستہ یه ارادو  
اوپنده زبہ جاری شویه ۱۹۷۴ کال دیاکستان  
حکومت بندی کر .

## ۹۱- توکندا اخبار :

په ۱۹۷۱ کال دعبدالکریم په چلونه  
شومگر دوام پی وکر دیاکستان حکومت قید او  
معاذی اوقافی میاری نقش پی تاریخ  
تہ سیاری او منعکس کری وی تاریخی نوم ب  
زوندی پاتی او دبیشور نه داتلنوکی تاریخ  
مستندی حوالی دی .

## ۹۲- ماہنامہ مجلہ :

په ۱۹۷۰ کال په بلوخي ڈیوبنابه  
یه یوم مصروف

# ۲۱۰ پروژه صنعتی داخلی و خارجی به ریاست...

۳۷۱۶...

۰۰/۱۱/۱۲

خشکده شو نی خان

در ساحه کشمکش پاکی:

مقدار سرمایه نظر به در خواست

افغانی ۷۸۰۰۰۰

» ۹۱۰۶۰۰۰

» ۱۷۵۰۰۰۰

» ۳۰۰۰۰۰۰

» ۳۱۷۲۶۰۰۰

» ۷۵۰۰۰۰

» ۱۲۷۶۸۰۰۰

» ۳۱۰۰۰۰

» ۳۲۱۲۳۰۰۰

» ۱۸۵۰۰۰۰

نوع فعالیت

پرسن کشمکش

» »

» »

» »

» »

» »

» »

» »

» »

» »

تاریخ منظوری

۰۶/۱۲/۲۱

۰۷/۰۳/۱۱

۰۶/۰۳/۱۶

۰۶/۱۲/۲۱

۰۹/۰۲/۲۰

۰۷/۰۳/۱۱

۰۶/۱۳/۱۳

۰۱/۰۳/۱۸

۰۱/۱۱/۱۰

اسم پروژه

پینتو نخورا کی

کشمکش پاکی بکرام

کشمکش پاکی ارغنداب

کشمکش پاکی وزیر

کشمکش پاکی بلخ

کشمکش پاکی و چس

کشمکش پاکی سمن

کشمکش پاکی پینتو یوالی

کشمکش پاکی قندھار

کشمکش پاکی برات

در ساحه پلاستیک سازی

اسم پروژه

پلاستیک سازی خرازی

پلاستیک سازی ملی

کابل پلاستیک

هری پلاستیک

پلامت ملک مقصودی

پلاستیک نصر الداعظمی

پلاستیک عبدالحکوم ملامیر آگل

بوت پلاستیک و طن

پلاستیک بهادر احمدزاده

پلاستیک غرض

قومی پلاستیک

سایر پروژه های فعال صنعتی خصوصی داخلی :

تاریخ منظوری

نوع فعالیت

فانتاوا کو کا کولا

ادویه جات

صابون پودری

ساج

یخ

استخوان

بری

عسل و موم

عسل و موم

پارچه جات یافندی

ریو غنیتاتی

پکل نمودن پوست و رو ده

تولید چوراب

پرسن روده

صادرات پوست منک

پرسن روده

اسم پروژه

شرکت سهامی کام

صدیق لابر اتو اور

خلمل و تهر جنت

حشمت ساج

یخ سازی ولی محمد

میده نمودن استخوان

آریابطري

زنبور داري روکي

زنبور داري اسلاماني

جاكت بافي ضموري

تعلکشي ماکول

دری بار ماساغ

پاندگي کريم

دیماجیو اني مخصوص لاتوس هامی شرکت

شرکت منک هرات

پرسن روده حق مراد

مقدار سرمایه نظر به در خواست

افغانی ۳۸۳۶۴۰۰

» ۵۳۵۷۰۰۰

» ۹۶۱۰۰۰

» ۱۷۵۲۰۰۰

» ۲۳۶۳۰۰۰

» ۱۱۳۲۹۰۰۰

» ۱۹۹۳۹۰۰۰

» ۳۹۲۰۰۰۰۰

» ۲۰۰۰۰۰۰

» ۳۵۰۰۰۰۰

» ۴۵۰۰۰۰۰

» ۳۲۲۳۷۰۰۰

» ۳۳۰۰۰۰۰

» ۹۰۰۰۰۰۰

» ۳۱۶۳۰۰۰

» ۱۶۰۰۰۰۰۰

# ازدوسنار



از: شاه محمد «خوش چین»

## راز

بیدلی وصف دلربائی را  
شرح میداد، اینچنین میگفت:  
کان بری چهره شاه خوبی است.

\*\*\*

بدن مرمرین وزیباش ..  
لای آن جامه سپید و حریر ..

جلوه‌گر همچو هاد تابا نست.

\*\*\*

آن دوچشمان مستو شبلایش،  
همچو میتای بر ازمه گلگون ..  
اله عقل و هوش وایمانست.

\*\*\*

پر تو تابناک و خسارش ،  
میدرخشد ذلای ابر میاه ..  
در دل گپکشان نمایان است

\*\*\*

گیسوان کمند ویر شکتش ...  
همچو هماری که به پیچید باهم ..  
حلقه در گردش اویزانست.

\*\*\*

قامت نازنین هموزنش ..  
خودنما در میان گلزاری ..  
همچو سروی دسای بستالست.

\*\*\*

با هزاران فسون و حیله‌گری ..  
دل زم برد آن بتنانز ..  
لیک، حالا زم گریزانست.

\*\*\*

مرغ دل دردبار سینه من ..  
حاصل جزئتم ندید از آن ..  
کاین چنین دوزوش فزلخوانست.

\*\*\*

میگنم زندگی به‌امیدی ..  
نایک دستم دسد بدامن وصل ..  
این هرآ عهدو قولو پیمالست.

زوندون

الرحمد بیرون (شبین)

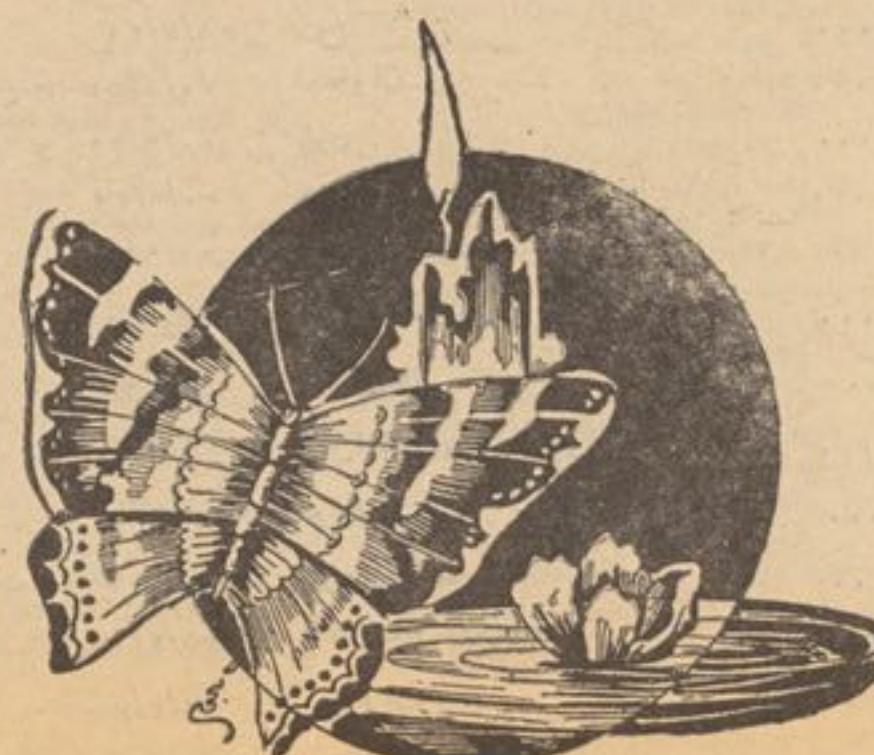
## در بسته ره یضی

تایبد در سینه خواهد هاند داغ زندگی  
بعد از آن معروف خاشاکست باع زندگی  
کس نمی‌گیرد ذخاک هاسراخ زندگی  
رنج هستی رامیشان درایاغ زندگی  
عاقبت خاموش هیگردد جراج زندگی  
لاله‌وگل در بهاران چند روزی بیش نیست  
بسکه در خواب گران دور از نظر اثناهایم  
تلخکام آ د زویم ساقیا بپر خدا  
کاشکی «شبین» زفرط بیقراری جان دهم  
تامگر در نیستی یا بهم فراغ زندگی

از: محمد عزیز رویش

## دام قزویر

بعد ها شیطنت آخر  
بیاوردن دلم را عاقبت در دام قزویرت  
ولی امروز  
چمشد کاخ؟  
شکستی شیشه قلب پریشان و حزین  
بریدی و شسته الفت  
واین بیچاره عاشق را  
رها کردی بیدان فلاکتیار تنایی  
توای سینکین دل بیال  
چخواهی زین شکستن های جوراگین قلب پاک  
برو ای زن  
بروای هایه اندوه بیان  
که من از عشق چون تو سخت بیزارم  
دکر عاشق نخواهم شد  
بتوای بیوفای من  
امی شرمی که تو روزی  
نگاهت رابه عشق الوده چشمی آشنا کردی  
بعدها حیله و نیر نگ  
بسی خویشن خواندی  
و بازش اینچنین برخالک بشاندی  
توهان ای فتنه‌جو ای زن  
بروای خود خواه  
یادت هست؟  
که روزی با هزاران عشه و تمکن  
تواین مشتاق عشقت را  
نمودی زار و دلگیره



## طبیب درد

بکن برمن تکه از روی الله  
که من سردم گتون از بیر ظلمت  
اگر آهی کشم باشد جهان سوز  
بیابتگر که چون سوزم به هجرت  
طبیب در دمن جز تو کسی نیست  
بیابتگر که من بیمار هم میخست  
علاج من بکن کرز تو امید است  
و گرنه نامیلم تا جهان هست

## رسالت شاعر ..!

از: دانشور

تو شاعری!  
نوای شعر دلنشین تو  
صدای غور ویر طنین تو  
جیش اعتلا بود ،  
تیش قلبها بود ،  
کنش دردها بود ،  
روش ارتقا بود .  
\*\*\*

تو شاعری!  
بیام شعر بامضای تو  
نوای شعر جانلزای تو  
غورو خلق میکند ،  
شعود خلق میکند ،  
سرود خلق میکند ،  
\*\*\*

تو شاعری!  
صدای شعر روح فزای تو  
درخشندگی بود  
گرسیت بلندگی بود  
رمع زندگی بود  
همی پیشگی بود  
\*\*\*

تو شاعری!  
سرود نعمی شگوهمت تو  
تکاه تند و تیز و هوشمندو تو  
چوموج - بر تین بود ،  
عمیق و ژرف بین بود ،  
جهان ترا تکن بود ،  
شغار تو امین بود .  
\*\*\*

تو شاعری!  
بیام شادی آفرين شعر تو  
درود گرم ویر ذمیر تو  
جهان باوج آورده ،  
دل بموج آورده ،  
سباه وفوج آورده ،  
هده به‌ماوج آورده .  
\*\*\*

تو شاعری!  
ز بعر شعر بیگان تو  
زدد شسبوار بیشان تو  
جهانی شادیان شود ،  
قرعه اختران شود ،  
نهان بود عان شود ،  
نهش جاویدان شود .  
\*\*\*

برقراری نظم و نسق باید

این شعبه هم خدمتی شود.

- یعنی درین جا هیچ کس موجود نیست؟

- هیچ کس،  
درین لحظه زنگ سلولاسی به صدا  
درآمد،

آوازی بلند شدو گفت وقت نان  
جاشت است واژ المازی قاشق ر  
بنجعه را باچیزی خوراکه باب بیرون  
آورد،

پرسیدم،

- شما از کجا هستید؟

- از شهر زاگی آمده ام و اینجا  
خدمتی ام، اینجا به کمک های سیستم  
تهویه اعمار می شود و غوار ضر

سیستم تهویه را بر طرف می کنیم  
بلی بخشید من درین جا تنها نیستم  
تمام عمله و فعله موسسه مخدومتی  
اندو کار می کنم، بد نیست اگر

شما زیر دست بندی بکار بیار داید؛  
من سرمهندس استم کار ما  
مادلچسب است و معاش هم بد

نیست علاوه بر این سفر خرج نیز  
در پیلوی آن است: و استاد شما را  
جهت ثبت به شهر زاگی می فرستیم  
من موافقه کردم و او مرا به اتاق  
طعام دعوت کرد و در جای معینی  
برای صرف طعام نشانید.

او قطعی سکرت را بسوی من  
دراز کرده سکرتی تعارف نمود و  
گفت:

- می بینید من هم در همین فکر،  
بیانیه سکرتی دود کنیم.

سکرت ها را تا اخیر کشید یم.

- و اگر مرابه یکی از شعبات  
تکنا لوزی بطور مو قت مو ظف

بدارید تاختت امریکی از تختالوگ  
همدمتی پکار بیار دارم؟

- اصولاً این سخن شما هم  
درست است با همچو عملی ممکن  
فقدان آن سرمیندس را جبیه کرد  
ولی فعلاً امکان ندارد: زیرا تما م

شعبه تختا لوزی ما نیز بخطاط آن  
سیستم تهویه به همان شهر خدمتی  
شده اند.

جانم یک غم خونیس که غمهاست  
آنها همه رفته اند تا عوارضی که از

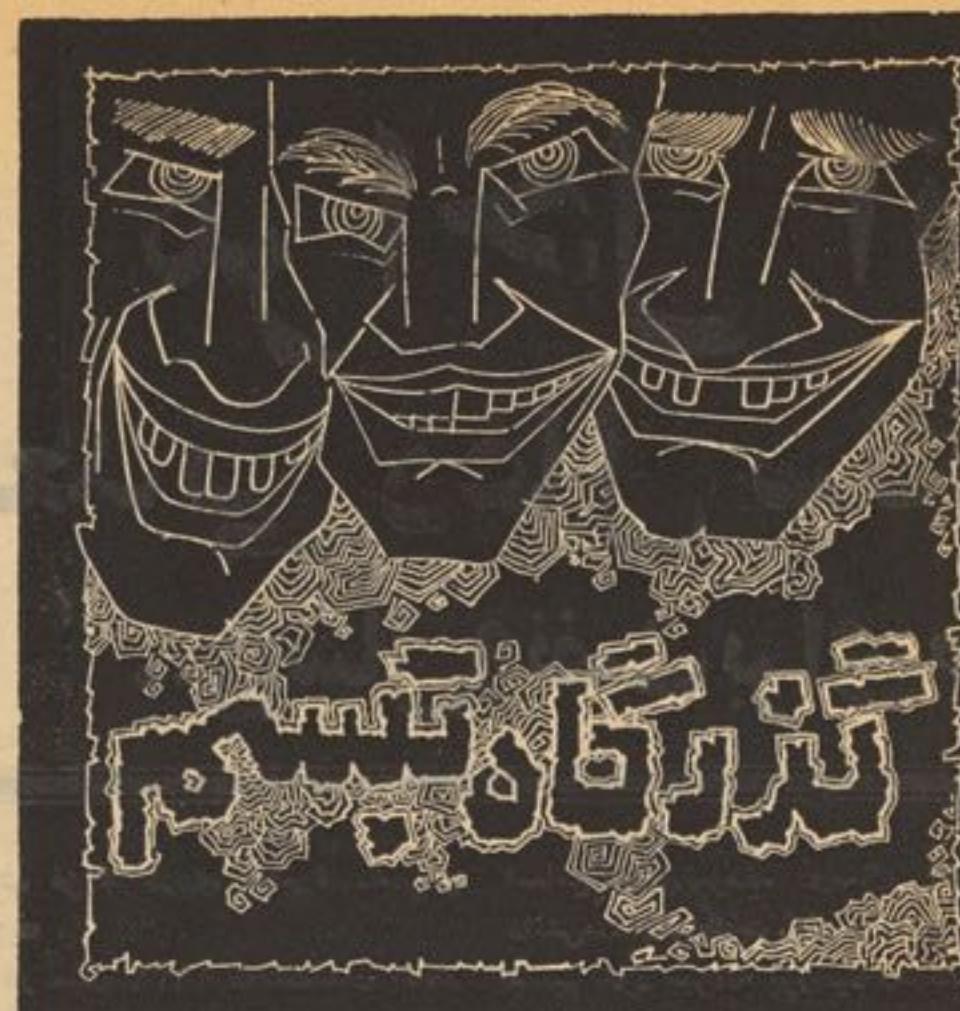
نقده نظر تخفیکی رونما شده بس  
ظرف سازند.

- شاید کدام شعبه دیگری؟  
- همه خدمتی اند. همه برای رفع  
غوارض رفته اند.

- حتی شعبه محاسبه!  
بلی بخطاط سهولت در کار، برای  
اینکه هم انجا در خود محل معاشات  
و سفر خرج های متسویین موسسه  
را اجرا کنند.

- شعبه اداری.

- این خود واضح است که برای



مترجم: ژرفین

## مقداری غیو منتظر

مرا نظر به تعیینات در یکی از  
ادارات هندرسی فرستادند همینکه  
باز رسی می نمایم،  
وارد اداره شدم  
شنبه آینده جناب شان تشریف  
با قیافه آمرانه ای برسید  
بیارند و شاید تشریف بیاورند و  
چه فرمایشی داشتند؟  
شاید هم پس از دو ما

.....  
- آمده ام بحیث مهندس کار

- او کجا است؟  
- او طور خدمتی به شهر زاگی

او در ابتدای منظری انداخت  
رفته و به اساس نقشه او سیستم  
و بعد اسناد دست داشته ام زادیده  
تهویه مدرن اعمار می کند. ازین  
لحوظ ایست که او بصورت عاجل  
- شما فردا تشریف بیاورید و  
من فعلاً راجع به شما فکر می نمایم  
که زیر دست کدام شخصی مقرر تان  
شروع محيطی در نظر گرفته نشده  
کنم.

روز بعد پنجم آمدم  
شخصی دیروزی با قیافه هوقرو

آمرانه برسید:

- چه فرمایشی داشتند؟  
بالبیهه ایکه بتواند خاطراست  
با همچو عملی ممکن است فقدان  
دیروزی را در او زنده کند میگویم.  
آن سرمهندس را جبیه کرد و لی  
آمده ام بحیث مهندس کار کنم.  
مهندسان نیز بجا های مختلفی  
او هرا شناخت:

- آخ، بلی، بلی! شما زیر دست  
سرمهندسی کار خواهید گرد، ولی  
با این سیستم تهویه سرکار کنان  
موسسه ما بدوران افتیده و همه را  
مشغول خواهد بود اگر روز شنبه  
شهر هم گردشهم جمع شده اند و باه  
خدمتی اند.

با این سیستم تهویه سرکار کنان  
او امروز تشریف ندارد فردا بیانید  
و بینتر خواهد بود اگر روز شنبه  
سر صبح خبر بگیرید.

- آمرم تشریف آورده است؟  
- نخیر،  
- چه وقت خواهد آمد؟  
روز یکشنبه خبری بگیرید و  
که قصاب زیاد شود گاو مردار!

- من چه باید بکنم؟

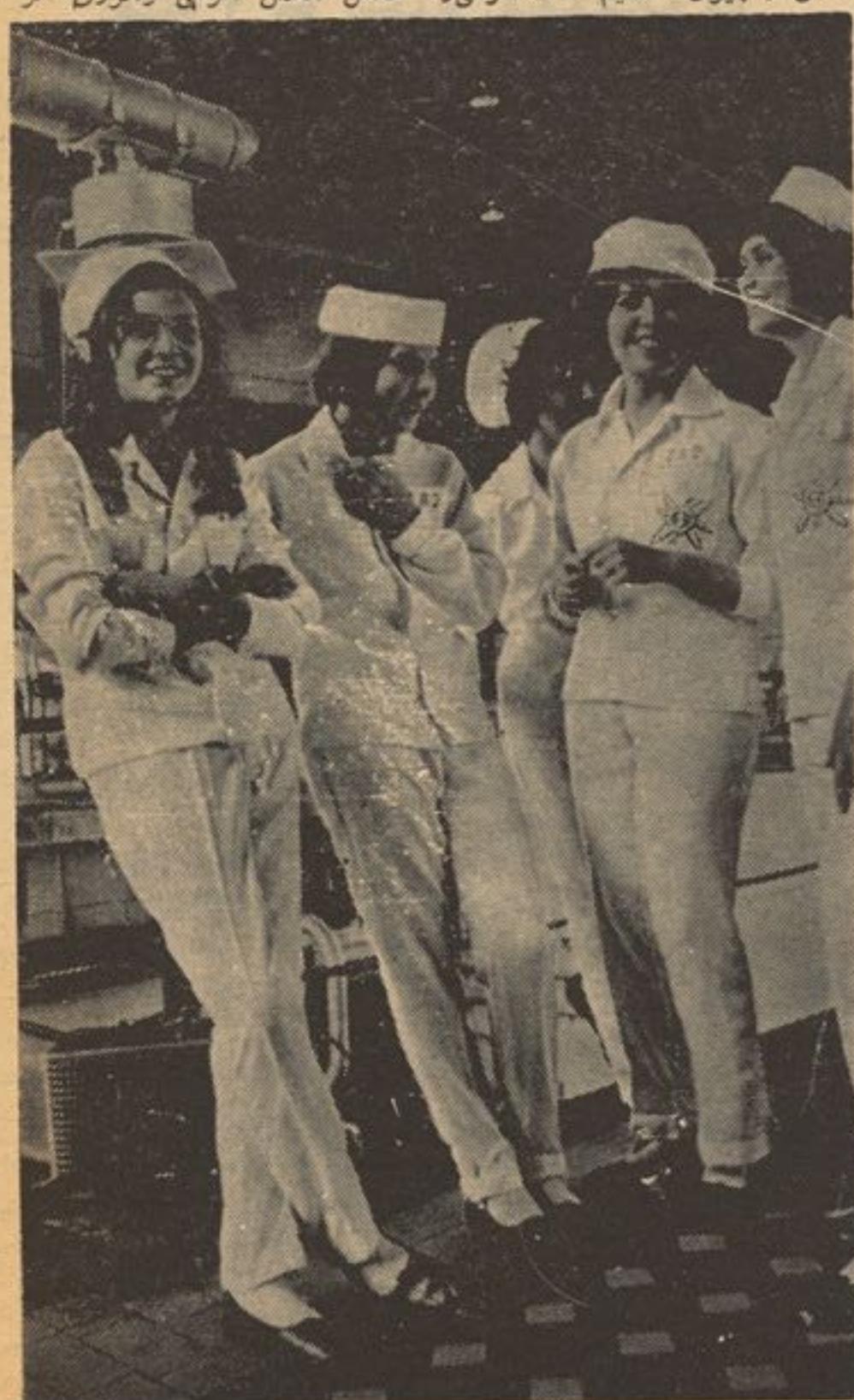


مترجم : دیپلوم انجینیر سرووری

# مراحل ازدرا

## مواد سوخت معدنی ذغال سنگ

### ۵۰ سال و نفت برای صنعت



مکتب فنیک ذریع معتبر تأسیس اساس گذاری نمودند در سال ۱۹۴۰  
دانشمندان فنیک آهنگردی و فلیزوف گردید .  
در سال ۱۹۳۹ دانشمندان اتحاد تقسیم خود سرانه بیوانیم را کشف شوروی زلدویچ و هار یتون از روی نمودند . این فعالیت‌ها در نزد تیوری امکانات بوجود آوردن عکس - دانشمندان اتحاد شوروی طرق اداره العمل زنجیری تقسیم هسته اتمی را عکس العمل اتمی و انرژی اتو می

**قدرت مجموعی تمام دستگاه‌های تولید برق اتمی در سراسر جهان فعلاً به ۳۰ میلیون کلیوات می‌رسد و با گذشت زمان رو با فزون است**

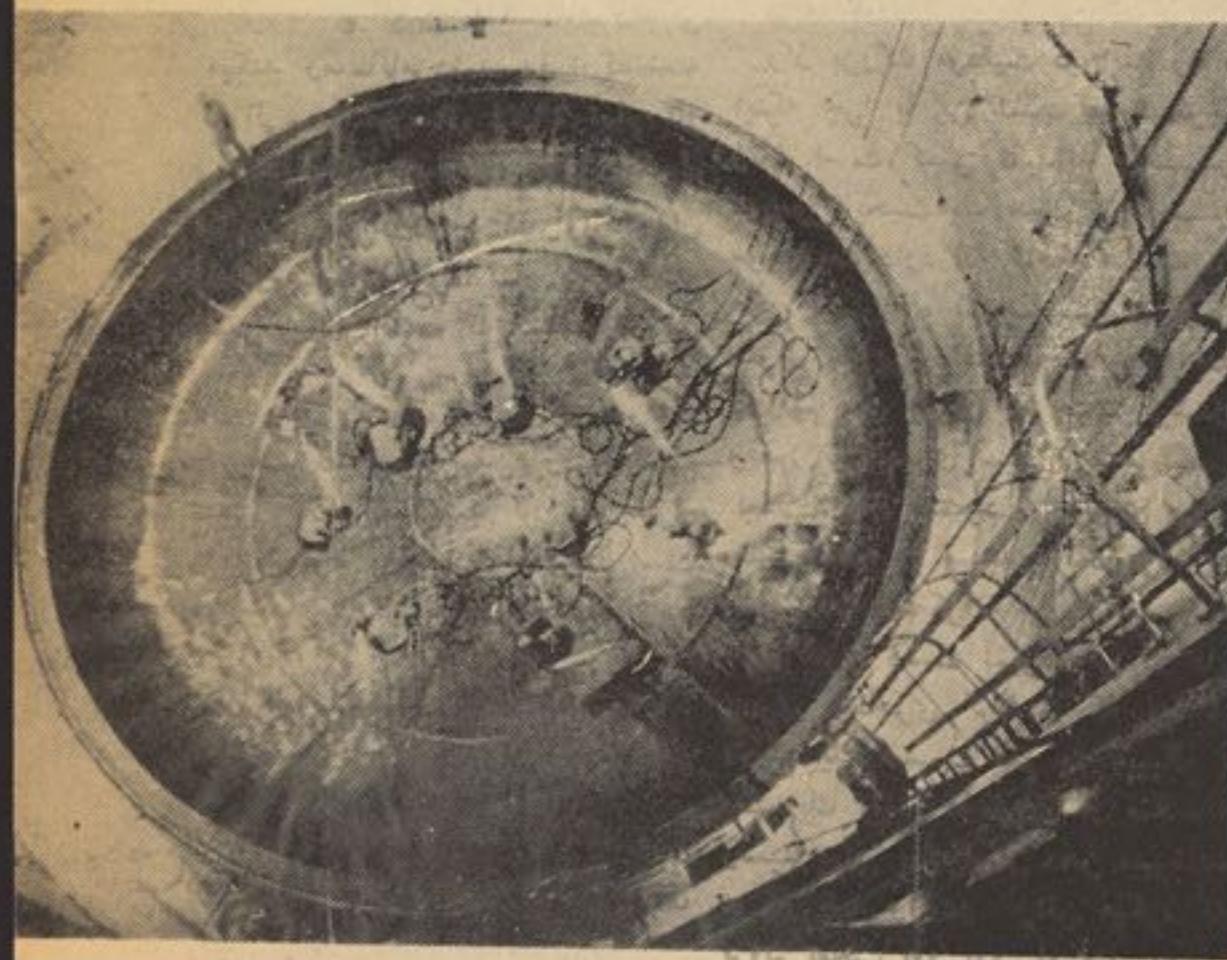
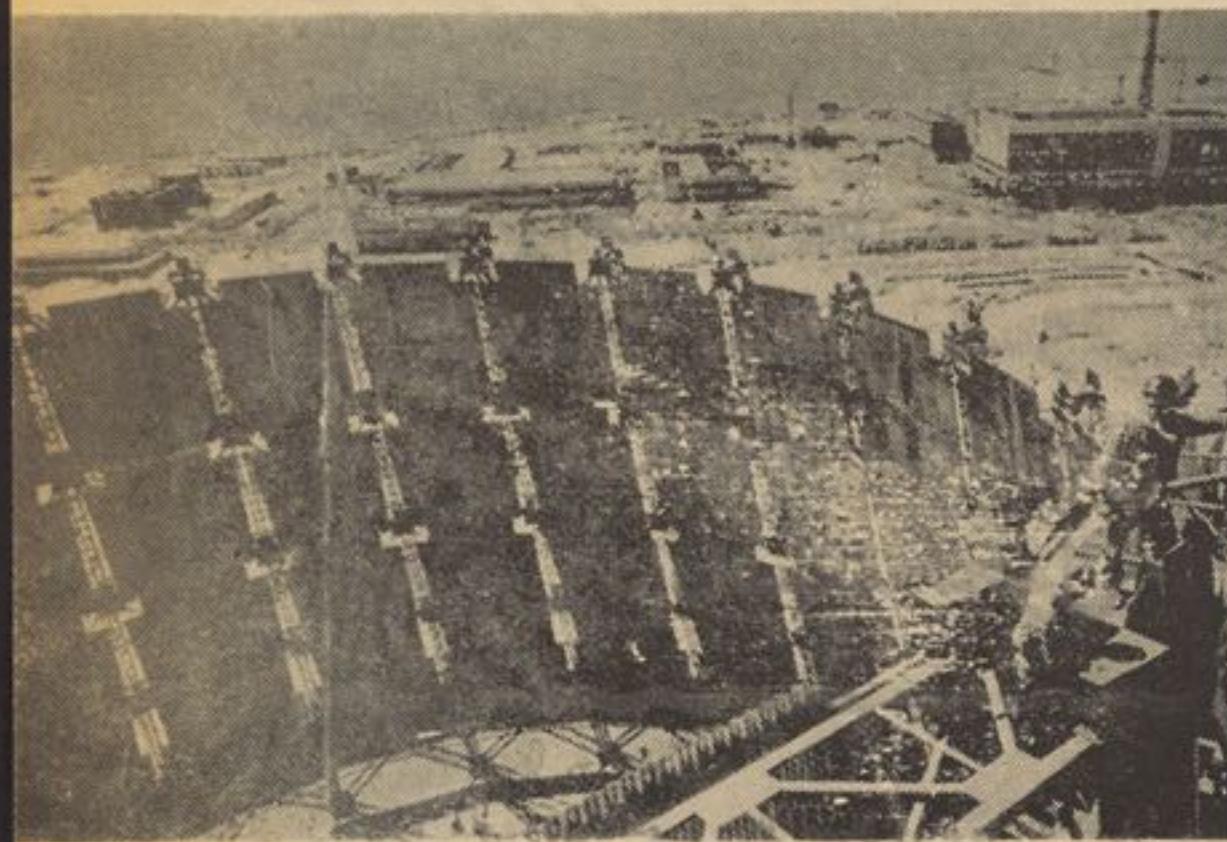
بیست سال قبل در شهر او- آورده شویم ۲۹ دسامبر ۱۹۱۰ بنیان‌گذاری نزدیک ماسکو اولین دانشمند روسی اکادمیک و پیر نادسکی در کنفرانس اکادمی علو در گفتار خود چنین علاوه نمود : و قنیکه شروع به فعالیت نمود . راجع به اهمیت دستگاه مو فقیت‌های بشریت در عصر جدید یعنی انرژی امروزی دانشمندان در پیش‌رفت از این دستگاه تولیدی برق اتمی در جهان خود چنین علاوه نمود : و قنیکه از این دستگاه معلوماتی چند در دسترس شما خواهد بود کان محترم می‌گذارم .

شام ۲۷ جون ۱۹۵۴ رادیوماسکو در خبر‌های آخری خوش خبر داد این دانشمند مشهور تنظیم و ترکیب کننده پاشیدن محلات یو رانیم و که در اتحاد شوروی بصورت موقانه کارات مربوط به طرح و ساختمان اولین دستگاه تولید برق صنعتی به این روزی اتمی پایان یافته است . این خبر از طرف ۱۵ نسخه ای خبر رسانی خارجی به تشریف می‌گردید ، رادیو رسانی خارجی به تشریف می‌گردید و به تعقیب آن این شعبه به انتیوت علوم «شعبه رادیوم» تأسیس گردید و مطبوعات جهان تبصره نموده و به حيث خبر هیجان انگیز قبول شد .

رادیم تبدیل گردید در نورember سال ۱۹۲۱ فابریکه رادیم برای اولین بلى این را هم باید بدان آور شویم مرتبه ترکیب‌های بسیار فعال رادیوم را که علم و تحقیک اتمی در اتحاد شوروی چندی قبل شروع شده بود در اتحاد شوروی مرا گز اینک بعضی ازین مکعب هارا بآیند تحقیقاتی مخصوص تشکیل شده و

# نیوزی اتووی

## که ای چندین هزار سال، گاز برای سال کفايت خواهد کرد



از فعال شدن دستگاه تولید برق

اتومی تمام منابع تولید کننده انرژی

نگهان خاموش شدند. فقط دستگاه

اتومی تمام منابع تولید کننده انرژی

اتومی هزاران نفر بدون تشویش

و خطر چای صبح خود را تهیه کردند

درین شهر عمارت پوئنچی های

فزیک انرژی استکی به نظر خورده و

عمارات دستگاه تولید برق اتو می

در بین شان نمایان است. واپس

عمارت به مثل یک موذیم در آمد

است. مگر وقتیکه درصالون اولین

ریاکتور انرژی استکی که قدرت

مجموعی آن به ۵ هزار کیلووات می

رسد داخل می شوید راجع به فامیل

بزرگ مابعد آنکه در سراسر جهان

است. فکر خواهید کرد. قدرت

مجموعی تمام آنها به ۳۰ میلیون

کیلووات رسیده و با گذشت زمان

روبه ازدیاد است.

این راهم باید تائید کرد که ساختن

اولین دستگاه تولید برق اتو می از

روی ضرورت اقتصادی بوده است

مگر ما حالا درین ساحة ضرورت

اقتصادی نداریم. به نسبت اینکه

برای چندین هزار سال پیش گونی

ذخایر زغال سنگ، تقریباً برای ۵۰۰

سال گاز و برای صد سال نفت کفايت

می نماید.

در حالیکه این قسم یک ضرورت

بمواد سوخت معدنی حس نمی

گردد پس چرا چندی قبل بسیاری

اکتشاف های جهان به بحران انرژی

شوری راه دیگری را در آینده

بیشینها دارد. در فعال ساختن

دستگاه اتو می یک چیز دیگری هم

بود و آن عبارت از جنبه اقتصادی

انرژی استکی، اقتصادی و

شناخت اشعبه از علم زیست شناسی

نمایم.

ذخایر انرژی در سراسر خاک

برای اعلاده بود.

گشود. مگر جنگ عمومی دوم جهان

به سرحدات اتحاد شوروی رسیده

بود.

وقتیکه حرب سر د در جهان

جریان داشت ما این موضوع را

خوب بباد داریم. در آنوقت اتفاق به

سویه علمی، صنایع

بمب اتمی و هایدروجنی را

ساختیم. مگر مردم اصلی ساختن

بمب نبوده یک مدت بسیار کوتاه

صنایع اتمی را روی کار آورده

دا نشمندان اتحاد شوروی فعل لیت

خود را در ساحه استفاده از انرژی

اتومی بمقاصد صلح ادامه دادند.

در سال ۱۹۴۸ شروع به طرح

ریاکتور های انرژی استکی نمودیم

از جمله تمام طرح های بیشینه داد

شده، رئیس پروگرام اتمی اکادمیان

کور چاتون در ابتدا فقط یکی داد

انتخاب گرد و آن طرحی بود که

اساس اعمار اولین دستگاه تو لید

برق اتمی را داد.

سازند های آن بصورت واضح

می دانستند که واقعات دلخراش

هیرو شیا و نا گاساکی ضربه ۷۱ را

دو دماغ بشریت وارد ساخته است

و تنها بواسطه یک طریقه جدید می

توان این عکس العمل واضح ساخت

که استفاده از هسته اتمی به

مقاصد صلح جو یانه برای جا معه

بشریت که سلاح اتمی فقطراه مرگ

را نشان داده بود، کشور اتحاد

شوری راه دیگری را در آینده

بیشینها دارد. در فعال ساختن

دستگاه اتو می یک چیز دیگری هم

بود و آن عبارت از جنبه اقتصادی

آنست، حقیقت دستگاه دیگرالکتریکی

اتومی برای میلیونها انسان یک چیز

فوق العاده بود.

سرنشینان او شیتسکی به

صورت غیر متوجه با دستگاه اتو می

معرفی شدند. مگر در روز دیگر بعد

شماره ۲۴۹۲۳

# ممتاز و همیازی هایش

ترجم: هدی دعاگوی



ممتاز به آینده که از عالم سینما دور خواهد بود فکر می‌کند

دیلپ کمار

من هم اعتقد نمی‌کردم آنوقت دانستم که دیوانند مرد نهایت پرمد عاو پوسف صاحب آرتیسٹ نهایت مطلب آشناس است همینکه مطلب خود بزرگوار و مقدار است و سالهای را حاصل کرد میانه و رابطه را با طویل لازم است تا هنر پیشگان دیگران جایز و لازم نمی‌باشد. امروزی ما بمقام و موقعيت او برسد

دلپ کمار بزرگوار: دیوانند پرمد عا  
سنجدیو کمار کم حرف: د هرمندر  
متواضع، راجندر کمار شجاع:  
جتندر شکمبو: سنجدی عصبا نی:  
رجایش کهنه کاکا، امیتابه چن  
بیغرض و دار اسنگ خجول

ممتاز از ستاره های ورزیده و با او همیازی بوده اند اظهار عقیده شناخته شده سینمای هند است که ما آنرا عیناً تقدیم چندی قبل با (میور مدھوانی) یک میکنم.

ناجر هندی که در انگلستان زندگی میکند رسماً نامزد شد و قرار گذاشته راز بزرگ موقعيت دیوانند را از که الی سبتا مهر مال ۱۹۷۴ تمام کار اینکه چرا با یعنی شدت مورد توجه زنان است کسی نمیداند واین وبار فلم های نیمه کاره خود را تکمیل نموده و بعداً ازدواج کند واز جهان موضوع بحیث یک سوال نزد من موجودیت دارد که گاهکار هی بدان فلم و سینما یکسره کنار بروند و به فکر کرد ه ام برای این سوال جوابی نیافته ام. با دیوانند تازه ساز زندگان و بروند یو سران (هری راما هری کرشنا) در فلم های (تیری میری سینی) ظاهر شده. سعی و تلاش میکوشد کار فلم های ام در دوران فلمبرداری (تیری میری سینی) او را میدیدم که در هر زاویه را که مربوط به قرداد های قبلی است خاموشانه و متفکرانه می‌نشست و به هیچ کاری دست نمیزد ولی در فلم او بر طبق فیصله قبلی همینکه - (هری راما هری کرشنا) که برای ازدواج نمود با شوهرش یکجا عازم انجام یک قسمت فلم به (نیال) رفتیم یک تغییر فاحش در او بمالحظه انگلستان شده و بحیث یک خانم رسید یعنی یک بارگی دهن مهر شده او باز شد و آنقدر حرافی میکرد که برای تعجب آور بود. او مثل بچه‌ها خواهد نمود.

وی درین فرصتیکه در آستاده حرکاتی از خود تبارز میداد با وجود اینکه چندان بر قصه‌ها بلد نیست وداع با سینما و همکاران سینما قرار برقص میبرد اخ特 تا مارا خوش دارد در مورد یک عدد هنری پیشگانی که نگهداشتی باشد ولی همینکه فلم به پایان رسید دیگر اصلاً به سلام



## دیلپ کمار

وقتی در فلم (بوند جوبن گپی موکی) بعوض راج شری به صحبت هیروین انتخاب شدم چیستند ر فوق العاده ما یو س شد و بهر کس میگفت با باز یکر فلم های درا سنک روی پرده ظاهر نخواهد شد از اینرو بنامخالفت رانهد اما وقتی (شانتارام) دایر کتر فلم از موضوع اطلاع پیدا کرد با اخطار داد که اگر حاضر نیست بعوض او هنرپیشه دیگری را انتخاب خواهد کرد که جتندر از این اخطار ترسید و علی الرغم تمايل خود به کار ختم فلم پرداخت.

## سنجه:

- چون پتان استه از اینرو بسیار صاف دل و بی کینه و بی مدعاست. اما عیب بزرگ اور در عصبا نی مزاجی اوست بسیار زود عصبانی میشود و آنوقت دگر هیچکس را نمیشناید

بقیه درص ۶۶

## سنجه

فراآنی استخراج نمایند.

## راجهش کهنه

- طبیعتا طریف است. در نقا لی دست دراز دارد این هنر پیشه خیلی شجاع است که از هیچ چیز ترس ندارد. در فلم (تانگی والا) با هم یکجا ظاهر شدیم از آغاز کار فلم تا ختم آن راجهش کمار ما را می خنداشد همیازی خوبیست که با و یکجا کار کردن لطف فراوان دارد.

## جیتندر:

- این هنر پیشه بقدر کافی شکم پرست است. وقتی او روی میز غذا

حاضر شود طوری غذا صرف میکند میکشم واو پادست پا چکی تمام سلام میدهد و مقدم آن نیست که که بینده تصور میکند در (مومو) گویان معدن میخواهد.

شکسته نفس و متواضع است.

عادت دارد بسیار کس اول

زدن و فرزند دارد والا شاید مردم از

این توصیف های من چیز های

و بی لطف جلوه میکند.

## دھرمند و

و غرور و نخوت نخواهد شد. او با

وصف اینکه امر و زدر قطار هنرپیشه

های شماره یک سینمایی قرار دارد

باز هم رفتارش درست شبیه وقت

حالیست که او به حیث شنا گرد در

فلمالیه بود.

## دھر مند:

آدم شریف، خوب پر کار و صاحب

شخصیت اخلاقی میتوان او را خطاب

کرد. دھر مند بهر کس احترام

میگذارد بدون اینکه مدعما و مطلبی در

بین باشد. او با وجود محبو بیت و

شهرت فوق العاده خود باز هم

شکسته نفس و متواضع است.

عادت دارد بسیار کس اول

سلام میدهد و مقدم آن نیست که

جوابش را طرف مقابل میدهد یانی طول سال چیزی نخورد است. از

شخضا خودم در وصف دھر مند اینکه بکذریم او صاحب هرچه-

هر قدر صحبت نمایم بیمورد نخواهد

گانه بوده گاهی حرارت صمیمیت اش

بود. از بخت خود را ضی استم که و

میل آتش طرف مقابل را می سوزد

از و فرزند دارد والا شاید مردم از

این توصیف های من چیز های

و بی لطف جلوه میکند.

## جیتندر

در فلم (رام و شام) افتخار هم بازی او را حاصل کرد که این مو فقیت

را هر هون حسن نظر او میباشد.

دلیل کمار مرد خوب هنر پیشه

خوب و لیطفه سرای خوب است وقتی

با او صحبت شود از بسی متواضع

و برد باز است انسان فراموش

میکند که او هنر پیشه محبوب

میلیونها نفر باشد

بعد از ختم فلم (رام اور شام)

قرار بود در فلم دیگری هم مقابل

دلیل صاحب ظاهر شوم ولی او

مشوره داد که ناید در نقش یک

زن بیوفا و خیانت کار در فلم

(داستان) خصه بگیرم همان بود که

(بندو) انتخاب شد تردید نداز

که دلیل کمار صاحب بنا به لطف

خاص خود مرا مانع شد برای آنکه

آن نقش راموفق شان من نمیدانست

ولی نمید نبودم از اینکه موقع

هم بازی با دلیل کمار را دیگر نمی

یابم. اما حالا دیگر فهمیدم که بخت

من گوتاه است که دیگر بچنین یک

افتخار بزرگ هنری نایل نخوا هم

شد.

## سنجه کمار:

- نخستین ملاقات مادر استودیوی

فلمالیه صورت گرفت در فرستیکه

سنجه در آن جامصروف فراگیری

دروس مربوط به کننگ بود و من

گامگاهی بسی بغير ض

بازدید خواهیم (ملکه) که او

نیز شاگرد در آنجاه بود باستود یو

میرفتم. یک خصو صیت قابل تذکر

در سنجه بوضوح مطالعه شده می

تواند و آن اینکه نهایت متواضع

و حلیم طبیعت بوده و در هر موقف و

مقامی که باشد گرفتار خود خوا هی



همتاز

## معضله قبرس به کجا خواهد کشید

تعداد که بتوان آنرا برای قبرس  
آن سر زمین را به شکل دموکراتیک  
اتخاذ کرد.

دوم سیستم فدرالی که ترکیه  
و ترکی زبانها آرزوی آنرا دارند  
هر گاه این سیستم با ایجاد اینها که  
دارد تشکیل گردد. شاید تاحدی  
مفیدی باشد اما از نظر مسأله ایل  
مربوط به سر زمین یونانی زبانها  
را در آن سر زمین یونانی داشته است.  
خواهند داشت که این موضوع هم  
غالباً باعث ایجاد سؤل تفاهم و عقد  
ها خواهد شد به عبارت دیگر اگر  
پسر برد.

از طرف دیگر اگر اند کی دقت  
شود کوتای اخیر قبرس خود -  
توسط قوای گارد ملی صورت گرفت  
که در راس آن صاحب منصبان  
یونانی قرار دارند و این خودضریبت  
دیگری بود که در راه ایجاد فاصله  
بین ترکی زبانها و یونانی زبانها  
وارد آمد.

حالا در پیوتو تمام این حقایق و  
واقعیت های مربوط به این جزیره  
و در روشنی این امر که هر  
نوع خطر در قبرس خطیز به صلح  
این منطقه خواهد بود آینده آن چه  
خواهد شد و چه باید شود؟

نخست از همه اگر تضمین کنند  
گان قانون اساسی و آزادی قبرس  
آرزوی آنرا داشته باشند که همان  
قانون اساسی ۱۹۶۰ و همان سیستم  
جمعیتی قدیم را مجدداً رویکار  
آورند شاید این امر بحال مردم  
قبرس مفید نباشد چه بوضاحت  
معلوم شد که این سیستم مفید  
واقع نشد حتی با وجود موجودیت  
قوای صلح ملل متعدد این سیستم  
کارگر نیفتاد و اگر قرار باشد که  
این وضع بواسطه قوای صلح ملل  
متعدد حفظ گردد تا چند وقتی؟

درین سیستم حتی قبرس  
صاحب منصبی از خود نداشت که به این  
آن صاحب منصبان یونانی در راس  
قوای گارد ملی آن سر زمین قرار  
داشتن مختصر اینکه این سیستم  
داده است دیگر شاید کمتر بتوانند  
دیگر گنجایش نرا زیر یک سقف بسر برد.

## گذشته‌ها و آینده‌ها

اینکار زیاد ساده نخواهد بود. ما مجبور  
عستیم به استنطاق و سوالات پولیس چوب  
بکویم، حتی شاید هارا جریمه کنند. ولی  
هرچه باشد مادریگر فرانزی کنیم جویی  
دیگر روزهای فراریه پایان رسیده.

ومن به او و عنده دادم.

- نه! وال夫 من دیگر فرار نمیکنم.

بعداز ظیر فردای آنروز آنها را آوردند

و به آغوش من انداختند ان حالا چهاره‌اه بود.

و مثل دلک شکلته به نظر همیشد.

من آن داشت به آغوش شردم. او از

ورای شانه هایم با اکشان رالف بازی

میکرد. رالف خودش را قواره میساخت

وان ساده و بخیال میخندید.

آنها اجازه نمی‌دادند ان را با خودمان ببریم.

ما باید به سوالات زیادی چوب میدادیم.

در اینباره بیشتر توضیح میدادیم. آنها

می‌خواستند مطمین شوند که ما بین کار

و حشتگار را تکرار نمی‌کنیم. والبته کم من

در این مورد - به آنها حق میدادم.

حالا فکر میکنم شاید بپرسیم بود من از آن

اول فرار نمیکرم. شما فراریه گشید و فرار

می‌گشید دیگر جایی برای فرار باقی نماند.

شما همه ژندگی تانرا و خانه‌وشق و دوستان

تانرا فاصله عاقب گذاشته اید. شما

نمی‌توانید برگردید و آنها برسید.

من حالا خودم را خوشبخت احساس می‌کنم.

خوشبخت ایکه بعضاً فکر میکنم لیاقت آوار

ندازم.

من خوشبخت بودم که توانتم به عقب

برگردم و حالا آینده درخشانی برای دالفوان

می‌بیم و اورا پیدا من کنیم، جویی میدام و من دامن گسترد. آینده ای برای بوسه‌ها... انتها

## سرگردانی بند

حلوا را پخته کرده این «حقیر فقیر»  
سرا یاتقیصر را که به حلوا گل  
علقه مفرط دارم خبر کنید اما  
تو سیدم که مبادا سرم هائند بس  
بریزند و هما نجا به اطلاع دوستانم  
برسانند ناچار همراه با رفیق خود  
خدا حافظی کردم و هرچه زودتر  
خود را به ایستگاه رسانیدم دیگر  
نفهمیدم که چه گشید؟

لوحه موثر را خواندم نوشته بود

«ولایتی قلعجه، بر سیدم موثر کجا  
می‌رود گفت شاه شهید - پس چرا

ولایتی نوشته است گفت: بادار

موثرها زود زود تبدیل میشود کس

بیکار است که لوحه ها داهم تبدیل

کند گفت خوب میکنید. شاه شهید  
که میروید گفت بلی و من هم سوار

شدم.

برایتان کسی نخواهد گفت و نذر

## شاعر کلاسیک

پیشانه لره منصب نهادی، غضب دی  
کنگویی نهانی بادگرانش است.  
چه تلاش داضافو کالا بی دا ل  
قصه ناشناس آشنا ناتمام ماندی نهان  
که هزاران کاندی پیشتوون، مغل به داشتی.  
عزیزمن! بیدخنخه باز گوی!  
او لب نکشود ابرام نکرم تاعشق هایتاب  
بویه داجه له زره و بایسی دا خیال نکردد.  
آن راز نکفه هاند.  
پیشانه لره شری اندیری بنه دی  
آن گره سر بسته سوخت.  
نه بی اغو ستبی د مغل د مجری شال(۷)  
یک دمه و دوسال می گذرد.  
خوشحال خان در مورد بسرا  
خواستم داغ آن روزگار دا رقم ذنم.  
که در برابر یدرش خیانت میکند و  
درد مرا قلم بر صفحه دیزد آتش حسد  
از او بربده بصفوف می پیشوند،  
هنوز خوش نکشته حسرت یادگار نیمه  
این ابیات را که حاکی از درد و الم سوز آنست.  
سبیر نقش دگر و بیفت و نک دیگر آورد.  
جانکاه او یند مینویستند:  
روشن شدکه روشن چهره - هوس باز و  
تا هنر د سرداری نه زده بیهارمه  
بیتاب زندگی بود.  
جام چشمانت از جام شراب خرابی می دید  
سرداری دی په خپل دور کری بدنامه  
استی هی جست.  
(۷) همانجا ص ۵۰۰.  
دلش آهنج هوس و بزم داشت.  
هم تمامی خیلخا نی لره بلا شوی  
ازان براه ناصواب - خطه هی دفت.  
هم خپل خان لره بلاشوی بدنفر جام  
در دل خطابش کردم: زیبائی هامی دود  
مشر ورور دی په زندان کر، ته در داغ خزانگاه میسوزی.  
خانی کری  
در حلقة دیگری اتفاد، آبرورا در پایی بی  
داخانی دی شه په خان پوری حرامة بروئی نهاد.  
اینهم نشانه ای از انسون خانه عشق.  
نور دی نوم خما د خویو په شماره  
سوما، عاشق شکست دیدم شبی این  
بی شه حکایت رادر شور و دیزش اشکمیکفت، من تو شتم  
دخوشحال ختیک وینا په دا تمame(۸)  
او داستان دردش دا بن آورده بود تا داغ و  
نقش وائر هاند.  
باقدار (

## مردی بانقاب بقه

پاهایش ولب نی درمیان دندانها  
باره نزد مابر میگردد.  
ایلا رس از یک وقفه و سکوت  
نشسته بوداما به تصویری که یک  
مقدار راضی و سر حال باشد جلوه  
رای نزد ما بر گردد در آنصورت مینمود.  
برای توممکن خواهد بود که شغلی  
دیک اظهار داشت: آقای جانسن  
را که از آن نفرت داری ترکنی؟  
شما پسیار لطف دارید. تصور  
جان بنت به آرامی پاسخ داد: نمی کنم که رای پیشنهاد شما را  
من کارم رارها کرده ام. عزیزم. دیگر  
رای میتواند از عهده انجام این کار  
هیچگاه به آن دست نخواهم زد.  
دیگر هر گز! خدارا شکر که از عذاب  
خلاص شدم!  
ایلا صورت پدرش راندید. امادرد  
جانسن دردادن جواب مرد مانده  
بود و گفت: نزدما یتلند بصفت یک  
کارمند و مامور ساده کار میگرد.  
اتاق کار پرازدود سگرت بودسر و  
وکله دیک گاردون که کاملا به بنداج  
بسته بود در صورت صاف و قشنگش  
ش جای سه خط خراشیدگی بینا بود.  
دربالا پوش خواب و سیلیپر ها به  
شما بیش از حد نسبت به او  
خوشبین و مهربان نیستید؟

## حضرت زید بن خطاب (رض)

پیش است اکروی زنده بعائد قصار بیشتر  
منشی خرسند می شدویه احمدی فرود نیمی سانید  
وین چنگ بیشتر در پی قتل و آندهام وی بود  
سواب و لایه اوره اوره بقتل و سانید و در گذشت و جال  
محلد دوستی نمی کنم.  
متهم بن غیره وقتیکه برادرش وفات گردید  
مرتبه درازی سرود حضرت عمر (رض) برایش  
گفت: اگر من شاعر می بودم بهترین  
شعر خودرا به رناء برادرم چنانیکه تو  
سروده ای می سرودم متهم دد جواب گفت:  
اگر در راهیکه برادرت رفت برادر من میر دست  
هر گز هنار نمی شد ه سپس حضرت عمر (رض)  
برایش گفت بهیچکس هاند تو هوا بهتر  
شہادت نایل شده مجد و کرامت را تجدید و  
تعزیت نگفته است.  
میگویند قاتل زید (رض) ابومیر نام  
داشته از قبیله بن حنف بوده است و قبیله  
بن حنف از دوان رجال بن عنقوله بوده نام  
او نهار بوده است که بعداز اسلام آورده شد  
باردیگر راه کفر را اختیار نموده قبیله خود  
را برداه کرد و به آنها گفت که پیغمبر اسلام  
بیو گفته است که مسیحه پارسول خدا (رض)  
در رسالت شریک می باشد.  
زمانیکه ابو هریم مسلمان شد بعشرت  
زیارت گشیده قوت جسمانی ام بصفعه کراید  
ز زندگانی ام مدت کمی باقی ماند، هر اینقدر  
فرار اراده و قسیع بخود بیدیر. خدا یا روزی  
جه نهاد را بمن نصیب بگر دان و هرگز  
مرادشیر بیغمبر محقق بساز.  
همان این امر تحقیق یدیرفت و خدا و نس  
دیواره بخداآنده چنین دعا کرد. خدایان من  
از زرگ شده قوت جسمانی ام بصفعه کراید  
ز عمر (رض) گفت: خداوند زید برادرت را  
بدست من عزت داد ولی بادست او اهانتی  
از او وارد نشد همان بود که حضرت محمد (رض)  
از اوی قصاص نکرفت.  
حضرت زید (رض) با وجود قوت و  
شجاعت خود مرد منصف، سخن و کریم بوده  
هر شخص رابه اندازه اش تقدير می کرد و از  
فضل کسی انکار نمی نمود و اگر کسی به او  
احسان می کرد احسان رابه احسان و دهد نمود  
چنانچه اور در طول زندگی از فضل مردم انصار  
یادآور شده می گفت: مادر حالیکه نادار بود  
عقول و دانش زید (رض) مطلع بوده  
عموره ازیزی یادمی کرد و از آن به  
جه نیاز ساخت و در همه امور یاما بازوداد.  
تاسف باد آور شده میگفت: هر یار محبیکه  
حضرت عبدالله بن عمر وغیره از وی حدیث  
من و زمان ازان بیو زید اهلی یابم.  
حضرت زید (رض) با وجود این همه فضایل  
روایت نموده اند.

## ارزشیهای جهانی

و نیروی توان و بیشرفتیش را  
های سطح الارضی و تحت الارضی  
 واضح ساخت و با وگوشزد کرد که  
دانه ها و جویا و سایر نبات مورد  
آنچه در این جهان از مظاهر خلقت  
نیاز انسان ملیون ها سال پیش  
وجود دارد برایش مسخر و در  
حاصل اندوزی است پس برای  
دیگر این وظیفه انسان در شرایطی که  
دانه های گندم مهیا، خاک و آب  
بیاموزد و در فروغ دانش و علوم  
طرق تسخیر طبیعت را جستجو نماید  
و آن را در خدمت انسان و برای  
عمران و آبادانی جهان بکار آندازد.  
جز از تخم کردن زمین، افشارند  
وقتی انسان باطراف و جوانب  
نظر می افکند همه چیز را فراهم  
خواهد بود و یا بعباره دیگر چه کاری  
موجود می یابد و همینه وادی  
دیگر باقی خواهد ماند که او انجام  
های پنهان و خاک مستعد و آب بدهد.  
«دنیا و دار»

# مطابق پلان ۲۵ سال

باقیه ص ۳۸

## بر گزیده الفرد هیچکاک

و بلکه همیشه عقیده داشته ام که هیچ تمدنی  
نخواهد بود که چین چیزی اتفاق بیفتد...  
اما به نوعی که هارگز با قلب پر از عطوفت  
آنکونه با پیر حانه ترین وضع و خونسردی  
غیرقابل تصور کشته شد یک خانم که  
صرف میخواست به دیگران کمک کرده باشد.  
دای از جایش برخاست و من به حرف ادامه  
دادم:

من قاتل هارادو نجایپا کردم و بخطاطری  
از اونها این زمین و گله را خریدم تا به ایشان  
نژدیک باشم - اگرچه تائوفت کدام پلان  
خاص برای گرفتن انتقام از اونها درسر نداشت  
احتمال داشت اینکار عملی نمیشد، اگر  
دای گفت: اونها به پای خود فزد تو  
مراجعه کرده، تهدیدت کردند.

چشمبار است به حرفهای ادامه دادم:  
من تمام قوه، لوبیا، خواروبار و سیب عارا  
با زهرآلود ساختم، خوراکه باش که هیین ها  
از راه جیره میخواستند از من بگیرند.  
دای آخسته سرش داشور داده گفت:  
من بعرفم ایستاده هستم دونالد - میخواهم  
دقتر خصوصی بازکنم و من خواهم توشریک  
من باشی، اما توحالا سرحال آمدی؟  
داینکه هنوز هم بدبای انتقام‌جویی هستی  
انتقام‌بطاطر مرگ هارگز؟  
من بدبای جواب میگشم، اما نهیتوانستم  
چین جواب را پیدا کنم.

تومیل هارگرت هستی که بسگهای یله‌گرد  
و پشکه‌گله‌امیداد و قلبی هالامال از عشق و  
محبت داشت.

کلمات او مانند خنجری در قلبم می‌نشست.  
امامن سکوت کردم.

دای به حرفش ادامه داد: اگر هارگرت  
عوض توهی بود، هیین هارابه داخل منزل  
خوانده براشان غذامیداد.

و امامارگرت درحالیکه گاردگارخانه در وسط  
قلبس فروخته بود، در مطبخ چان داده و حلقة  
ازدواج هم از گلکش مفقوط شده بود...

من هنوز هم ساكت بودم.

رای به آهنج ترمی پرسید: چونه این  
گادرگردی دونالد؟

- من هیین هایپرایک به همسرم تعباور  
گردد بودند، بیدا کردم.

من برای پیداگردن  
فالتان زم زحمت فراوان کشیم و تمام وقت  
فراغتمن را صرف تعقیب و جستجوی آنها نمودم.  
و از جانی هم مطمئن بودم که خارنوال شیوه  
ترسودا برای اتخاذ فعله و اصدار حکم  
برای دادن شهادت نمی‌توانست احفار کند...

رای زمزمه گرد: آخسته تر، جوان آخسته  
ترور بزن.

برای من مشکل بود که با این گروه بسی  
سروره بازدید که راه گلوبی دامن فشرد و  
غمی که روی سینه ام گرانی می‌نمود از در  
صعبت و مکالمه پیش آیم: من هیکنگاه هایل  
به آن بودم که قانون رادردست خودم بگیرم

قبل از تخریب آن نواحی برای مردمی  
کابل مصروف فعالیت می‌باشد.

که خانه هایشان تخریب می‌گردد  
هر یم محبوب افسری:

ممکن است بفرمانی تطبیق پلان و بعد تطبیق نقشه را به عمل می‌نماید  
۲۰ ساله شهر کابل از چه زمانی  
کشاند و طبیعی است که توبه محل  
در کدام حضص شیر عملی خواهد کاری  
گردید.

سمیعی معاون بناروا لی:

بزوی شش نفر از متخصصان  
شوری برای مطالعه مقاماتی تطبیق  
پلان ۲۵ ساله در نواحی کهنه ساز  
کابل وارد کشیور ما می‌گردند، ولی  
شما میدانید که تطبیق این پلان و قبی  
عقلانه است که برای مردم ۱ یعنی  
نواحی قبل از شهر راهیش آغازه شده  
باشد.

دولت در بخش اول فعالیت خود

باقیه ص ۳۱

بزداید، قلب اقرار گردید. به دختر  
نژدیک شد ویر هوی انبوه مواجش  
دست کشید. دختر بعد از آنکه نگاهی  
به اطراف افکند، با غنچه و دلال خود را

بر جوان فشرد. ارسلانکول سر زیبای  
خیلی زیاد رفت و آمد خواهد کرد.  
اگر بتوانیم مهبلت بگیریم نو عی  
خواهیم کرد و خواهیم برد از دختر که در  
این ها برای هاتازگی دارد.

دلدار با احساس راحت، نفسی  
عمیق کشید. ارسلانکوی ازین که  
رها ساخته، موهای خود را مرتب کرد  
توانسته بعد تشویق دختر را

د ۱۳۵ هنگ پاتی

## دینسته و نهستان ملی و روح

دیت ملاتر کری اود هنی حل یسی  
دبین المللی پرنسیپیونو اود ملکرو  
ملتو دمنشور په اساس په سولهایز  
دول او دخربو له لاری غو بستنی دی.  
تاریخ شاهد دی چند جمهوری  
دولت مؤسس او ملی مشر بنا غلی  
محمد داؤد جمهوریت دمترقی نظام  
دینیت ته راتک په لومری ورخ وویل  
«دینسته و نهستان مسله زمو نز ۱ اود  
پاکستان ترمینخ دسیاسی اختلاف  
یواخی موضوع ده چه تر اوسه نده  
حل شوی او مونب بده به سواله ایزه  
لارددغی موضوع دحل لپاره خپل  
کوششونه به دوامدار دو ل جاری  
وساتو»

دغه راز زمونب ملی مشر په یوه  
یله جامعه او مهمه ویناکی یو خل بیا  
دینسته او بلو خلود ملی حقوق‌ملاتر  
داسی و کر اووی ویل دافغا نهستان  
جمهوری دولت به یه سره سینه د  
پنسته نهستان دملی مسای دسوله ایز  
او شرافتمدانه حل دلاری دییدا

اینست

زوندون

مسئل مدیر:

علی محمد «بریالی»

معاون روستا باخته

مہتمم ع.م عثمان زاده

دستگوی مدیر دفتر تلفون: ۳۶۸۴۹

دستگوی مدیر دفتر تلفون: ۲۱۹۶۰

سوچبورد ۲۶۸۵۱

دمعاون دفتر ارتباطی تلفون ۱۰

دوزیع او شکایات مدیریت ارتباطی

تیلفون ۵۹

پته: انصاری وات

داستراکا بیه

به باندیو ھیوادو کبیس ۲۴ دالر

دیوی گنی بیه ۱۳ افغانی

به کابل کبیس ۱۵۰۰ افغانی

باقیه ص ۴۶

## دو قیم ور زشی:

کابل.

زراعت و آبیاری.

بنگالی اسدالله محصل بوهنجی

اقتصاد بوهنجتون کابل.

بنگالی زبیح الله متعلم لیسه

غازی.

بنگالی نعمت الله محصل پارامید

یکل وزارت دفاع ملی بنگالی فریدون

پاکستان مناسبات ددوارو ھیوادونو فارغ التحصیل لیسه غازی.

بنگالی خالد عثمان مامور در وزارت امور خارجه.

بنگالی محمد نعیم متعلم لیسه

غازی.

بنگالی محمود راحل محصل کورس

احتیاط.

بنگالی عبدالشکور یونس محصل

پوهنجی اقتصاد پو هنtron

کابل.

بنگالی محمد انور فارغ التحصیل

لیسه غازی.

اقامت خود از شهر عای آلمانا،

تیمهای والیبال و با سکتبال طی

فرونزدا دو شنبه و تا شکنده دیدن

میکند.

رُوندی دی وی پنسته نهستان

او

پنسته نهستان ورور گلوبی.

# مراحل انرژی اتومی

مرتو ذروی است سخن می‌زند.  
دانشمندان اتحاد شوروی تحقیقات خود را در حصه دستگاه نوع تو کیک که در زمان خود از طرف اکادمیسین آرسیموویچ پیشنیاد شده بود ادامه نمی‌هند. دستگاه های این نوع فعلاً در ایالات متحده امریکا، کشور های اروپای عربی و چایان ساخته نمی‌شود. مدارای اساساً تی می‌باشیم که این وظیفه بشکل و خطیر تا ختم قرن موجوده عسوی حل خواهد گردید.

**اتوم برای صلح و صلح برای اتوم:**

پیشرفت این قسم ساحه علم و تحقیک مغلق هانند انرژی اتومی جابو بشری را قناعت داده همکاری بین المللی بروی آن مفید و ضروری است. اتحاد شوروی با این وضع هنوز در اولین کنفرانس رئیسی که راجع به استفاده از انرژی اتومی به مقاصد صلح دایر شده بود بیانیه داده و در باره تجارت و ساختن و استعمال اولین دستگاه تولید برق اتومی معلومات داد در آن وقت اکادمیسین کورچاتو فدر هارو نیل برای دانشمندان خارجی راجع به تحقیقات عکس العمل ترموز روی اداره شوند. کنفرانس داد: ما با اشتیاق کامل نتایج اصلی تحقیقات را با شما در میان گذاشته، متخصصین خارجی را قبول گرده واز خود را بشما می‌فرستیم و همچنان معلومات خود را به آزادسی انرژی اتومی بین المللی خبر میدهیم. اتحاد شوروی در حالیکه در پیشرفت انرژی اتومی کمک می‌نماید خدمات خود را در بهره‌مند شدن از بورانیم حتی به کشور های متفرقی جهان مانند فرانسه ایتالیا، جمهوری فدرالی ایلان و بلجیم دریغ نکرد. ایست. کشور اتحاد شوروی دارای چنین قدرت صنعتی است که این قسم همکاری ها را باسas هدایت دوام دارو با اکتشاف تا میان نماید.

روی سخن های بیکی از اصلی ترین شرایط پیشرفت و آن عبارت از فراوان (هم) ترین انرژی و

پیشرفت انرژی اتومی به میل تماً جامعه بشری و غر فرد می‌باشد.

پایان

سیونی را بالای انسانها وارد می‌کرد.

**سه عکس العمل و سه مرحله:**

(این پیشرفت ها مربوط به دستگاه های تولید برق اتومی است. مرحله اول عبارت از عمارت دستگاه تولید

برق اتومی یا انواع مخفف ریکتور ها که قدرت آنها زیاد شده می‌رفت می‌باشد. هر یکی از بلاک های انرژی

یک قدم جدید در تلاش و عملی بوده و ریکتور های شان از جریاناتی دومی دستگاه اتو می‌مورد استفاده بود درین دستگاه ها

نفت و گاز (ساخته شود پس در اتمو سفر سیاره زمین سالانه ۶۰۰ میلیون تن گاز ات سلفر و ۵۰۰ میلیون تن زغال بیرون از داخله خواهد شد.

این اقدام نه فقط منطقه نی را که دستگاه در آن فعالیت می‌کند مملو از خطر می‌سازد بلکه این مواد افضل

سراسر جهان را در برمی‌گیرد. طوریکه معلوم شده دستگاه تولید

برق اتومی این قسم خطرات را بوجود این آورد. مگر حتی ما ازین زمان

فقط به ساختن دستگاه های تو لید برق اتومی تا سال ۲۰۰۰ ادامه بدهیم در آنصورت سطح رادیو اکتیفی در تمام سیاره زمین نسبت با ند آزه

اجازه داده شده صد مرتبه کمتر خواهد بود. این محا سبات برای دانشمندان فزیک و دکترون مربوط

نظر به آزمایشات و تجارت استفاده چندین ساله دستگاه تولید برق اتومی در کشور های جهان روشن است.

طوریکه معلوم ماتدارید انرژی اتومی بصورت مواد فاضله عادی سوختانده و یا گوگرد نیتوانیم مکرماً آموخته ایم که آنها در قطب داخل گردد

در جاهای اطمینان بخش دفن کنیم و فعل پیشرفت علم و دانش مفکر از ریکتور (بی، ان ۱۰۰) که در بین مرحله انرژی اتومی کانسروین می‌باشد استفاده می‌شود متخصصین اتحاد

خصوصیت ریکتور های که به نیوترون های سریع فعالیت می‌نماید دانشمندان شوروی را بخود جلب کرده است بعداز تحقیقات یک عدد دستگاه های ازماشی در اتحاد شوروی ریکتور (بی-ان ۳۵۰) ساخته شده و شروع

به فعالیت نمود. در تعقیب آن در دستگاه اطمینان بخش دفن کنیم و فعل پیشرفت علم و دانش مفکر از ریکتور اکتیف رادیو اکتیف رابطه دارد و ما آن را فاضله رادیو اکتیف به مواد غیر اکتیف تعديل گردد. این هم یک پائیت و بنفع دستگاه تولید برق اتومی است

بدین صورت پیشرفت انرژی اتومی در جریان بیست سال اجازه داده است که جنبه های حقیقی مفید

و پس از این مدت می‌باشد. این هم بروزی (بوم شناسی).

وابلم محافظه محیط اطراف یک

وضعیت می‌باشد و برای همه واضح است. همچنان واضح است که

دستگاهها تولید برق اتومی است

بودن آنرا برای زیاعت و محافظت از این مدت

اتحاد شوروی بصورت غیر مساویانه گردیده است. زیادتر از ۸۰ فیصد آنها در قسمت بورال فراز گرفته است. و مناطق صنعتی که در ساحه روبانی کشور قرار گرفته به ترتیب دوام وار انرژی ضرورت دارد. و فقط ضرورت آنها را ذریعه دستگاه های تولید برق اتومی می‌توان رفع کرد. از همین سبب است درینجا دستگاه اتومی ورونز جدید ساخته شده است با فعال ساختن.. قسمت بیان نیز دستگاه تولید برق اتومی های جهان تا حال محسوب نمی‌شود درین نقطه همچنان دستگاه اتومی ترکیب فعالیت کرده و ساخته از جمله هر قدرت و ترین دستگاه دستگاههای اتومی کورسک، چیر-وز یستکی، سمد سنتکی، ازمانشکی وریان دارد. ساختن دستگاه تولید برق حرارتی ر مخلع تیکه از جای استخراج مواد ساخت دور باشد اقتصادی نیست بدین وسیله اتحاد شوروی دستگاه برق تو می‌تواند فعالیت کرده و ساخته از جریان دستگاههای اتومی دستگاههای اتومی را در مناطق قطب شمال و در سفیه دستگاه تولید برق اتومی سحرها ساخته و می‌سازد ناگفته نسازد که تدبیه دستگاه تو لید برق کوچک باقدرت کم برای کار را دارد. مراقب خصوصی رول مهمی را بازی می‌کند. بطور مثال در مناطق که رسیدن نهای مشکل است و هم در فضای بیانی ازین قسم دستگاه هاستفاده می‌تواند در بسیاری ازین قسم دستگاه های اتومی اتومی را بصورت سنتیم به اتومی بر قبی تبدیل می‌زان کرد. ریکتور (روم مسکه) او لین دستگاه تو می‌تواند نوع در جهان بوده است بعلا دستگاه تو پازهم چنان ساخته نده است. بالاخره می‌رسیم به وضع اکولوزی (بوم شناسی). رابلم محافظه محیط اطراف یک

وضعیت مهم بوده و برای همه واضح است. همچنان واضح است که

دستگاهها تولید برق اتومی است

## بنیانگلی خلعتبری با بنیانگلی و حیدر عبدالله

طی این مذاکرات گاه در فضای دوستی و تفاهم کامل صورت گرفت راجع به مسائل مهم بین المللی از تکناف او شاع منطقه و تقویت و توسعه روابط و عمکاری های مشترک در جانبه افغانستان و ایران تبادل افکار مفید و جامعی بعمل آمد.



گوشیه ای از مذکورات بین بنیانگلی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران و بنیانگلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه

۱۵۴ مخپاتی

## اود شپه جنازه

لیدلی . خواهم چه هنری و گورم او بیرون  
دشمن ،

(خرک) نهاد (سبین) همانکل هم یونانخانی  
نکل پسکاریده . خوجه (سبین) هیچ ترضیح  
وزنکه نولاپسی هم اریان شو، او تورپسی  
هیچ ونه ویل .

او سپا غرمه (سبین) دخبل کلی به لیت  
و خوشید . پادامن حال کی چله (خرک) سرمه  
سل های پوششی لایتل جلی یانه ویس .

(سبین) هنداچه خبل کلی ته در مید تو  
سخت به فکر کن دوب و . همه خبل کان  
او دور کنوب شمجن چاپریال هماگسی سپیره  
او خوار لیده . همه لیدل چه دکل کورونه او  
کلاوی درخ یادورخ لایسی زیری او دیجبار  
حال پیداکوی هر خه قم جن وو د خپلس  
کلادیو والنه بی لیدل چه ذوری بادوی میس  
پیداکری او پسایی هر شیشه و نیزی .

دشی هم چه پاخبل خای بیروت نوی  
دکل داغجن محیط ستر گونه گویده هندهم  
بیاد (بیری) یه غم کی و . همه ته دخبل ولس  
نوی دیه نایایه کی اوونه وریادیدل اود (بیری)  
زوند دملبون ها و زگراند زندانه نبو ته وو .  
همه اوس پیر حساس شوی و او دیز گرانو  
زور در درونه اونایایه غمونه بی پنه خبل  
پوتکی باندی احساسوی همه شبیه تیره شو .  
تر سپایری بی د (پتن) یه خبر ویده فکر  
کی و اویه حققت کی کلی ته رانک ددی  
ر کپر آیه زد . تی ضر پیشو

زوند لومپی خپگان او ور پسی  
خشونت بیپسوی . پدی دول آیا  
بنارونه تل خپله کر کجهه خیره بشایی  
او آیا دهغی دله منخه ورلو امکان  
شته؟

باید ترهی خه پخوا له دغه  
خشونت خخه دهغی به سمه لار کی  
کار واخستل شی او داسی لار و  
موندله شی چه دغه خشونت خبل  
خای دیره مختگه دیاره مسابقی تا  
بریندی .

## امکانات تطبیق

عموم تعمیرات -۹ - الی ۱۲ هنله در حدود  
بانزده فیصد ، تعمیرات جار الی پنج هنله  
در حدود شصت الی هفتاد فیصد ، تعمیرات بیک  
الی دو هنله ، در حدود پانزده الی ۲۵ فیصد  
شامل پلان میباشد .  
منبع افزود این چنین تقسیمات بنابر  
ضرورت و صرفه جویی در وسائل انکشافی  
افتعداد سرگهای شهری ، وسائل موصلاتی  
آبهاش آشامیدنی ، کانالیز یشن و تا مین بر  
و غیره صورت گرفته است .  
در بلان بیست و پنج ساله انکشافی شم  
کابل تمدید سرگه های شهری مطابق ایجاد  
عصر و گشت وسایل از تگاه شاهراه ها و غیر  
پیش بینی گردیده است .

۲۱۵ مخپاتی

## بنادر ژوند دانسان -

به بی چه مجلس دنایند گانو دیو  
به بدل پوری دبنتو او تنگو چوکیواو  
دانگلستان ددیمو کراسی دیتکنکت  
تر منخ مستقیمه رابطه شته .  
نموده بیاره کنی دمعماری  
بدلون ته داشاری یه ترخ کنی زیاته  
کپریده . (دمعماری اود بنار دنظم تر  
منخ بینه رابطه شته ، موتو و دانسی  
بدلوو تر خودوی هم بخبل وارسونه  
زمونه دزوند کیفیت و اپوی .)

بهدی باره کنی چه لوى بنار

او دهه داویسید ونکو تر منخ خرنگه  
هم آهنگی بیدا کرو ، باید پوپهیزو  
چه تول خالک نشی . کولاوی دزوندانه  
دشرايطو سره یوشان خان تطبیق  
کپری . مسلا دهفو کسانو دباره چه  
ورو بنارونو یاکلیو خخه لویو او  
صنعتی بنارونو ته گام بردی ، دزوندانه  
دشرايطو مثل یه ربتیا گران کار  
دی ، خکه چه دغه بنارونه ، بی له دوی  
دده کار سره کلک مخالفت و کراو  
عقیده بی دلوده چه هماغه پخوانی  
شوی دی او بدهفو کنی ددوی دباره

بی به آرامی سره تک اوراتک نشو  
کولاوی موبر کانو چهاتر همه وخته

پوری یودبل سره دوستانه رویه  
درالوده اود سولی په فضا کنی

او سیدل ، کله چه دزوند شرایط له  
ستونزو سره گه ولیدل ، رویه بی  
واوبننته اویه جکه بی لاس پوری  
کپر .

باید بهدی هم یوه شو چه مویونه  
هم بخیله دبناری خلکو به رویه  
باندی غوره اغیزه لری او کوم شی  
چه بیه ترافیکی بیپسو کنی زیات مهم  
عامل گنل شوایدی ، په بناری کسانو  
وزرمه نشی تطبیقولای .

به تیره بیا خوانانو کنی خشونت  
دی . به هر حال ، دلوبو بنارونو خاص  
کیفیت همه خلک چه دناری نازامیو  
(دمینی دکموالی اود سیمی روزنی  
دنستوالی غرقی) دشرايطو دباره  
مساعد دی دی ته مجبور وی چه  
خپلی غوئی به لومرنیو کسانو باندی  
خلاصی کپری چه دیری وی کنی  
دگردی میز به شکل وی . مگر چرچل  
ددغه کار سره کلک مخالفت و کراو  
په سر ورسه شخه کوی .

پرو فیسر (سیوا دون) واپی ،  
(دبناور تو داویسید ونکو او سل گونو

دوزین الاملى  
اطفال

ویهود و ضع اجتماعی و صحی  
اطفال ما در چوکات اصلا حات  
بنیادی حکومت انقلابی بسو ر ت  
عاجل در نظر گرفته شده و در راه  
نیل باین هدف عالی هائند سایر  
رفورم های بنیادی کشور اقدامات  
مفیدی بعمل خواهد آمد .  
در جمله اقدامات مفید د و لست  
جمهوری در راه عملی شدن  
رفورم های بنیادی کشور از بدو  
تا سیس تاکنون یکی هم تا سیس  
هاشم زینتلو است که تما یانگر  
توجه جدی دولت در امور ہر روز شش  
طفل میباشد .  
اطفال امروز که مردان و زنان  
فردای کشور را تشکیل مید هند  
در آینده مسؤولیت‌ها ی خطیری  
متوجه شان میگردد . از ینرو اینها  
باید طوری تجهیز گردند تا در آینده  
موقعیکه با همچو مسؤولیت‌ها رو برو  
میگردند بتوانند به شما یستگی  
کامل رفع مسئولیت نموده و مصدر  
خدمات مفیدی به کشور و مردم  
خواش گرند .

٦١ صفحه نهم

ممتازو

در فلم (ایا سنا) مقابل عصبا نیت  
بیمورد او خو تسردی خود را از  
دست دادم و بقدر کافی باو تعرض  
کردم باین جهت مدت یکسال با هم  
سخن نمیزدیم تا آنکه در هنگام  
فلمبرداری فلم (در هر کن) یا هم  
آشتب کردیم .

او را همه کاکا می گویند .  
اولین فلم ما (بندهن) است بعده در  
فلم های زیادی یا هم یکجا ظا هر  
شدیم که این موضوع در افواه مردم  
راه یافت و شایعاتی علیه ما صورت  
گردید .

امیتا بچن :

- از قول همسرش اورا هر کس  
مستر لمبومی می گوید. او آدم خوب  
وصاحب یک کرکتر مخصوصاً بخود  
بوده و بیشتر از هر چیز به کارهای  
عنی علاقه دارد در فلم (بندھاتیه)  
با هم از نزدیک معرفت پیدا کردیم  
دانا سنگت :

卷之三

(دارا) نشود مطلقاً بی انصافی خواهد  
بود (دارا) هم بازی ایام گمنامی من  
بود از «اینرو» باو احترام زیاد قابل  
استم.

دولي مطبعة

۱۱	پر رز مسی دا حی را در جی باریست	الفغانی پستینچه
۳۶۰۰۰۰۰	البسه پوستي	۵۱/۲/۱۸
۴۷۳۳۰۰۰	تولیدبوب	۵۰/۷/۱۶
۴۰۰۰۰۰	دباخی چرم	۵۱/۵/۱۵
۴۳۹۵۰۰۰	امور طباعتي	۳۸/۳/۲۱
۳۸۰۰۰۰۰	امور طباعتي	۳۶/۷/۱۵
۲۱۰۰۰۰۰	امور طباعتي	۳۶/۷/۱۵
۳۲۰۰۰۰۰	پکل پوست	۳۷/۱۱/۲۲
۲۱۳۷۰۰۰	تولیدبیخ	۳۹/۱۱/۱۱
۱۰۰۶۳۰۰۸۲	تولیدنخ	۵۰/۱۲/۲۲
۲۰۰۰۰۰۰	ساختن البسه پوستي	۳۷/۱۱/۱۲
۱۱۵۰۰۰۰	تولیدمیخ گول	۳۶/۳/۱۶
۱۳۰۰۰۰۰	تولیدتار کلو لد	۳۶/۱۰/۱۸
۸۳۱۰۶۰۰۰	تولیدنکه های نخ و ابر پشمی	۳۸/۳/۱۱
۱۰۰۰۰۰۰	خشش تعمیر اتی	۳۷/۷/۱۵
۱۰۶۰۰۰۰	تولیداسفنج	۳۹/۳/۷
۲۹۵۱۶۰۰	خر پطه پلاستوکی	۳۹/۱۱/۱۱
۱۵۳۰۰۰	امور محاسبه	۵۰/۱۲/۲۲
۴۲۰۰۰۰۰	امور محاسبه	۵۰/۱۲/۲۲
۱۳۸۳۲۵۰۰	تولیدمیخ گول	۳۹/۹/۱۵
طبق ماده ۱۳ زد هم قانون سرمایه‌گذاری جدید خصوصی داخلی و خارجی:		
سرمایه‌گذاری خارجی بوج این قانون تنها بصورت مشترک با سرمایه‌های افغانی بعمل آمده، به تو اند و سهم خارجی اداری یک		
سرمایه‌گذاری از چهل و نه فوصد تجاوز کرده نمیتواند.		
همچنان طبق فقره دو ماده بیست و یکم قانون جدید که در آن جنین نه کار بعمل آمد،		
سرمایه‌گذاری که بوج قانون سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خارجی او ل جو سال ۱۳۳۰، منظور شده است مکلف از		
این از هدایت ماده (۶) این قانون اندازه لازمه اسهام بر طبق سودداران خارجی خود را به بمعارضه وش بگذارند.		
لست بر و زهای قعال مختال خصوصی داخلی و خارجی:		
اسم بروزه		
بندار سرمایه نظر به در خواست	تاریخ منظوری	نوع فعالیت
تو اید میخ گول	۳۹/۹/۱۵	تولید مخدو م
۱۷۵۰۰۰۰	مشروبات الکول ضخمی	سینه گول صمد مخدو م
۱۱۲۶۶۰۰۰	تولیدادو ید ضد حشرات	افغان کمیکل انجیترنک
۳۶۰۰۰۰۰	روغنیات مو تر	شرکت سیامی رو غنیات افغانستان
۶۳۰۰۰۰۰	سابون سازی	صنایع افغان
۳۱۰۶۰۰۰	امور حسابی	شرکت ای-بی، ام
۲۲۲۰۸۲۰۰	تولیدادو ید	شرکت هو خست افغانستان
۳۸۱۸۵۰۰۰	تولید کارتن	افغانی ابورست
۸۳۰۰۰۰۰	تولید چرم	چرمگری یعنوب
۱۰۰۰۰۰۰	بر و سس مخربات	سیاپ لمیتد
۳۲۰۰۰۰۰	تولیدبوب	بوت آغو
۶۰۰۰۰۰	دباخی چرم و بر و سس رو ده	محراب او حاجی الله محمر معنو او کلموشو کت ۷/۳/۲۹
۴۰۰۰۰۰۰	تمویل و کمک در تاسیس بر و زهای صناعتی افغانستان	بانک انشاف فنی
۱۸۰۰۰۰۰	تولیدبیخ	بیخ سازی بست
۱۰۸۰۰۰۰۰	صنایع فولادی سینه گول و گادر	غمان فولاد
۹۰۰۰۰۰۰	تولید خر پطه پلاستیکی و کارتن	پستون پار جامه



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**